

کارگران جهان متحد شوید!

۲۸ صفحه

سکار

۱۰۶

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در صفحات دیگر این شماره:

- دانشجویان کمونیست و انقلابی بوزه سلطنت طلبان فراری و هواداران بختیار خائن را بخاک مالیدند! صفحه ۷
- "ذرافشانی" سخنگوی دولت!! صفحه ۱۴
- درباره مفهوم "بورژوازی دمکرات" صفحه ۱۵
- مردم زحمتکش ما جاسوس نیستند! صفحه ۲۲
- "میتران" و ماسک سوسیالیستی اش صفحه ۲۵

سال سوم - دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهاء ۳۰ ریال

لا بجه قصاصی:
نمودار ماهیت
بسیار ارتجاعی
رژیم

۱۳

کمونیست پیکارگر رفیق مژگان
رضوانیان:
شهادت دیگر
نارنجک
پاسداران!



صفحه ۸

سرمقاله

پاسخ خمینی به
مجاهدین و درسی
که باید از آن گرفت!

بدنبال سیاست جدید رژیم جمهوری اسلامی در به اصطلاح بکار گرفتن شیوه "جماعت و نان شیرینی" که در سرمقاله پیش به تفصیل از آن سخن گفتیم، رژیم حاکم کوشش دارد تا بر مبنای اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی، در عین حال که موجودیت و فعالیت نیروهای رویزیونیست و خائنی چون حزب توده و فدائیان "اکثریت" را بی‌های خیانتشان به انقلاب و توده‌ها به رسمیت بشناسد، متقابلاً نیروهای سیاسی انقلابی را که در برابر رژیم و جنایات او ایستادگی کرده‌اند، بعنوان نیروهای "غیر قانونی" مورد بیورش و سرکوب قرار داده و به دستگیری، ضرب و شتم و ترور و شکنجه آنها بپردازد. بی‌لحظه عملکرد رژیم جمهوری اسلامی بنحیه در صفحه ۲

زندانیهای جمهوری اسلامی: شکنجه و یورش
پاسداران و مشت‌کرده کرده انقلابیون

بدنبال اظهار نظر "مشیست برسی شایعه (!) شکنجه که گویا "زندانیهای جمهوری اسلامی شکنجه وجود ندارد"، دزخیسان و زندانبانان با خیالی راحت تر از گذشته و با سودجویی از همکارها و حمایت‌های رویزیونیست‌های خائن توده‌ای و اکثریتی، شکنجه و آزادی روبرو کردن زندانبانان انقلابی و کمونیست را تشدید کرده اند. در روزی نیست که بندهای انقلابیون اسیر موردتجاوز و حسیا نه با سداران قرار نگیرد و فرزندان انقلابی و کمونیست زحمتکش با شکنجه‌های مزدوران رژیم مواجه نشوند. خبرهایی که از زندانیهای ایران میرسد از یک سو حکایت از مقاومت و پایداری حماسه آفرین انقلابیون در بندها شده و از سوی دیگر، وحشیگری و عمق زحمتکش زندانبانان مزاحم جمهوری اسلامی را می‌نمایاند.

در صفحات ۹ - ۱۱ - ۲۲



توطئه
اخراج کارگران
"۵۰ درصدی" و
راه مقابله با آن

صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

در فاصله همین دو ماهی که زغال با صلح -
"حاکمیت قانون" میگردد و آما روا رقاص دستگیر -
شدگان و آنها که به وحشیانه ترین شکلی در تهران
و شهرستانها مورد ضرب و شتم و ترور و سدا ران
و باند های سیاه حزب جمهوری اسلامی قرار گرفتند
بروشنی صحت این موضوع را تا قید میکنند و جالب
اینست که این یورش و سرکوب نیروهای انقلابی
درست در شرایطی صورت میگردد که حزب توده و
فدائیان "اکثریت" بن نوکرتان بورژوازی به
دنبال خیانت خود در اول ماه مه، پتروها خود
را برای شوی "بحث آزاد" تلویزیونی آماده
میکنند.

همانطور که در سرمقاله پیش نیز اشاره کردیم
رژیم جمهوری اسلامی در متن تشدید بحران اقتصادی
و سیاسی جامعه و در پی کوشش برای مقابله با
این بحران، در ابتدای سال جدید چاره رادر این
دیدگاه و اول میان دوستان و دشمنان خود مرز بندی
مشخصی بنمایند و از دیدگاه خود با صلاح جبهه
انقلاب و ضد انقلاب را مشخص کنند و تا نیا نیروهای
بینا بینی را حتی الامکان خنثی و با جذب نماید
و تا لثا با تقویت یا به جبهه خود به سرکوب انقلاب
و نیروهای انقلابی بپردازد.

رژیم با این سیاست جدید خود و تا آنجا که به
مجا همدین مربوط میشود، کوشش دارد تا در کنار
چماق سرکوب و حمله به تظاهرات مجا همدین و
فروشندهگان نشریه مجا همدین دستگیری و ترور اعضا و
هواداران این سازمان، در عین حال از زیسان
فریب نیز استفاده کنند و تا آنجا که بتوانند بسا
"نمایح پدران" به هواداران این سازمان و در
مواردی رهبران آن، آنان را از کمونیتها دور
کرده و دست کم خنثی نماید. بدون تردید، این
سیاست رژیم در برابر مجا همدین، در ارتباط تا مو
تمام با مواضع سیاسی آنها دارد و آنچه که در جبهه
اول لیبرالها و در درجه بعد و میزبان محدودتری
حزبیه (بویژه جناح دور اندیش آن) را به سمت
چنین سیاستی رهنمون میشود، چیزی جز همان
گرددش شدید لیبرالی مجا همدین در برخورد به
مسائل اساسی انقلاب و از آن جمله قدرت سیاسی نیست
گرایشی که در شکل تکامل یافته خود چندی پیش
منجر به طرح شعار "خلع پد" از حزب جمهوری
اسلامی، از سوی مجا همدین گردید.

پاسخ آیت الله خمینی به درخواست اخیر
مجا همدین جهت ملاقات با وی از جمله نمونه های
تا زهای است که بروشنی سیاست جدید رژیم را در
برابر شرایط بحرانی جامعه و دوستان و دشمنان
جمهوری اسلامی و از آن جمله مجا همدین بیان میکند
خمینی در پاسخ به مجا همدین، کوشش دارد تا بسا
انکا به مواضع بینا بینی مجا همدین آنها را بر
سردوراهی مشخصی قرار دهد؛ یا تسلیم در برابر
قانون اساسی و قانونیت رژیم جمهوری اسلامی
و در این صورت عمل کردن با مجا همدین به استرا
آنطوریکه آنها بخوانند و مقابله و ایستادگی
در برابر رژیم حاکم که نتیجه اش چیزی جز ممنوعیت
فعالیات سیاسی و سرکوب و کشتار آنها نخواهد بود

آیت الله خمینی در سخنرانی روز دوشنبه
گذشته خود، در پاسخ به درخواست مجا همدین جهت
ملاقات با وی میگوید:

"مادامی که شما تفنگها را در مقابل ملت
کشیده اید، یعنی در مقابل اسلام با اسلحه قیام
کرده اید نمیتوانیم صحبت کنیم و نمیتوانیم
مجلسی با هم داشته باشیم" و اضافه میکند: "اسلحه
- ها را تسلیم کنید و اگر میگوئید ما به قانون در
عین حال که رای نداده ایم لکن سرباومی -
سیا ریم آن را با قانون شماعمل کنید و قیام بر
ضد دولت که برخلاف قانون است و قیام مسلحانه
که برخلاف قانون است و دارای اسلحه که بر ضد
قوانین کشور است به اینها عمل کنید ما هم باشما
بهتر از نظوری که شما بخوانید عمل میکنیم"
(کیهان - سه شنبه ۲۲ اردیبهشت).

پاسخ خمینی کاملاً صریح و روشن و خالی از
هرگونه ابهام و دوپهلوشی است. رژیم جمهوری
اسلامی و از آنجمله شخص خمینی برای مجا همدین
که میگویند موضع بینا بینی خود را حفظ کنند و
را به بیشتر نمی شناسند؛ یا تسلیم و کناره گیری
مبارزه طبقاتی و دفاع از منافع زحمتکشان که
در چنین صورتی، رژیم جمهوری اسلامی "عنا ایست"
کرده و آنها را پذیرا خواهد شد و یا چندی بر
دفاع از زحمتکشان و منافع آنها و ایستادگی
در برابر جناحیات رژیم حاکم که در چنین صورتی
رژیم جمهوری اسلامی آماده سرکوب و کشتار آنها
بوده و جاشی برای ادامه حیات و بقا نیست
سیاسی آنها نخواهد بود. در منطق رژیم جمهوری
اسلامی و از آنجمله شخص خمینی، تنها راه حق حیات
و فعالیت سیاسی عبارتست از گردن گذاشتن به
قانون جمهوری اسلامی یعنی قانون سرمایه داری
گردن گذاشتن به سرکوب آزادیهای دموکراتیک
و سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت
ستم، گردن گذاشتن به بمباران و قتل عام شهرها
و روستاهای کردستان قهرمان گردن گذاشتن به
شتمیل دانشگاهها و یخون کشیدن دانشجویان
کمونیست و انقلابی در سراسر ایران، گردن گذاشتن
به جنگ ارتجاعی و گوشت دم توپ کردن زحمتکشان
و آواره ساختن ۱/۸ میلیون از آنها، کسردن
گذاشتن به سرکوب، ترور، شکنجه و کشتار کمونیستها
و انقلابیون توسط با سداران و اوباشان جمهوری
اسلامی و با لایحه گردن گذاشتن به اطلاعیه ۱۰
مادهای دادستانی که در آن حکم قتل کمونیستها
و نیروهای انقلابی را صادر کرده است.....!

آری، این منطق دشمنان است و چیزی نیست
جز منطق مبارزه طبقاتی که دشمن در برابر ده کردن
آن نسبت به نیروهای پیگیر انقلابی و تا آنجا که
در توان دارد، تردیدی بخود راه نخواهد داد و
این نیروهای انقلاب و در اینجا بطور مشخص
مجا همدین هستند که باید منطق و سیاست خود را در برابر
منطق صریح و روشن ضد انقلاب ارزیابی کنند و

بینندگان این منطق و سیاست تا چه حد در برابر
منطق و سیاست دشمن قدرت مقابله و ستیز دارند.
مجا همدین در نامه ای که برای آیت الله
خمینی نوشته اند، علیرغم آنکه سعی کرده اند،
هر چند به شکل تلویحی، از موضع قویتر و در عین
حال محکمتری در مقابله با گذشته با آیت الله
خمینی برخوردار کرده و امکان مقابله و رودرروئی
با رژیم را بطور کامل نفی نکنند، معذک مضمون
این نامه، همچون دیگر نامه ها و پیشنهادات
مجا همدین کماکان در جای خوب قانونیت و
مشروعیت کل رژیم جمهوری اسلامی و شخص خمینی
است که بشوخی آنرا همان گرایش و توهمات شدید
لیبرالی مجا همدین در برخورد با اساسی ترین
مسائل انقلاب و از آنجمله برخورد به قدرت سیاسی
تشکیل میدهد.

مجا همدین در نامه اخیر خود به آیت الله
خمینی می نویسد:
"همچنین ما با رها تکرار کرده ایم... که
اگرچه بنا به دلایل خاص خودمان به قانون اساسی
رای نداده ایم ما به شرط اینکه همین قانون
نیز عملاً اجرا شود، بدان ملتزم هستیم" و در پایان
نامه خود میگوید: "بدین وسیله تقاضا میکنیم تا
برای بیان مواضع و تشریح اوضاع و عسوس
شکایات و اشکات مطالب فوق الذکر بدون هیچ
گونه تظاهر و در نهانیت آرا من به حضورتان برسم
به گمان ما این میتواند یک رویداد مهم تاریخی
محسوب شده و تا الله سرآغاز زیساری تدابیر
و تفاهات ملی و هر چه بیشتر زنده داشتن امید
زندگانی مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجات
داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد عمومی سراسری
برای رفع کامل الحیا رتجا و حرکات مدیکتاتور و
جاه طلب یعنی به حقوق و زندگانی هموطنان
ستمزد و رنج دیده ی ما باشد." (به نقل از نامه
مجا همدین به آیت الله خمینی - مجا هشتم ۱۱۹)
مجا همدین حتی اگر مدعا رهم از عدم جرای
"نموس صریح قانون" و از قانون شکنی انحصار -
طلبان و سرکوب آزادیهای اساسی توسط آنان
سخن بگویند، با زهم نمیتوانند در گریبان خود از
ملتزم بودن به قانون اساسی و تطهیر لیبرالها
از شکنش در سرکوب جنبش توده ای و با لایحه
تا شید قانونیت و مشروعیت کل رژیم جمهوری -
اسلامی رها سازند. نتیجه منطقی چنین برخوردی
به این بار و منجر میشود که گویا ملاقات مجا همدین
با آیت الله خمینی میتواند "یک رویداد مهم و
تاریخی محسوب شده... و سرآغاز زیساری تدابیر
و تفاهات ملی و هر چه بیشتر زنده داشتن امید
زندگانی مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجات
داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد عمومی سراسری...
باشد!!"

بلافاصله دوستان مجا همدین خواهند گفت که
این یک برخورد تا کتیکی است که هدفش در مظهر
قرار دادن آیت الله خمینی است. بسیار خوب!
کسی مخالف برخورد تا کتیکی نیست و بسودون
تردید برخورد های تا کتیکی اصولی میتوانند در
بقیه در صفحه ۲۶

جنبش کارگری



مبارزات کارگران گروه صنعتی رنا و درسهای آن

نوطه اخراج کارگران ۵ درصدی و راه مقابله با آن

گروه صنعتی رنا مرکب از سه کارخانه از مواد زورادیا نورساست. مسازات ۳۰۰۰ کارگر این گروه قبل وسعد از عید برای دریافت عیدی وسودوسزه، با اعتصاب دوروزه کارگران رادیا نور آغا زکریه، کارگران نوانسندیا دای دوما هه خود را دریا صت کرده وسه مسازات خود خپست دریا صت ۴ هزار سومان عیدی ادا مه دهند و همزمان با آنها کارگران زامبادور ریزنا خوا صت مسترکی دست به مبارزه زده و بدین ترتیب مبارزه مسعدا ن گروه صنعتی رنا همگاری سه صورا ی کارگران شکل گرفت.

صورای هما هکی: گروه سعد از مذاکرات با هیئت مدیره گروه ادا مه تکمیل یک هیئت ۸ نفره برای تحقیق دربار ه نحوه پرداخت عیدی و مسازات دربار ی کارخانجات نمود و بدین ترتیب زمیننه مناسی برای ارساط کبری سا کارگران سا بر کارخانجات و پیش بردن مسازات گسترده و متحدانه و بوجود آمدن یک هیئت قلابی بودن اغلب صورا های کارخانجات دیگر این مسئله عملی نکردند، اما نه هر حال صورای هما هکی بدین سبب رسید که هیئت مدیره مسوا نده مبلغ مورد تقاضای کارگران را پرداخت نماید و لذا مجمع عمومی را فرا خوا بد و نظر خود را با کارگران در میان میکند.

سرا نحا م علیرغم مسوا مت هیئت مدیره کارگران آن را وادار کرده اند تا خوا صت آنها را تصویب نماید ولی کارخانهای زامبادور ریزنا ترتیب ۳۰۰۰ و ۲۵۰۰ تومان پرداخت کرده و بقیه را سه سعد از عید و کول مینما بند، رادیا نور ه هم پرداخت تمامی ۴ هزار سومان را به سعد از عید موکول میکند.

بردن مزد کارگران ناغل، جزا نژودن به خصل بیکاران راهی نمیشناسند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که رسالت سازای این سیستم ورتکسته را عهده دار است، از وسعد و وعیدهای دروغ گرفته، تا سرکوب و کلوله سازان صفوف نظا هرکنندگان کارگران بیکار در کونه و کنارا بران، فروگذار نکرده است، اما سبب این توطئه رژیم، تحت عنوان استخدام موقتست کارگران ۵ درصدی چه بوده است.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از عهده پیش به این طرف، به سردمداری بنی صدر، دست به استخدام بخشی از کارگران بیکار، نخست عنوان کارگران موقت ۵ درصدی زد، رژیم اعلام کرده بود که کارگران در کارخانجات استخدام داشم نشده بلکه بصورت قراردادی ش ما هه استخدام موقت میگردند، تا بعد از اتمام دوره، کار فرما با مدیر دولتی در صورتیکه احتیاج باشد، دوباره با کارگران قرارداد را تجدید کنند، و اگر احتیاج نباشد آنها را بدون قید و شرطی اخراج کنند.

این شیوه که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به آن متوسل میشود چیزی تازه ای نیست، بقیه در صفحه ۱۴

واقمیت این است که بحران اقتصادی کنونی در جامعه ما روز به روز گسترده تر میشود یکی از مسائلی که در رابطه با این بحران شدت یافت، و خود را بصورت یکی از مسائل بسیار حاد جامعه در آورد، مسئله بیکاری است.

بیکاری روز افزون کنونی، خود تشدید یافته بیکاری است که همواره و ضرورتا در جامعه سرمایه داری ما وجود داشته است، سرمایه داران به خاطر آنکه همواره بدنشال سود بیشتریند، با بیکار رنگه ها داشتن بخشی از طبقه کارگر و زحمتکشان و تحمیل فشارها وقت فرسای کار بیه بخش ناغل طبقه کارگر به سودهای سرشار و تسری دست می یابند، اگر در گذشته در مواقع غیر بحران بیکار بیکار رنگه ها داشتن بخشی از کارگران و زحمتکشان، به خاطر همین نگاه داشتن دستمزد کارگران و سرکوب مسازات آنها برای طبقه سرمایه دار و دولت حامی آنها ضروری بود، اما در مواقع بحران، افزایش بیکاری و آواره کردن روزانه تعداد بیشتری از کارگران یکی از ابزارها و وسائیل تحمیل بحران سرمایه داری بردوش طبقه کارگر از یک طرف و سرکوبی مبارزات روبه رشادتها از طرف دیگر میباشد، به عبارتی دیگر در این دوره سرمایه داران، برای پاشین تسر

حمایت کارگران ذوب آهن از جنبش خلق کرد

روز ۱۸ فروردین قرار بود که حق کارگران پرداخت شود اما روز قشلس وزارت صنایع و معادن رسماً دستور لغو پرداخت اختیارا ما درمی نشاید، و در نتیجه ما بین هیئت مدیره که همچون خود رژیم از دود سنده جزبی و لیسیرال تشکیل شده بود اختلاف بروز میکند، جزبیها سد فاج از تصمیم صنایع و معادن میگردانند و لیسیرالینا هما هک با سیاست عمومیان و خصوص سعد از و اعهده ۱۴ اسفند تا نشکا دگ در رقابت سا جزبیها به عوا مغریبی میگردانند و جوانان برداخت مبلغ مقرری کردند، سپس با زمان صنایع ملی شده حکم لغو مدیریت لیسیرالینا را صادر کرده و شورا های گروه را شهید میکنند که نیا بدیول را سپردا زبند.

مقاومت خلق کردا برار میبدارند.

مردوران رژیم و حست زده به دست و پا افتاده بودند که هر چه زودتر دانش آموزان گسرد را از کارخانه خارج کرده و جلوی امشاکری آنها را بگیرند، اما استقبال کارگران از فرزندان دلیر خلق کرد که بیا نکر درک آنها از همیستکسی مبارزات صینا با جنبش خلق کرد بود، مردوران را بیشترا قضا نمود و بدین ترتیب نه تنها رژیم به هدف فذ خلقی خود نرسید، بلکه بالعکس موجب استحکام بیشتر پیوند میان کارگران ذوب آهن و خلق کرد گردید.

روز ۶۰/۱/۳۱ رژیم حدود ۱۰۰۰ نفره دختر و پسر دانش آموز سنجی را برای بازید به ذوب آهن اصفهان میبرد، هدف رژیم از این کار دادن زدن مسه عوا مغریبیها پیش در مورد اینکه گویا با خلق کرد هیچ دشمنی ندارد و همچنین برای پوشانیدن جنايات وحشانه و سولاش در کردستان، بود.

اما دانش آموزان انقلابی، بعضی ورود به قسمتهای نوره ۶۵ و نوره ۳۵، علیرغم جلوگیری جا سومان رژیم، به امشاکری پرداخته و حقا نیست جنبش خلق کرد را برای کارگران نشر مسه مینما بند، کارگران نیز دور آنها حلقه زده و ضمن نا شهید گفته ها بشان، پشتپاشی خود را از جنبش

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



شورای رادیا شور علیرغم این دستوربول را پرداخت میکنند ولی شورای زامیادکارگران معترض و حق طلب را دعوت به آرا می نموده و آنها را از تکرار خادشه کفش ملی میترسانند! بدین ترتیب هماهنگی ما بین شوراها از بین رفته و راستروی در میان آنها رشد میکند.

"دادستانی انقلاب" دستور جلب شورا و مدیریت رادیا توررا بجرم "سرقت بیت المال"؟! ما در میگردیم اگر چه بعد از دو هفته آنها را آزاد می نماید، اما کارگران رادیا توردست به اقدامی هشیارانه زدند و "شورای موقت" خود را انتخاب می نمایند. اما شورای زامیاد عملا به دفاع از مدیریت لیبرال میپردازد و توهیم کارگران را نسبت به آنها افزایش میدهد. صندوق حسابداری که توسط مامور صنایع و معادن مهروموم شده بود بموجب داد من زدن به بخشهای زیادی در میان کارگران گردیده و موجبات افشای بیشتر رژیم را فراهم می نماید کارگران عمدتا خواهان باز کردن صندوق و دریافت حق خود میگردند. که شورای زامیاد با اینکار مخالف می نماید. مدیریت و شورای "زر" اقدام به پرداخت ۲۵۰ تومان از پول موجودی کارگران می نماید و بدینحال آن حکم جلبشان نیز صادر میگردد.

در این میان عده ای از اعضای شوراها به کارخانه به همراه عده ای از کارگران به وزارت صنایع و معادن رفته و خواهان حضور نمایندگان

این وزارتخانه در میان کارگران میشوند که نوکران رژیم از ترس افشای شدن موافقت نمی کنند. این اقدام شما بندگان که میبناست با رودر رو قرار دادن مقامات و کارگران به افشای بیشتر رژیم کمک نماید. علیرغم به نتیجه نرسیدن وسیله خوبی شد برای افشای جیونی و ضدکاری بودن مقامات رژیم.

سرانجام روز ۲۶/۱/۶۵ مجمع عمومی با شرکت کلیه کارکنان گروه به دعوت شورای هماهنگی برای تصمیم گیری نهایی تشکیل شد در این جلسه نمایندگان کارگران را به اتحاد و پشتیبانی از شورای زندانی شده رادیا شور دعوت کردند و شما بندگان رادیا توررا زشورای زامیاد خواستند تا برای اضاات اتحاد خود پول کارگران را پرداخت کنند که این گفته بسیار پشتیبانی کارگران مواجه گردید و شورای زامیاد تحت فشار کارگران نشی که پولی در یافت نگسوده بودند، اعلام کرد حاضر است پول کارگران را پرداخت کند بشرطی که مسئولیت اینکار بر عهده خود کارگران باشد و بدین ترتیب نقش خود را بعنوان نمایندگان واقعی کارگران نفی کرد. سرانجام مجمع بدون هیچ دستاورد مشخصی خاتمه یافت.

نکات مثبت و منفی این حرکت

با توجه به آنچه گفته شد روشن میگردد که علیرغم ضعفهای شخصی که در حرکت کارگران گروه صنعتی رنا وجود داشت، نکات مثبتی نیز در روند مبارزاتشان وجود داشت که طبقه کارگر میبایست با درس گیری از آنها و هتزاز از ضعفهای حرکتشان مبارزات خود را هر چه

آگاهانه تر و مستکثر به پیش ببرد. گذاشتن مجمع عمومی و افشای عملکردهای رژیم در میان توده ها از اعمال بجا و اولی شورای هماهنگی بود که میبایست پیش از این برگزار میشد. همچنین رفتن کارگران به همراه شوراها به وزارت صنایع و معادن و وزارت کار و دعوت از آنها برای پاسخگویی به مسائل کارگران در حضور جمع، تا تیربسیاری در رشتند آگاهانه کارگران و افشای ماهیت ضدکاری این ارگانهای رژیم داشت و اعتماد کارگران را نسبت به شما بندگان نشان افزایش میداد.

اتخاذ تاکتیکهای مناسب، جلوگیری از لطمه وارد آمدن به اتحاد کارگران و افشای قاطعانه نا پیگیریها میبایست سیاست کامبر اینگونه حرکتها باشد و توسط کارگران آگاه و انقلابی پیشبرده شود. بدین ترتیب عدم تقسیم پول صندوق میان کارگران و با نیروی خود کارگران که میبناست جلوی دستگیری اعضای شورای رادیا توررا نیز بگیرد، اشتباه شورا بود و از طرف دیگر عدم افشای نا پیگیری و راستروی شورای زامیاد توسط سایر کارگران مبارز، ضعف دیگری بود که نتایج اتحاد کارگران را تقویت نکرد، بلکه با داد من زدن به تفرقه عملی باعث تضعیف آن گردید. بدین ترتیب یکبار دیگر این مسئله مهم در این تجربه اثبات گردید که پیروزی مبارزه کارگران در گرو استحکام و آشنی نا پذیری رهبری آن و طرد هر گونه سازشکاری است و نه در حفظ اتحادی ظاهری به بهای تن دادن به یک رهبری متزلزل و نا پیگیر. به امید بکار بستن این تجربیات و افزایش آگاهی و تشکل طبقه کارگر!

در ادامه توطئه های رژیم برای اخراج کارگران فولاد اهورا زکده در ازمبارزات کارگران تاکنون به نتیجه ای نرسیده اند (تحتیلی موقت، با ز خرید جباری، هیئت جمع آوری نظرات... و پس از تبدیل شدن جلسات هیئت اخیر به غرض محاکمه و افشای انجمن اسلامی و ستاد بسیج، روز ۱۵/۲/۶۵ رئیس مجمع با صدور اطلاعیه های بی اعلام میکنند که زاول خرد اما بخشی از شرکت ما ناشامل کارخانه سازی با ۷۰۰ کارگر بصورت شغالی اداره خواهد شد و از ۶۰/۲/۶۵ کارخانه ذوب ۱ که در پنج کیلومتری اهورا قرار دارد، جزء مناطق جنگی بحساب آمده و کارگران آن علی الحساب بین ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ تومان دریافت خواهند کرد.

این اطلاعیه ها با اعتراض کارگران مواجه میشود بطوریکه کارگران ذوب ۱ بعد از امتناع رئیس مجمع از گفتگو با آنها و رایزوری میان کارگران میاورند. این مزدور همصراحتا اعلام میکنند که: "اهورا جزء مناطق جنگی است ولی بخاطر بهره برداری سیاسی عراق از این مطلب این موضوع اعلام نگردیده است. بنا بر این شما شامل منطقه جنگی با این میزان دستمزد هستید!!"

مجمع فولاد اهورا: توطئه های جدید رژیم و مقاومت کارگران

سپس محافظین مسلح این مزدور در میان خشم کارگران و با مبادرت به تیراندازی هوایی او را از جنگ کارگران فراری میدهند. در این هنگام کارگران شعار میدادند: "مرگ تیر آمریکا" "مرگ بریتانیا" "مرگ بریا سدار" بسمت پاسدارانی که از قبیل برای سرکوب اعتراض احتمالی کارگران آماده شده بودند، حمله میکنند که مزدوران رژیم فرار را برقرار ترجیح داده و میروند. ضمن آنکه در این موقع یک بمب موتی توسط مزدوران رژیم در کارگاهی از شرکت مانا منفجر میشود فردی آرزو کارگران ذوب ۱ در مقابل دفتر رئیس مجمع گرد آمده و خواهان رسیدگی فوری به وضعیت می شوند و مورد حمایت کارگران قسمتهای دیگر قرار میگیرند.

نکته قابل توجه آنکه رویزونیتهای خائن توده ای و اکثریت که همواره در کناره نجم

اسلامی و سایر مزدوران رژیم، بر علیه کارگران و مبارزات انقلابی شان به توطئه چینی مشغول بودند، اینبار نیز بطرح اینکه انفجار بمب کارخانه "فولاد انقلاب" بوده است سعی در تطهیر یا سدا ران داشتند. در حالیکه کارگران میدانستند که بمب را پاسداران ضد انقلاب منفجر کرده اند و این تلاش مذکور با خاشاک شمشیر رویزونیست حاصلی جز افشای بیشتر خودشان نداشت.

آنچه که در پایان این حرکات کارگران برجسته و بیوا رزش بود، بی بردن هر چه بیشتر آنها به ضرورت تشکیل شورای واقعی نمایندگانشان بود که نتیجه اش آغاز بحث کارگران ذوب ابرای ایجاد شورای واقعی شان جهت پیشبرد مجدداه مبارزاتشان بود.

اما با توجه به تکرار مکرر توطئه های رژیم جهت اخراج کارگران از طریق ایجاد چند دستگی در میان آنها، آنچه میبناست نداشتن حفاظت یکبارگی و هوشیاری کارگران برای مقابله با اعمال ضدکاری رژیم باشد، چیزی جز تشکیلات سراسری واقعی مجمع نیست که خود میبایست حمایت کارگران سایر مناطق را برای دفاع از مناطق کارگران فولاد اهورا جلب نماید پیش بسوی تشکیل شوراها و واقعی کارگری!

خلق‌ها و مسئله ملی



دو خبر از سقز

سقز ۶۰/۲/۱۴
بین پیشمرگان و نیروهای رژیم، با سداران به تلافی ضربات پیشمرگان، جلوحمل کالاهایی که به مقصد سقز در حرکت بودند میگیرند این عمل با اعتراضی بازاریان سقز مواجه میشود و آنها با بستن مغازه‌ها اعتصاب نموده و در مسجد جامع سقز اجتماع میکنند. بازاریان مبارز سقز اعلام میکنند رفع ممنوعت از ورود کالاها به اعتصاب خودا که مواه هنددا دو این موضوع را با انتخاب نمایندگان به اطلاع فرمانسدار جاش و مزدور مسعود طلوعی میرسانند.

روز دوم اعتصاب رژیم تحت فشار مجبور به آزادی ورود مقداری از کالاها میگردد اما بازاریان کماکان به اعتصاب خود ادامه میدهند.

روز ۶۰/۲/۱۶
فرماندار مزدور به همراهی جاشها و زاندارها به بازار ریخته‌وپا کلنگ بعضی از دکانها را خراب کرده و اموال جنسیست مغازه‌ها را مصادره میکنند. این حرکت سرکوبگرانه اگر چه باعث شکستن اعتصاب میگردد اما موجب تشدید نفرت اهالی مبارز سقز از رژیم مزدوران آن میشود. سقز ۶۰/۲/۱۵
در این روز مفرجاشها و با سداران واقع در مخاربات سقز مورد حملات پیشمرگان جریکهای فدائی خلق (اشرف) قرار گرفته و یک جاش کشته و دو نفر دیگر از جمله یکی از اعضای انجمن اسلامی مخاربات زخمی میشوند.

چشم اول ماه مه

روز ۱۱ اردیبهشت به مناسبت اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر بیدعوت کومله و سازمان با شرکت بیش از ۱۲۰۰ نفر از اهالی بوکان مراسمی در سالن دبیرستان کمال این شهر برگزار شد. دیوارهای سالن با پوسترها و پلاکاردهای بهمن مناسبت تزئین شده بود و سروری پلاکاردها آرم ویژه نیکار به مناسبت اول ماه مه نقش بسته بود. روبروی حضار عکسهای از رهبران پرولتاریای جهان، مارکس، انگلس و لنین همراه با شعار کارگران جهان متحد شوید توسط رفقای کومله بردیوار نصب شده و جلوه خاصی به فضای آکنده از شور انقلابی اهالی مبارز... در سالن بخشیده بود. در ابتدای مراسم سرود سازمان نیکار به مناسبت ۲۲ بهمن بخش گردید و سپس پیشمرگان انقلابی کومله سرود استرنا سیونال را بر زبان کردی احسرا نمودند. آنگاه یکی از رفقای مسئول کومله در مورد اول ماه مه شروع به سخنرانی نمود. رفیق ضمن اشاره به تاریخ اول ماه مه و مسارزات

نقشه در صفحه ۱۲

پیوند جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش طبقه کارگر و توده‌ها، ضرورت ندادوم انقلاب

توده‌های زحمتکش کرد را بدین حال دارد. در همین رابطه برای بورژوازی استعمارگر حاکم، با ساد هوبیت ملت‌های تحت ستم اهمیت ندارد. آنچه که مهم است حفظ تمام مناطق ایران جهت تامین بازاری فروش کالا و اوجا کمیت ستمگران است که ملل تحت ستم را به انقیاد خود در می آورد. حال بر طبق جنبش مقاومت خلق کرد، کلیه کارگران، زحمت کشان و خلقهای تحت ستم با دشمنان طبقه‌ای معینی روبرو هستند که کرد و ترک، عرب و بلوچ، فارس و... را بدون هیچ تمایزی، استعمار و سرکوب میکنند و این دشمنان همانا، امپریالیسم و ارتجاع هستند. بنا بر این مبارزه ملی - طبقه‌ای در کردستان نیز به معنی جنبش دمکراتیک - فدائی میریالیستی خلقهای سراسر ایران است که اهداف آن در این مرحله میتواند و باید همان اهداف مرحله‌ای انقلاب ایران یعنی نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه داری و ایستادگی آزادی ملل ستمدیده از انقیاد ملی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق باشد.

نقشه در صفحه ۶

بورژوازی ارتجاعی حاکم برای اعمال حاکمیت خود و حفظ سلطه سرمایه داری و ایستادگی در جهت تحکیم مناسبات استعمارگرانه سرمایه داری، کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده‌ای را که برای گسستن زنجیر ستم و بردگی ارتجاع و امپریالیسم به مبارزه بر می خیزند سرکوب و کشتار میکنند. این قاعده عمومی مبارزه طبقه‌ای در این مرحله از انقلاب ایران است و جنبش مقاومت خلق کرد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. هزاران دهقان و زحمتکش کردا کنسون مسلحانه و در پیشاپیش توده‌های وسیع خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، تا با نابودی سرمایه داری و ایستادگی ملی سلطه جابرانه ارتجاع و امپریالیسم بر تروتهای ملی خود، ملیت و فرهنگ ملی تحقیر شده خود را از بیوغ ستم ارتجاع و امپریالیسم رها سازند. بنا بر این وقتی که میگوئیم جنبش خلق کرد، مبارزه ایستاد بر علیه ستم مضاعف ملی - طبقه‌ای آنچه مطرح است مبارزه بر علیه ستم ارتجاع و امپریالیسم است که انقیاد ملی و تحقیر ملیت

ضربه پیشمرگان انقلابی پیکار بردشمن

انفجار و فرادنیایکه مروارید که تازه در آنجا مستقر شده بودند به فرا رکذا شته و از ارتفاعات محل درگیری و مسیر پیشمرگان قهرمان را با خمپاره میکوبیدند. این ضربه موفقیت آمیز تا شیر خوبی در روحیه اهالی مبارزه منطبقه گذاشت و آنها بگری از پیشمرگان استقبال کردند. ماشین مزدوران تا پاسی از شب در حال سوختن بود. بعد از این ضربه، پیشمرگان سالم به بیابکا ههای خود با رگشتند.

در تاریخ ۶۰/۲/۲۲ پیشمرگان سازمان نیکار ریل شهید کریم و پیل شهید جمال در حوالی بیابکا همرور بید در روستای "بوانه" که مبارزان به یک ماشین سیمزغ حامل یک جاش و ۳ با سدار حمله کردند. در اثر این حمله ماشین مزدوران رژیم با گلوله‌های پیشمرگان قهرمان سوراخ - سوراخ شد و ۳ نفر از رنشینان آن کشته شدند. راننده ماشین توانست خود را از زمین پیشمرگان خارج کند اما با بیعت گلوله به موشوره ماشین با صدای منهدی منفجر شد. بدین حال این

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



پیوندها

اما مبارزات دمکراتیک - صدا میریایستی کارگران، دهقانان و خلقهای سخت ستم‌درا سر ایران همکون نیست، این ناهمگونی و تخلفات بین سطح و پتانسیل انقلابی، به مجموعه ای از عوامل عینی و میزبان تا شیر عنبر دهنی در روند مبارزات توده‌ها بستگی دارد. تشدید ستم ملی توسط رژیم حاکم، در جهت تحکیم حاکمیت ستمگانه خود و متقابلاً گسترش روراف - سزون جنبش‌های خودبخودی زحمتگنان کردستان از همان اوان بعد از قیام، به‌مثابه پایه‌های عینی گسترش و تعمیق جنبش مقاومت از یکسو و رندرواز افزون کمونیستها، بیلابریه شدن نیروهای سیاسی و عربیان شدن مرزا انقلاب و ضد - انقلاب و افزایش پتانسیل انقلابی جنبش‌ها به تاخیر عنبر دهنی از سوی دیگر، در مجموع و ویژه گیاهی به جنبش مقاومت خلق کردبخشیده است که اگر این جنبش بر مبنای وجود جنبش عوامی در جهت تامین منافع طبقه کارگر و رهبری آن بر انقلاب هدایت نشود، سرانجامی جز شکست نخواهد داشت. دوام و بقا و استمرار جنبش مقاومت خلق کرد جز در پرتو توسعه و تحکیم پیوند با جنبش خلقهای سراسر ایران میسر نیست. جنبش پیوندی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و فوری داشته و از ملزومات گسترش جنبش توده‌ای سراسری میباشد: اجتناب‌ناپذیر از آن جهت که با حرکت از مضمون اساسی جنبش مقاومت و اوضاع جغرافیایی و اقتصادی کردستان از یکسو و ما هیت ضد - خلقی و بورژوازی رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، نه خلق کرد میتواند بدون وجود پیوند بین جنبش مقاومت و جنبش طبقه کارگر و توده‌ها به خواست خود مختاری بمعنی واقعی آن دست یابد و نه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیت خود میتواند جز با سرکوب و کشتار روحیانه به خواست‌های این خلق ستم‌دیده پاسخ دهد، و فوری است

از آن جهت که گسترش اعتدالی انقلابی جا میسر و سراسری شدن مبارزات او یکپارچه توده‌های آگاه با هدف گسست قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و کمونیستها، مستلزم ایجاد جنبش پیوندی بین خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است. به علاوه تا که در ضرورت پیوند جنبش مقاومت با جنبش سراسری از آن جهت نیز جا نثارا همت است که خلق کرد فقط در جنبش روندی است که از پیشوانه اجتماعی نیرومندی برخوردار میشود، چرا که در مصاف با رنج حاکم، آزادی خلقهای تحت ستم از بیوع انقیاد ملی در کوه همین حمایت متقابل و پشتیبانی خلقهای از همدیگر و پیوند مبارزاتی آنها حول شعارها، اهداف و دمکراتیکسیم یکپارچه طبقه کارگر ایران میسر است.

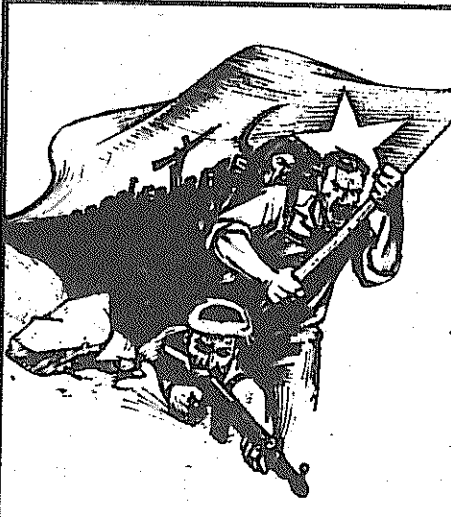
حال اینکه سرنوشت جنبش مقاومت خلق کرد در صورت جدائی از جنبش دمکراتیک - ستم انبریایستی توده‌های سراسر ایران به کجا خواهد انجامید، میتوان آنرا از دو جنبه اساسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱- انفراد جنبش مقاومت و سهولت سرکوب آن برای رژیم: اگر چه شرکت وسیعترین اقشار دهقانان و توده‌های زحمتکش شهری خلق کرد در جنبش مقاومت آنرا از پتانسیل انقلابی بالا و دوام با لنسه طولانی تری در برابر تهاجم رژیم برخوردار کرده است، اما انفراد آن از جنبش سراسری با طولانی شدن زمان مبارزه، زمینه سرکوب هر چه خشن تر و گسترده تری را برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم میکند. این امر بویژه با توجه به نقش موثر بورژوازی ناسیونالیست کرد و تانیران بر روند این جنبش، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بورژوازی ناسیونالیست کرد بوا سطه وحشت از رشد کمونیستها و تعمیق رادیکالیسم جنبش و تعرض انقلابی توده‌ها در مقابل با عملکردها و سیاستهای ضد انقلابی آن از یکسو و برای تحقق اهداف و تامین منافع طبقاتی نظرانه خود با اتکا به فرمیسم و تحمیل امتیازاتی از رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر تلاش میکند تا جنبش مقاومت را از میان آسای نرسین خواستهای خلق کرد منحرف نماید. گذشته

مجموعه این عوامل در محدوده کردستان در نهایت به تضعیف نیروی نظامی و قدرت مسلح خلق و شل شدن مبارزات سیاسی توده‌های زحمتکش کردستان منجر میگردد و جنبش روندی برای جمهوری اسلامی مطلوب و ایده آل است. چه، جنایات وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم و تغییر و تحول درونی نیروهای که در جنگ با رژیم شرکت میکنند، به‌مثابه عوامل خارجی و داخلی در کردستان، میتوانند جنبش را در مسیر روبه نزول قرار داد و میدان عمل وسیعی را جهت ما نور قدرتمندانه در سرکوب خلق کرد برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم کنند.

۲- انفراد جنبش مقاومت و چشم انداز مبارزه

بورژوازی کرد با دشمنان خلق کرد: از جمله عوامل تعیین کننده درجه تداوم و پتانسیل انقلابی هر جنبش، سیاست جا کم بر آن و رهبری آن میباشد که جنبش را در جهت اهداف دراز مدت خویش هدایت میکند. اگر چنین سیاستی در جنبش مقاومت، یک سیاست کمونیستی و انقلابی باشد بحرات میتوان گفت که بر نامه‌ها و اهداف این رهبری سیاسی انقلابی، بهمان عمیق ترین خواستهای دمکراتیک توده‌های زحمتکش کردستان بوده و با هدایت رهبری صحیح جنبش و افزایش رادیکالیسم و پتانسیل انقلابی مبارزات خلق کرد جنبش مقاومت و منافع اساسی خلق کرد را با تاخیر برداشته و مبارزه، از آسیب هر گونه ما زین و مما لحه ضد انقلابی با رژیم محفوظ نگه میدارد. اما اگر جنبش سیاسی سیاست ناسیونالیستی که تنها بیان اهداف و منافع بورژوازی ناسیونالیست



زنده یا آزادی خلق کرد زنده باد، زنده باد کردستان همیشه زنده با تی ای انقلابی بردوا مباد، همبستگی انقلاب خلقها و ملل انقلابی تفکر ما رکن و تجربه لنینی که برای همه خلقها صادق است سال ۱۸۷۷ لنین محبوب با به جهان نهاد عمل متهورانهاش تمام ملتها را از یاس و رکود بیرون آورد

جهانی که تنها ما در جهل بود، با انقلاب لنین بدرها تی دست یافت جهانی که در فقر و محرومیت بود با انقلاب لنین رها تی یافت، راه آزادی را دریافت.

نام لنین محبوب شادی آورد شد و دانش مارکسیسم بر می کرد.

دانشجویان کمونیست و انقلابی پوزه سلطنت طلبان فراری و هواداران بختیار خائن را بخاک مالیدند!

دانشجویان کمونیست و انقلابی در آمریکا با برهم زدن تظاهرات مزدوران رژیم شاه و هواداران بختیار خائن و ادیب کردن جانیان وطن فروش نشان دادند که در هر کجا باشند قهرمانان و اسدای انقلاب را سر داده و از آژان زحمتکشان بد قاع برخواهند خواست.

۹ اسفند ۵۹ (اول مارس ۸۱): در رودسته ارتجاعی سلطنت طلب با انتشار اطلاعیه ای اقدام به برگزاری تظاهراتی در "پارک مک آرتور" لوس آنجلس نمودند. این خائنین فراری برای جلب تعداد بیشتری از مزدوران فراری ساکوی مرتجعین آمریکا نشین ذکر کرده بودند که تظاهرات با پشتیبانی و حمایت پلیس شهر لوس آنجلس صورت خواهد گرفت.



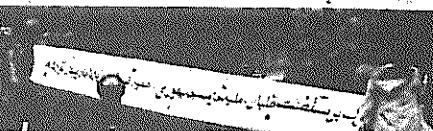
لوس آنجلس: گوشه ای از تظاهرات ۲۲ مارس اتحادیه دانشجویان هواداران زمان بیکر در لوس آنجلس برای مقابله با این خائنین و دفاع از منافع والای طبقه کارگرو سایر زحمتکشان اقدام به برگزاری تظاهرات در محل ذکر شده نمود. رفقای هوادار ضمن تماس با سایر بخشهای جنبش مترقی و انقلابی دانشجویی آنان را به صف آرایی در مقابل سلطنت طلبان مزدور و افشای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فراخواندند. لیکن سازمانهای هوادار رفقای فدائیس (اقلیت) و هواداران سازمان مجاهدین خلق علیرغم خواست انقلابی بسیاری از توده های هوادار خود به نه های مختلف از شرکت در این تظاهرات و ایجاد یک قطب وسیع انقلابی خودداری کردند.

اتحادیه دانشجویان ایرانی هواداران زمان برای انعکاس فریاد آزادیخواهان و انقلابی توده های زحمتکش در میان کارگران و زحمتکشان



آمریکا با تفاق بخشهای دیگر جنبش دانشجویی خارج و نیروهای مترقی آمریکا بی مصلحت سلطنت طلبان مرتجع رفتند و با شعارهای انقلابی چون: "مرگ آمریکا، مرگ برای ارتجاع، با پست کارگر، با داس برزگر، ساواکی ترا میکشیم؛ مرگ بر بختیار، رنوکری اختیار... مرگ بر سلطنت طلبان، علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها زنده باد دیکتاتور، خلق کرد پیرو زاست ارتجاع نابود است... و نیز با شعارهایی به زبان انگلیسی بر علیه امپریالیسم، سلطنت طلبان مرتجع و رژیم کنونی توانستند با پشتیبانی از مبارزات خلق قهرمانان السالوادور همبستگی انقلابی خلقهای ایران و خلقهای زحمتکش تحت ستم را به نمایش گذارند و سلطنت طلبان فراری را به وحشت بینا نندازند.

دارودسته ضد انقلابی "انجمن اسلامی" که از مبارزه انقلابی دانشجویان انقلابی به خشم آمده بودند، کوشیدند با شعار "مرگ بر کمونیسم" خشم ضد انقلابی خویش را از طرفداران واقعی زحمتکشان به نمایش گذاشته و همسوئی خود را با مرتجعین فراری نشان دهند. هواداران حزب خائنین توده در حالیکه انجمن اسلامی شعار "مرگ بر کمونیسم" میداد، نوکر صفتانه در صف آنها به تکرار شعارهای آنان می پرداختند و هواداران "اکثریت" روزیونیست نیز در کنار انجمن اسلامی و در جمعی "مستقل" به "شنا گویی" از خط امام پرداخته بودند و حتی از شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" نیز در میان شعارها نشان خبری نمودند.



لوس آنجلس: گوشه ای از تظاهرات ۲۲ مارس دوم فروردین ۶۰ (۲۲ مارس ۸۱): سلطنت طلبان فراری اقدام به برگزاری تظاهرات دیگری نمودند. اتحادیه دانشجویان هواداران زمان با صدور فراخوانی اقدام به تظاهرات متقابل نمود. متاسفانه سایر بخشهای جنبش انقلابی دانشجویان با برخورد انحرافی و غیر فعال خود از شرکت در تظاهرات خودداری نمودند. رفقای

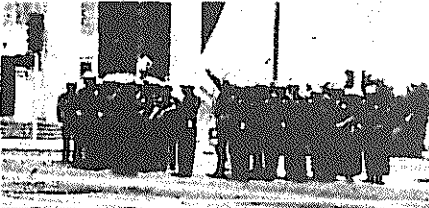
هواداران با اساس سیاست صحیح خود به بسیج توده های دانشجویان مبارز پرداختند و با وجود زمان کوتاه با شرکت بی نظیر از دانشجویان انقلابی و کمونیست در مقابل قراربان ساواکی سلطنت طلب و بختیاری صف کشیدند و با شعارهای انقلابی توانستند همبستگی را با مبارزان مزدوران و مرتجعین و سرما به داران فراری را آنچنان که با بد "ادب" کنند و نیز جریسان ضد انقلابی انجمن اسلامی و متحدین خائنین توده های ها و اکثریتها را افشا نمایند.

تظاهرات خشم آلوده دانشجویان کمونیست در دوکانال تلویزیونی و چندین ایستگاه رادیویی و برخی روزنامه های پرتیراژ منعکس شده و با ذکر نام اتحادیه دانشجویان ایرانی بعنوان صف کمونیستها از دانشجویان کمونیست بعنوان جریسان سوم کف در ضمن مبارزه با سلطنت طلبان و بختیاری های خائنین با رژیم جمهوری اسلامی نیز پیکار میکنند تا مبردند.

Advertisement for an extended service plan. It includes a logo for 'EXTENDED SERVICE PLAN' and text in Persian: 'این طرح برای خودروهای شما...'. Below the logo is a photo of a woman and the phone number '464-XHR'. Address: 'A. MASJEDI 79, 1102 SHADOW HILL, BEVERLY HILLS CA 90210, 9K32T615528-8 3FW 52, 54D-HB 12M-1-W-A71025, 11-29-79 36-25'.

"ابراهیم مسجدی" بختیاری خائنین که کتک مفصلی از دست کمونیستها "نوش جان" کرد! این مزدور زحمتکش پولهایی بظارت برده از زحمتکشان ایران در "پورلی هیلز کالیفرنیا" نیاکه محل سکونت پولداران و هنرمندانش های هالیوود است زندگی میکند.

در این تظاهرات که نیروهای مترقی و انقلابی آمریکا نیز شرکت داشتند، دانشجویان کمونیست و انقلابی پس از آزاد کردن و پذیرایی جاناتان از مزدوران فراری که شدیداً از طرف پلیس حمایت میشدند، با قرائت قطعنامه ای توانستند با موفقیت به طرح شعارهای انقلابی پرداخته و صدای رای خلق ایران را بگوش زحمتکشان آمریکا برسانند.



۲۲ مارس: پلیس فاشیستی برای سرکوب دانشجویان کمونیست صف کشیده است

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

بی شرمی رژیم جمهوری اسلامی حدی ندارد!

رژیم رفقای ما را با نارنجک تکه تکه میکند و آنوقت پیشرمانه ما را مقصر می شمارد

ساجده از درون شکم بیرون آوردند شهادت رسید. او تمام عمر خود یعنی ۱۶ سال شکنجه و ذلت و رنج کشیده بود. پدرش یک سرهنگ بود که در کودکی مادرش را طلاق میدهد و زن دیگری می گیرد و مزگان را جهت انجام کارهای خانه نزد زن دومش میبرد. بعد از چندین سال شکنجه بر اثر نطفه کف سیمانی خانه تا مادرش دستش زخم و عفونت پیدا کرده بود به شهران منتقل میشود و نزد مادرش که شوهر کرده بود زندگی می کند. رفیق مزگان از زمانیکه به فعالیت سیاسی انقلابی پرداخت و هوادار زمان بیگار شد، مدام تحت فشار مادرش بود و بسیار اذیت و آزار دیده بود و بارها بخاطر جلوگیری از فعالیت انقلابی او را در خانه حبس کرده بودند. هم اکنون برخی از اقوامش دچار نوعی عذاب وجدان هستند که چه بر سر او میا ورده اند.

رفیق مزگان رنج خود را رنج همه کارگران و زحمتکشان و همه زنان ستم دیده تلقی میکرد و به همین لحاظ راه علاج را در مبارزه و پیروزی طبقه کارگر و نوا بودی ستم و استعمار میداد. رفیق شهید ما نوجوانی بود پر شور و آگاه و کمونیست و بیگارگر. او کینه خود را علیه جلادان خویش تا آخرین لحظات زندگی فراموش نکرد و در روزهای آخر زندگی تنها دو جمله زبانش او شنیده میشد: "بمن آب بدهید! مرا از دست پا سارها نجات دهید!"

منا سفاسا نه مدا و در رفیق موثرتیا فتاد و شدت جراحات وارده (که نتیجه انفجار ربمینی بود که بدست مزدوران ارتجاع در صفوف نظامی کشتگان کمونیست انداخته شد) رفیق را بسه شهادت رساند. با سار ان ارتجاع مانع از آن شدند که طی آن روز، رفیق مزگان و دیگر مجروحین از شرایط مدا وای بهتری برخوردار گردند. ما رژیم قاتل این فرزندان ستم کارگران و زحمتکشان و این رفیق کمونیست می دانیم.

رژیم قتل این رفیق و بسیاری دیگر از کمونیستها و انقلابیون اکتفا نکرده میگوید از این قبا بی که خود بسیار میا ورد علیه سا زمان ما و دیگر نیروهای انقلابی استفاده کند. در این میان فردی که گویا نامش شاهین شنائی است و ناشی رفیق می باشد، نقش ارتجاعی فعالی بازی کرده و بارها رفیق مزگان را در حال بیماری تهدید به دستگیری و با صلاح مجازات مینموده است. او که فردی فانی و آتش و اهل مها بساد میبا شد تا چندی پیش معاون "دادستان"ی انقلاب بوده و اکنون ترفیح مقام یافته است. او باعث شده بود تا رفیق مزگان که هویتش را در

رژیم را در بخش های بیمارستان و بین بیماران که اکثر آن زحمتکش ترین اقشار جامعه هستند افتخار می نمودند و همین مساله خشم فدا انقلابی با سار ان را بیشتر میکرد.

رفقای مجروح ما در حالیکه خود به شدت از زخم های خویش رنج میبردند، از یکطرف با توطئه رژیم و از طرف دیگر با همدردی پرسنل زحمتکش بیمارستان زور و بر بودند که برخی از آنان صمیمانه وظیفه انقلابی خویش را در قبال فرزندان خلق که اینک مجروح بودند در معرض دستگیری بودند انجام میدادند.

از مجموع ۱۹ نفر مجروحین بستری ۱۲ نفر توانستند از جنگ دوغیمان رژیم بگریزند ولی ۷ نفر توسط با سار ان پس از بهبودی نسبی، به دادستانی و سپس به اوین برده شدند که از سرنوشت این عده اطلاعی در دست نیست. یک رفیق دانش آموزینا رفیق مزگان رضوانیان پس از ۲۰ روز ماندن در بیمارستان شهادت رسید.

رفیق مزگان که در زمان دانشجویان و دانش آموزان بیگار زمان دانشجویان و کوتا خود انواع تلخی های ناشی از جاسسه طبقاتی را چشیده بود و راههای را در مبارزه علیه سرما به داران و رژیمهای فخر خلقی می دانست. رفیق مزگان ۱۶ سال داشت و از رفقای نزدیک رفیق شهید آذر مهر علیان بود و در همان لحظه که هم آبی نظارات - که خوب پلاکارد دست رفیق آذر بود - رفیق مزگان و عده ای دیگر از رفقا در نزدیکی او قرار داشتند. هنگامیکه

نارنجک سا جمه ای بوسیله عنا مر فدا انقلابی و ابسته به حکومت نزدیک پلاکارد متفجر شد عده زیادی زخمی شدند و ۳ رفیق شهادت رسیدند. رفیق مزگان رضوانیان در شب شنبه ۶۰/۲/۱۹ بر اثر عفونت ناشی از جراحات ناشی از انفجار نارنجک و پس از آنکه تعداد زیادی

کارگران زحمتکشان توده های مبارز!

آیا بدتان هست زمانیکه رژیم شاه خاشاک در برابر انقلاب توده ها مستاصل شده بود، از خانواده شهدا پول فشنگهای را مطالبه میکرد که با آنها عزیزان انقلابی خلق را کشته بود؟ این بی شرمی به اشکال مختلف در رژیم جمهوری اسلامی نیز تکرار شده است و یک نمونه آن تبلیغات و قبحانهای است که پس از شهادت رفیق شهید مزگان رضوانیان (دانش آموز) هوادار زمان بیگار) به راه انداخته اند و یکی از اقوام او که در سا به سار ان جهل و سرما به به خیانت به خلق مشغول است با الهام از اربابان فدا انقلابی اش امثال رفسنجانی و غیره دست به تحریک و گمراه کردن خانواده شهید زده و آنان را واداشته است که بجای گرفتن قاتل، سا زمان را که رفیق شهید مزگان بسار ان وابسته بوده موردنا سزا قرار دهند. خانواده شهید با یدفا لانزهای ضد کمونیست و فدا انقلابی و حامیان آنها را مقصر و مجرم میدانند یعنی همانها که در تظاهرات روز اول اردیبهشت مقابل دانشگاه بمبارانداختند و در نتیجه ۳ رفیق ما را به شهادت رسانده و بسیاری را زخمی نمودند.

در نتیجه این اقدام تروریستی وحشیانه و کم نظیر در رفیق ما در همان روز شهادت رسیدند که عبارت بودند از رفیق شهید ایرج تراسی و رفیق شهید آذر مهر علیان و دهها نفر در سطوح مختلف زخمی شده و موردنا سبت نارنجک سا جمه ای مسز دوران ارتجاع قرار گرفتند. ۱۹ نفر از مجروحین که در بیمارستان خمینی بستری گردیدند، از همان لحظات اول در محاصره با سار ان قرار گرفتند و در حالیکه شهید از درون رنج میبردند از طرف با سار ان برای دستگیری و تحویل شدن به زندان در معرض تهدید بودند. مقاومت جانانه این رفقا و روحیه سرشار از آشتی ناپذیری آنان خود حماسه ای است فراموش نشدنی. رفقا علیرغم بیماری، از هز هز مقاومت استفاده کرده جنایات

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه در صفحه ۲۶

اخبار مبارزات توده‌ها



تحصن سربازان و ضرب و شتم و دستگیری آنها توسط فرماندهان مزدور - زاهدان

"طبق دستوری از طرف فرماندهی تیب، ابتدا فرامیوشد و دسته (هر دسته ۲۷ نفر) سرباز با دو فرمانده دسته و ۶ درجه دار و فرمانده گروهان ۳ گردان ۱۹۷، جهت حفاظت از تاسیسات ارتشی در پناگاه کنارک، اعزام آنجا شوند. اما بعد برای تضمین امنیت آنجا با توجه به موقعیت منطقه، تصمیم گرفته می‌شود از ۱۳۵ سرباز ۳۰ نفر در گروهان مانده و بقیه به کنارک اعزام گردند. سربازان در رشتی که با همدیگر داشتند، متفقا به این نتیجه می‌رسند که ۳۰ نفر باقی مانده را باید خودشان مشخص و تعیین نمایند. علاوه بر آن در همانجا تصمیم می‌گیرند که در صورتیکه فرمانده گروهان (ستوان یکم عرب) در رفتار و برخورد توهین آمیز و غیر قابل تحمل خود با سربازان تجدید نظر نکند، عکس العمل جمعی و یکپارچه‌ای نشان دهند.

صبح روز پنجشنبه وقتی آنها خواسته‌های خود را با فرمانده گروهان مطرح می‌نمایند، او طبق روال همیشگی اش و همانطوریکه در مکتب شائش‌ها آموزش دیده‌است، شروع به توهین و فحاشی به سربازان می‌نماید. سربازان با توجه به تصمیمات قبلی، دست به عکس العمل زده و بطور دسته جمعی در داخل تاسیگاه تحصن می‌نمایند و از شرکت در مراسم صبحگاهی به نشانه اعتراض امتناع می‌جویند. فرمانده گسردان و فرمانده تیب (برهنه گیلانی فرمانده گارد سابق) و حجت زده از حرکت اعتراضی سربازان، بسمان آنها آمده و شروع به توهین و فحاشی می‌نمایند، اما کسی از جای خود بلند نمی‌شود. آنها که از مقاومت سربازان بجان آمده بودند، بزور عده‌ای از آژانس تاسیگاه خارج می‌کنند و در حالیکه عریضه می‌کشیدند، فریاد می‌زدند: "اینجا را قفل مینمایم و شما با ختمان را به تنگ و منسمل می‌بندیم..."

فرماندهان مزدور که دیگر از این همه مقاومت عامی شده بودند، به کمک دو درجه دار با فاشوسه بجان سربازان می‌افتند و با ضرب و شتم آنها را از تاسیگاه بیرون می‌کنند. پس از آن طبق شناسایی قبلی توسط دانشمندان ساسی - ایدئولوژیک ۵ نفر از سربازان را روانه سیاه چالهای پادگان مینمایند... واقعاً خیرو حرکتی مشابه آن نشان میدهد که سربازان تحت تاثیر رویدادهای جامعه و

توطئه ننگین ارتجاع در زندان عادل آباد شیراز

سیاسی را وادار به عقب نشینی نموده و آنها را سرکوب نماید. در همین رابطه در تاریخ ۶۵/۲/۱۲ گسارد زندان با دادن وعده آزادی و رسیدگی به وضع زندانیان افغانی، از آنها خواسته بود که بسا زندانیان سیاسی درگیر شوند و برای فریب افغانها گفته اند که "ایشان - یعنی زندانیان سیاسی انقلابی - کمونیست و طرفدار شوروی هستند که وطن شما را اشغال کرده اند و میخواهند ایران نیز مثل افغانستان شود. زندانیان سیاسی انقلابی در مقابل با این توطئه، بسا برخوردهای مسئولانه و هوشیارانه و بی‌عده‌ای از زندانیان عادی، توانستند بدون درگیری با افغانها، از ایجاد توطئه و محیط زدو خورد جلوگیری نموده و بسا ساداران سرمایه‌گزار زندان را افشاء و رسوا نمایند. جالب توجه بقیه در صفحه ۱۰

بدنبال مبارزات نیروهای سیاسی انقلابی در درون زندان که منجر به شکستن جواکم بسر زندان و عقب نشینی موقت گارد زندان شده است. مقامات زندان مرتباً در فکر اجرای نقشه‌های ارتجاعی جهت سرکوب زندانیان سیاسی انقلابی می‌باشند. در زندان عادل آباد زندانیان سیاسی انقلابی وعده‌ای در بند ۴ با هم بستند. از آنجا که زندانیان سیاسی همه روزه با خواندن سرودهای انقلابی، پرچم مبارزه خود را برافراشته نگه می‌دارند، رژیم در صدد است با هروسپله‌ای که میتواند جلوی سرود خوانی رفتار بگیرد، یکی از راه‌های مقابله رژیم با انقلابیون زندانی، سوء استفاده از زندانیان عادی است. گارد زندان عادل آباد که از تنظیم زندانیان عادی ایرانی جهت سرکوب زندانیان سیاسی، نتیجه‌ای عاید نشده بود، این بار با فریفتن زندانیان افغانی و دادن وعده و وعید به آنها، قصد داشت زندانیان

وحشیگری‌های رژیم در زندان بندرعباس

جانگه امیدوارند. این زنان نیز علاوه بر شکنجه روحی که به دختران سیاسی میدهند زمانی که مواد مخدر به دست آنها نرسد از حالت طبیعی خارج شده و دختران سیاسی را با بدکتک می‌گیرند و پاداران هم در کمال وقاحت این صحنه‌ها را تماشا کرده و می‌خندند. وضع بهداشتی زندان نیز بسیار بد است و با آنکه بسیاری از زندانیان سیاسی ذرا ضرب و جرح‌های مداوم، زخمی شده‌اند، آنها را به پزشک نمی‌رسانند. اما در مقابل تمامی این جنایات رژیم، روحیه زندانیان بسیار عالی بوده و با اعتراضات خود که همراه با اعتراضات خانواده‌هایشان از بیرون زندان است، رژیم مزدوران جلادش را بزانو در آورده‌اند. خلاصه شده از بیکار خلیج شماره ۳ نشریه هواداران سازمان در بندرعباس

بعد از درگیری که در مراسم چهارمین روز (۶۵/۲/۱۰) مجاهد شهید منم قریشی در بهشت زهرا در بندرعباس روی میدهد، رژیم اقدام به دستگیری گسترده انقلابیون میکند. این مسئله موجب اعتراضات شدیدی از جانب خانواده‌های زندانیان شده است. اما پاسخ رژیم در مقابل این اعتراضات، سرکوب و خونت بیرحمانه است. مسئولین زندان بندرعباس نه تنها به خانواده زندانیان اجازه ملاقات نمیدهند بلکه در مقابل سئوالات آنها فقط میگویند: "ما اینقدر از اینها دستگیر نمی‌کنیم تا بالاخره قاتل برادرمان را پیدا کنیم" (منظور یکی از پاداران است که در ۶۵/۲/۹ ترور شد و رژیم و قیقا نه مدعی شده است که پیکار آنها و مجاهدین وی را ترور کرده‌اند). وضع در داخل زندان بندرعباس بسیار بد است. بسیاری از زندانیان را به شدت کتک می‌زنند. دختران مبارزان با زنان فاحشو محتاد در یک

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

کارگاهگران نیروهای انقلابی، هر روز بیشتر به ما هیئت ارتجاعی ارتش شاهنشاهی یکشنبه منگبستی شده، پی میبرند، آنها درمی یابند که چون رژیم - جمهوری اسلامی در ما هیئت با رژیم شاه تفاق و تفرق ندارد، بناچار است برای برکوبی توده هسانا و استقرا رجا کمیت نتگین خویش فرماندهسان مزدور زمان شاه را بفرماندهی گمارده و سرپاژن را سرکوب نماید.

سرپاژن، درجه داران و افسران جبهه انقلابی! تنها با مبارزه برای تشکیل شوراهای انقلابی سرپاژن میتوان متحدان در مقابل سبیل زورگوشها و وحشیگری های فرماندهان ارتش و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مقاومت نمود. به نقل از نشر دبلوچ (۲۲) نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، تشکیلات بلوچستان - بانگکی تلخیص

**شعار هر دهه دار،
مرگ بر سرمایه دار**

در روز سه شنبه ۶۰/۲/۱۵ از طرف شهر داری تهران و با حمایت پارتی ساداران و فاسدانهای مزدور، دهکده داران سوار سروسنخیا با منصدق را مورد بیورش منول و اخود قرار داده و دهکده ها را بزور جمع میکنند. علاوه بر این، آنها در مقابل مقاومت دهکده داران، تعدادی از دهکده داران را دستگیر کرده و با خود میبرند. دهکده داران نیز نمیتوان اعتراض به سرکوبگریهای مزدوران رژیم دست به راهیما می زد و بوسا شاعرهای "مرگ بر پادشاه"، "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر ارتجاع"، "بطرف میدان ولیعصر بفرست" می افتند. سپس دهکده داران زحمتکش با تفرار از آزادی دهکده داران زندانی و دیگر خواستهای برحقشان، متفرق میشوند.

در ابتدا زظهر روز چهارشنبه، دهکده داران پس از اجتماع در میدان ولیعصر، مسافت زیادی را در طول خیا با منصدق دست به راهیما شیی میزنند و سپس تاسه راه جمهوری به حرکت خود ادامه میدهند. تعداد آنها متجاوز از ۲۰۰ نفر بود که شاعرهای زیر را میدادند:

"دهکده داران، بهمت توده ها آزاد باید گردید
شما هر دهکده دار، کارگران پیکار با پیدر سر -
کار، زن و بچه گریه صبر سرش نمیشه، دولست
سرما به دار حرف سرش نمیشه"، "برچیدن دهکده ها
بعد از پیکار"، "دهکده، حق مسلم است"
دهکده، دهکده تنها در ما است و... نظا هر کتندگان
در حالیکه دستهای خود را به نشانه اتحاد بالا
گرفته و دست اتحاد میزدند از جانب انبوهی از
مردم که در پها دهوها شاهتظ هرات آنها بودند
میورد حمایت قرار میگرفتند و هنگامیکه زحمتگان
دهکده را رشا میدادند "در ما درد شماست، مردم
بما ملحق شوید"، عده ای از مردم به خواست آنها

پاسخ داده و بدنبال صف آنها راه میافتادند و در همان حال شعار میدادند، "دهکده دار، دهکده دار، دهکده دار، دهکده دار، دهکده دار، دهکده دار".
نظا هر کتندگان نزدیک به هزار نفر رسیده بود.
در طول مسیر تظاهرات، مزدوران رژیم با مینی بوس و موتور به میان جمعیت راهیما می پان زدنده تاسا صف را از هم پاشیدند اما با مقاومت و مقاومت آنها، کسری نتوانستند زپیش ببرند. در پها پسان مراسم، دهکده داران در خیا با منصدق شریسته به جمهوری، بر روی زمین نشسته و به سخنان چند تن از دهکده داران مبارزه خواسته های آنها را بیان میدادند، گوش فرادادند. بهنگامیکه دهکده داران زحمتکش به تظاهرات موفقیت آمیز خود پایان دادند، پها ساداران مزدور که از این حرکت اعتراضی چون ما رزخ خورده بخود میپیچیدند، به همراه تعدادی فاسدان و قسدهست به جمعیتی که در پها دهروها و پها در خیا با منطبق بودند، حمله ور شده و به ضرب و شتم آنها پرداختند. هر کس را که میخواستند خشم و انزهار مردم نسبت به مزدوران رژیم میگردد. حرکت اعتراضی دهکده داران و مقاومت مرتجعان سرکوبگران رژیم، با ردیگر نشان داد که زحمتگان دهکده دارتنها از طریق مبارزات پیگیر خود قبا در به تحقق خواسته ها پسان میباشند و رژیم از آنجا شیکه توان حل معضل پیکاری را که خود عامل اصلی آن است، در خود نمی بینند، دست به سرکوب دهکده داران پها خاسته میزند.

در شماره های پیشین گوشه ای از وحشیگری های پها ساداران و دیگر مزدوران و اوپا شیان ارتجاع نسبت به کمونیستها و انقلابیون در جریان تظاهرات اول ماه مه نقل شده است. نیروهای سرکوبگر ارتجاع از هر وسیله ای برای یورش به کمونیستها و انقلابیون استفاده میکردند. عکس مقابل نمونه ای از وحشیگری پها ساداران سرمایه است که بر سر یک رفیق دختر بنهفته اند. پها ساداران برای شناسایی و دستگیری مبارزین انقلابی و کمونیست با لباس شخصی در میان توده های مردم پراکنده شده بودند بطوریکه نزدیکیهای ساعت ۱۱ صبح پها ساداری بنام محمد هادی درود پسان از منطقه ۹ اشتباها دستگیر شد که طبیعتا پس از تحقیق در مورد وی آزادش کردند. این نکته به تمام انقلابیون هشدار میدهد که در تمام قبالیهای انقلابی در صدد شناسایی افراد مشکوک و پها ساداران (که در این او خرحتی خود را به شکل جوانان بورژوا زده موتور سوار نیز در آورده اند) برآمده و هشتری خود را از دست ندهند. در جریان میتینگ ها شنین "اکثریت"، پها ساداران برای حفاظت از توکرا نشان میدادند به مراتب از اوضاع پها خسته بودند، اوپا شان حزب الهی که علیرغم تمایل پها ساداران قدم به

**توطئه: سیاست
روزمره ارتجاع**

بقیه از صفحه ۹ توطئه نتگین...
اینکه سپاه پها ساداران که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ساواکسی هاست، برای اجرای این نقشه شوم از "چهره نگار" رشتی ساواک تا بق بوشهر که به سه سال حبس محکوم شده، جهت فشار و ترسای نقشه استفاده نمود زیرا بهر حال دولت مردان جدید تجربه قدیمیه را نداشتند و هر کجا لازم باشد تخصص ساواک آریا شهری به خدمت حکومت اسلامی در خواهد آمد...
اگر چه این توطئه با برخورد فعال و هوشیارانه زندانیان سیاسی و بخشی از زندانیان عادی با شکست مواجه گردید ولی نشان داد که رژیم ارتجاع جنابیتی در حق زندانیان خود داری نخواهد کرد. به دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی در بند، توطئه رژیم را افشا کرده و جهت آزادی زندانیان سیاسی پها خیزیم بنقل از: خبرنا مه مطبی، پیکار (۲)
نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات شیستران

زدن میتینگ را دادند تند برای ما مورین رژیم جمهوری اسلامی ایجاد "تاراحتی" کرده بودند و حتی حرف اربابان خود را نیز گوش نمیدادند. در حدود ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به پها ساداران مستقر در میدان آزادی دستور داده میشد که به "برادران حزب الهی" بگویند که: "اینها اجازه گرفته اند و مجوز داده اند"، "صورت خوشی پیدا کرده به آنها حمله میکنند و این حرکت بزبان ما است" زیرا ساداران خواسته میشد که با "برادران حزب الهی" شان صحبت کرده و بگویند که "اینها" اکثریتی "ها" از وزارت کشور اجازه گرفته اند و این کار با حرف های ما تناقض دارد. پها ساداران در حمایت از توکرا نشان دستور میدهند که "واحدی که تفرس اندازی میکنند خلق سلاح شما ارتجاع بخاطر تبلیغات و بزای عوام فریبی و نشان دادن آزادی سیاسی" هداشی خود به توکرا بورژوازی، غلغ بازی اوپا شان حزب الهی را مغایر با منافع خود می بینند و چون قادر به کنترل آنها نمیشود دستور میدهد: "که از پشت بلندگو اعلام کنید اینها از افراد سازمان پیکار رونجا هدین هستند و برای تکمیل تبلیغات ارتجاعی شان بعد از اعلام میکنند که ۴۰۰ هزار "پیکار" یعنی بوزن ۱۵ تن! در میدان آزادی کشف شده است و تمام بلندگوهای تبلیغاتی شان را بر علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما پیکار میا نداشتند، سنگشان پها!



بقیه از صفحه ۹ توطئه نتگین...
اینکه سپاه پها ساداران که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ساواکسی هاست، برای اجرای این نقشه شوم از "چهره نگار" رشتی ساواک تا بق بوشهر که به سه سال حبس محکوم شده، جهت فشار و ترسای نقشه استفاده نمود زیرا بهر حال دولت مردان جدید تجربه قدیمیه را نداشتند و هر کجا لازم باشد تخصص ساواک آریا شهری به خدمت حکومت اسلامی در خواهد آمد...
اگر چه این توطئه با برخورد فعال و هوشیارانه زندانیان سیاسی و بخشی از زندانیان عادی با شکست مواجه گردید ولی نشان داد که رژیم ارتجاع جنابیتی در حق زندانیان خود داری نخواهد کرد. به دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی در بند، توطئه رژیم را افشا کرده و جهت آزادی زندانیان سیاسی پها خیزیم بنقل از: خبرنا مه مطبی، پیکار (۲)
نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات شیستران

بقیه از صفحه ۱

پیام از زندان :

فرزندان انقلابی خویش را دریابید!

کارگران، زحمتکشان توده‌های مبارز!

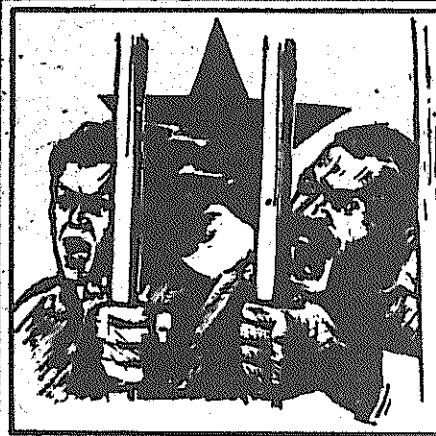
مبارزه مگر اتک، خدا میریالیست... خلقهای میهن ما بنحوی اوج گیرنده ادامه دارد و هر گوشه از جامعه ما صحنه دلاوریها و مبارزات انقلابی فرزندان شما از یکطرف و اقدامات سرکوبگرانه رژیم حاکم از طرف دیگر است و زندانها یکی از حاشیه‌های ننگین صحنه‌هاست.

در زمان رژیم شاهنشاهی، زندانها هرگز از مبارزان انقلابی و کمونیست‌های خالص و مقاوم و دلیرا نه زندانیان و فریادخشم‌آلود آنگاه نبودند. همواره یکی از انگیزه‌های حرکت توده‌ها برای واژگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی بود. چنین شعارها را:

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" یکی از بارزترین شعارها در دوره سرنگونه قیام ۲۲ بهمن بود و همین فریادها بود که به زندانیان راه آزادی و استقلال، بوی سرپا زان جان سرکفراهرها شدی کارگران و زحمتکشان توانی تازه میبخشید. دشمن هرگز نتوانست چه‌جا فریبکارها و چه‌جا سرکوبها و ددمنشیاها، مقاومت فرزندان خلق را درهم بشکند و آنها را به‌زاد آورد. سرانجام با قیام خونین و پیرنگ دو سال بینه دیوارهای زندانها فروریخت و فرزندان خلق آزاد گردیدند تا مبارزه خویش را در سطحی گسترده تر و وسیع‌تری در پهنه نبرد طبقاتی ادامه دهند.

اینک، هم‌انظور که میدانید، صحنه‌های دوران گذشته، تکرار میشود، زندانها از انقلابیون و کمونیستها انباشته است. درهای دانتگسا و فعالیتهای آزادانه سیاسی و انقلابی بسته شده و بجای آن دروازه‌های زندانها گشوده شده است و رژیم و قیاحا بنده با ختن زندانیهای جدید مشغول است چرا که زندانیهای موجود که میراث رژیم شاه بوده‌ها تکا فونمیکند! برای این اقدام زندان انقلابی در سوچه سال ۲۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته اند تا زندانیهای جدیدی در سراسر ایران بسازند.

اما رژیمی که چنین نقشه‌های شومی در سر می‌پرورانند و هم‌اکنون با مقاومت دلیرانه کمونیستها و انقلابیون و توده‌های که هر روز آگاه‌ها و آگاه‌تر میشوند و روبروست، رژیم که جلادان و میرغضائش را در کوجه و خیابان، (بنا پاسدار و حزب اللهی) و در کردستان (بنا پاسدار و بیشتر که مسلمان و ارتشی) بجان توده‌های زحمت کش و انقلابی می‌اندازد و حتی به ترو و رومبند اندازی دست میزند در زندانها برای اعمال فشا و شکنجه



بوتین زندانیان را مورد ضرب و جرح شدید قرار میدهند. که در این حمله یک رفیق دجا خونریزی شده و در رفیق دجا زشتنج اعصاب شدید طوریکه بمسده‌ای بلند میخندیده‌اند، یک رفیق نیز گردنش از شدت ضربه کج مانده است و بقیه هم بدنهایشان کبود میشود. بدنبال این ضرب و شتم، چهار رفیق قهرمان ما را میبرند که تا بحال از جانشان خبری در دست نیست.

هموطنان مبارز!

این حرکت وحشیانه وفا شیمی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه بعید نیست، رژیمی که با سیلی‌هایی چون حمایت از بانی سانسز صورت جنایتکار خود را سرخ نگه میدارد در پوس چهره‌گریه و زشتی بجوشکجه، کشتار، سرکوب نیست. بخاطر محکوم نمودن این حرکت و حمایت از خواسته‌های انسانی زندانیان در بند از طرق مختلف به افشای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی اقدام کنید.

خواسته‌های رفقای زندانی عبارتند از:

- ۱- رفع بلاتکلیفی (عده زیادی از کمونیستها و انقلابیون بدون محاکمه در بازداشت بسر میبرند)
- ۲- جدا کردن زندانیان سیاسی و کودتاچی و وابستگان رژیم منفقور پهلوی که حق مسلم زندانیان سیاسی است.
- ۳- آزادی ورود و رفتن زندانیان به خانواده‌ها و زندانیان در سطح بین المللی است.
- ۴- مشخص نمودن مکان ثابتی جهت زندانیان محکوم.
- ۵- بهبود وضع بهداشتی محیط که باعث بروز بیماریهای زیادی گردیده است.
- ۶- خودداری از ضرب و جرح خانواده‌های زندانیان سیاسی خصوصا مادران که در مسوارد مشخص انجام شده است و زندانیان این اقدام وحشیانه را محکوم میکنند.
- ۷- خودداری از اعمال فشارهایی که با ابتدائی ترین حقوق زندانیان سیاسی منافات دارد: بستن درب سلولها و منع زندانیان از رفتن به دستشویی و ندادن آب بعد از طولانی بطور

بقیه در صفحه ۱۲

وسرکوب و انواع جنایات دیگر غافل نیست. اخبار زیر حاکمیت از مرحله تازهای از سرکوب فرزندان انقلابی و کمونیست خلق میثما بد.

بعد از اعتماد ۲۰ روزه بنده عمومی زندان زندان اوین که در تاریخ ۶۰/۱/۱۰ شروع و تا تاریخ ۶۰/۱/۲۸ ادامه یافت، زنان مبارز و زندانیان این بند، به مسئولین زندان سه هفته فرصت میدهند تا به خواسته‌های آنها رسیدگی شود در دو هفته اول این مهلت که مصادف با دیدار "هیئت با صلاح بررسی شکنجه در زندانها" میباشد، و لیاقت زندان در طی این دو هفته امکاناتی را در اختیار رفقا قرار میدهند از جمله دادن رادیو، رسیدگی به پیوندها و انجام محاکمه یک یا دو نفر از زندانیان، ندادن یکبار

چهار رفیق قهرمان ما طی یک حمله مغول - وارمز دوران رژیم به زندان زنان در اوین مفقود شده‌اند.

جان این رفقا و رفقای دیگر که شدیداً در معرض ضرب و شتم و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند در خطر است.

کارگران، زحمتکشان از فرزندان فداکار و قهرمان خویش حمایت کنید.

ملاقات حضوری، اما در هفته سوم که با تاریخ ۶۰/۲/۱۲ شروع میشود، مسئولین زندان برای اینکه دوباره با حرکت اعتراضی زندانیان مواجه نشوند، تصمیم میگیرند زندانیان فعال را از بند عمومی برده و از کل زندان جدا نمایند تا جلوی حرکت بعدی گرفته شود. به همین دلیل روز ۶۰/۲/۱۲ فردی بنام "هاشم" که یکی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و سرپرست گروه ضربت و معاون کچوئی میثما شد و زنی بنام "نوربخش" که سرپرست بنده عمومی زندان است از بند گواسانی چهارتن از مبارزین را اعلام میکنند. آنها از رفتن خودداری میثما بیند مزدور را میرده‌هاشم) بعد از این حرکت - بخلاف گذشته که چنین جراتی نداشت - در بند عمومی زندان را با لگد باز میکنند (ب) و به رفقا میگویند چهار نفر با یکدیگر بیایند یا من "شما را بگیریم یا ندام". سپس همگی رفقا از جایشان بلند شده و میگویند همه ما هم میثما شیم. سپس "هاشم" چهار نفر از مزدوران خود را آورده و بجان رفقا میثما ندامت آنها با ضرب

(ب) - قبلا همیشه با اعلام قبلی بداخل بند مدتاً زنان زندانی روسری بسر میکنند.

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده‌ها آزاد باید گردد!



بقیه از صفحه ۶ پیوندها

است باشد، بدون شک با کسب حداقل امتیازات از رژیم جمهوری اسلامی، با آن سازش کرده و جنبش مقاومت خلق کرد را در نیمه راه متوقف خواهد ساخت. در کردستان، بموازات رشد سریع کمونیست ها و تشکل اقشار وسیعی از توده های خلق، کرد، چول شامرها و برونما کمونیستها، رهبری سیاسی - نظامی بورژوازی ناسیونال فرمیست بر بخش وسیعی از توده های زحمتکش ناکگاه، چشم انداز انحراف جنبش مقاومت از میان منافع خلق کرد و به سازش کشاندن آن با رژیم و توقف آن در نیمه راه توسط چنین رهبری را وسیع تر و پر رنگ تر ترسیم میکنند، سازی که خطری جدی برای جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای سراسر ایران محسوب میگردد.

اکنون بورژوازی کرد با سوء استفاده از سنن مبارزات گذشته حزب دمکرات، در این حزب متشکل شده و بنا بر رهبری سیاسی - نظامی بخشی از زحمتکشان کردستان، جنبش مقاومت خلق کرد را نه در مسیر واقعی آن، بلکه در جهت انطباق با سیاستها، اهداف و منافع طبقاتی خویش هدایت میکند. افشای حزب دمکرات به ما بیگانه اصلی بورژوازی ناسیونال فرمیست، که خلق کرد را با جدا کردن از خلقهای سراسر ایران، به سرایشی انفرادی غلط انداز مملو مملو مملو اولیه پیوند خلق کرد با خلقهای سراسر ایران است. هدف از چنین افشای، تقویت کمونیست ها، جذب هر چه وسیعتر اقشار زحمتکش کرد بسوی نیروهای کمونیست و تسلاش در جهت تحکیم و توسعه پیوند بین جنبش مقاومت و جنبش طبقه کارگر و گسترش همزمان جنبش توده ای بر علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی و انفرادی ناسیونال فرمیسم است. آنچه که در جریان حرکت، به پیش از هر ما ملی جهت ایجاد جنبش پیوندی اخلاص میکند، همان حصار تنگ ناسیونال فرمیستی بورژوازی کرد است که برای شرکت در غارت دسترنج زحمتکشان کردستان، به سازش و خیانتی تن میدهد و بر پایه این واقعیت است که رهبری چنین طبقاتی برجانبش مقاومت برای رسیدن به هدف و منافع استعمارگران خود و شرکت در چپاولی که بورژوازی حاکم آنرا به انحصار خود در آورده است، خلق کرد و جنبش مقاومت را به سوی سازش احتمالی با رژیم جمهوری اسلامی هدایت میکند. این واقعیتی است که به بطور مشخص در سیاستها، عملکردها و دشمنی حزب دمکرات با کمونیستها و زحمتکشان انقلابی کردستان و تلاشهای این حزب جهت بندوبست با رژیم جمهوری اسلامی، آشکارا مشاهده میشود. بنا بر این تنها راه عملی جدا و مجانبش مقاومت و جلوگیری از انحراف و سازش در روند آن، تلفیق جنبش خلق کرد با مبارزات خلقهای سراسر ایران و هدایت و رهبری آن بر م...

شمارها و اهداف طبقه کارگر میباید شد. تردیدی نیست که در جریان ایجاد چنین پیوندی است که قطب پیگیر جنبش مقاومت تقویت شده و با اتکا به حمایت وسیع توده های میتوا ند جنبش مقاومت را از دامی که بورژوازی کرد در راه آن گسترده است، در جهت تامین منافع توده های زحمتکش کردستان هدایت کند.

حال این سؤال پیش می آید که در راه بنده با تحقق عملی ایجاد پیوند بین خلق کرد و خلقهای سراسر ایران، نقش کمونیستها و در مجموع وظایف جنبش مقاومت، با توجه به جایگاه ویژه آن در جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده ها، چگونه میتوانند باشد؟ وظیفه فوری و بلافاصله ای که در این رابطه بردوش کمونیستها قرار میگیرد، طرح آلترناتیو کمونیستی است که میتواند توده های زحمتکش کرد را حول شعارها اهداف و دمکراتیک تسم طبقه کارگر بنما به پیگیر ترین طبقه در این انقلاب و تحقق جنبش پیوندی دمکراتیک خلق متشکل کرده و با تاکید بر رهبری طبقه کارگر و کمونیستها برای انقلاب، جنبش مقاومت خلق کرد را رهبری نماید. اما راه آلترناتیو کمونیستی در کردستان، بیرون از جهت مقابله با توطئه ها و فرمیسم ضد انقلابی بورژوازی کردستان، با به در دستور کار کمونیستها قرار گیرد، کمونیستها بدون افشای ماهیت طبقاتی سیاست و اهداف بورژوازی کرد و بدون افشای اینکه بورژوازی و مملکین کردستان تحت لوای "ناسیونالیسم" با سوء استفاده از احساسات ملی خلق کرد، بنا بر جنبش مقاومت و خلق کرد به فرسود جنبش مقاومت و خلق کرد عمل میکنند، نمیشود نتوانند توده زحمتکش کرد را حول محور تامین خواسته های برحق خلق کرد از دیدگاه ما تعیین منافع طبقه کارگر متشکل کرده و پیوند جنبش مقاومت با جنبش طبقه کارگر توده ها را عملی سازند. بر مبنای چنین تحلیل، توده زحمتکش کرد با دیدگاه تنگ آزادی او از قید سیستم ملی و در نهایت طبقاتی، در گرو همبستگی با خلقهای سراسر ایران و در پرتو تحقق شعارها و اهداف و رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است و رهبری هر طبقه تا پیگیر و متزلزل برجانبش مقاومت، سرانجامی جز توقف جنبش و نهایتا بل شدن حقوق خلق کرد نداشته و نخواهد داشت. از همین رو برای آنکه خلق کرد و جنبش مقاومت و ظایف خود را در انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده ها به انجام رساند و برای تعمیق جنبش مقاومت و ادامه آن تا پیروزی برای ارتجاع و امپریالیسم، با یکن جنبش مقاومت را از فرگونه توهینات لیبرالی و فرمیستی و خوشبختی نسبت به ما هیت ضد انقلابی بورژوازی ناسیونال فرمیست زدود و ضمن تاکید بر ضرورت اجتناب نا پذیر و فوری همبستگی و اتحاد و وظایف نه خلق کرد با خلقهای سراسر ایران، توده زحمتکش کرد را بر محور سیاستهای انقلابی و دمکراتیک پیگیری طبقه کارگر به مبارزه ای گسترده با رژیم ضد خلقی حاکم و ادامه آن تا پیروزی کشانید.

بقیه از صفحه ۱۱ جشن

کارگران در سراسر جهان به ضرورت ایجاد جنبش طبقه کارگر تا کید نمود و توضیح داد که دمکراسی در جمله ملزومات شکل و آگاه نمودن پرولتاریا است رفیق در میان ابزارها حساسات پرولتاریا کنندگان ادا مهاد که هر نیرویی بغوا ضد دمکراسی را نقض نماید برای جلوگیری از آن حاضریم چندین بار بر شهدایمان تاکنون شهید بدیم و هیچ ابایی هم نداریم. بعد از اتمام سخنرانی پیشمرگان انقلابی کومله سرودی دسته جمعی اجرا کردند. آنگاه پیام مبارزان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه خوانده شد در این پیام ضمن توضیح تاریخچه این روز و هدف از جشن گرفتن اول ماه مه، اهدای رزم و نوکران رویزونیستش همچون حزب توده و اکثریت افشاده و بر ضرورت رهبری طبقه کارگر و پیوند مبارزاتی خلقها و شا عه دمکراتیک پیگیری پرولتاری تا کید شده بود. در بخش آخر پیام به توطئه های اخیر حزب شاه شده بود. پس از اتمام پیامها زمان بیکار رسمیه به زبان کردی از طرف پیشمرگان کومله و بنام جمعیت مستقل معلمان مبارز و پتیا مچریکهای فدایی خلق خوانده شد.

بقیه از صفحه ۱۱ پیام

متوسط از ۲۴ تا ۲۸ ساعت که منجر به نارضاضی کلیه و معده شده است. - افرادی کردن زندانیان به محض ابراز کوچکترین اعتراض و تهدید آنها. - توهین و هتک حرمت و کتک زدن زندانیان سیاسی به بیجا اجرا مراسم مورد علاقه شان از قبیل سرود خوانی و ورزش جمعی. - عدم رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی بهمار که احتیاج به بستری شدن و مداوای کامل دارند.

وجود عده ای در زندان که شغلشان وارد شدن به بند و کتک زدن و شهید و توهین زندانیان است هرگاه که اعتراضی صورت گرفته باشد. - استفاده از زندانیانی که کودتاچی هستند یا بعضی از زندانیان عادی جهت اذیت و آزار زندانیان سیاسی. - ندادن امکان ملاقات حضوری به تقریباً تمامی زندانیان سیاسی حتی گمانیکه محکومند و کسانی که مدتهاست در بازداشت و بلاتکلیف میباشند و حتی در مواردی قطع ملاقات سادی و کابینی از آنها به بیجا تهدیدیه.



لايحه قصاصي: نمودار ماهيت بسيار ارتجاعی رژيم

قسمت دوم از لايحه قصاص دست بخت شورای عالی قضائی (با تدبیرهای و شرکات) پس از تصویب در هیات وزیران، به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است تا آنرا تصویب کنند.

قسمتهای اول و دوم این لايحه که طی چند ماه گذشته تدوین و به مجلس داده شده است، آئیننامه تمام نمای ماهیت بسیار ارتجاعی این رژیم است و بجرات میتوان گفت اکثریت قاطع کسانیکه در روزهای پس از قیام، پهای صندوقهای رای رفتند و به "جمهوری اسلامی" رای مثبت دادند هرگز نمیدانستند و در محله شان هم خطور نمیکرد که چندصباحی پس از روزهای قیام، چنین قوانین و نظاماتی را جایگزین رژیم شاه خانین بپسندند.

در فرهنگ فارسی، اصطلاحاتی نظیر "قانون جنگل"، "قوانین دوره جاهلیت"، "قوانین قرون وسطائی"، "قوانین دوره ماقبل سرما بهداری" و غیره وجود دارد و حالاً از ترکیب رژیم جمعیوری اسلامی، همه آن مفاهیم ارتجاعی عقب مانده را یکجا میتوان در این لايحه قصاص مشاهده کرد.

بدون شک در تاریخ ایران و در تاریخ انقلابهای سراسر جهان، این پدیده بعنوان بسک فاجعه دردناک برای توده ها و نمونه ای از جماعت نیروهای ضد انقلابی علیه توده های زحمتکش ثبت خواهد شد.

ضد انقلابیون حاکم که با سوءاستفاده از ضعفهای جنبش انقلابی توده ها، براریکه قدرت سوار شدند، بی پروا مشغول "ترکنازی" هستند و با گذراندن قوانینی که در مقامی با قانون دوره پس از انقلاب مشروطیت و در مقامی با قوانین اغلب کشورهای جهان، بسیار ارتجاعی و عقبمانده تر است، قصد آن دارند که تمام دست آوردهای جنبش های انقلابی تاریخ میهن ما را لگدمال سازند.

صحت آنچه را که گفتیم در تک مواذ لايحه قصاص میتوان دید. این لايحه، زیر نظر مجتهدین و با تائید آیت الله خمینی و براساس قوانین شرع تهیه شده است. اخیراً بهشتی تحت فشار رژیم انقلابی موجود در جاسمعه و برای آنکه کمتر بی آبرو شود از اصطلاح ما حیضران دعوت نموده است که در باره لايحه مزبور نشستی تشکیل دهند و لایسی علیرغم این تظاهرها کارانه، جوهر اصلی مواد این لايحه، غیر قابل تغییر است و دقیقاً مبتنی است بر فقه مدون شیعه و اصل ولایت فقیه. ما لازم می دانیم که در اینجا دونگه را مورد تائید قرار دهیم:

اول اینکه لايحه قصاص دقیقاً ماهیت طبقاتی ارتجاعی را منعکس میکند و بنا بر همین ماهیت تنها در خدمت طبقات استثنائی و گروبرفرد کارگران و زحمتکشان و همه مستعبدگان میباشد. در این

لایحه انواع تبعیض های ضد انقلابی بر اساس مردیای زن بودن، مسلمان یا غیرمسلمان بودن و ثروتمندی یا فقیر بودن و... بوضوح بچشم میخورد. این قانون، بطور کلی، در برابر برزن جانب مرد را میگیرد و در برابر غیرمسلمان جانب مسلمان و در برابر بزرگواران غیرمسلمان نگاه میدارد.

نکته دوم اینکه هرگونه کوششی برای پوشاندن مآذین قوانین که همانا قوانین شرعی (و مربوط به ادوار تاریخی گذشته) است، راهی جز به سوی الحاق ندارد. آن نیروهای مسلمانانی که باین

لایحه اعتراض دارند، هرگز نمیتوانند بگویند که چنین احکامی در شرع وجود ندارد (و بنا بر این بنیاد در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد). آنان که با حفظ مواضع ایدئولوژیک و طبقاتی خود، این قوانین را نمی پذیرند، ناگزیرند - علیرغم میلشان - برخی از بنیادهای مبانی عقیدتی خود را مورد انکار قرار دهند و یا راهائی از آنرا حذف کنند و بجای آن از مبانی دیگری کمک بگیرند و بنیازان نزدیکی خود به لیبرالیسم یا دموکراسی، الحاق معینی را بپذیرند.

اکنون به خود لايحه میپردازیم:

جرم بعنوان مساله اجتماعی یا فردی؟

کلمه قصاص که در لغت عربی از ماده "قص" بمعنی بریدن و قطع کردن آمده از باب مفاعله میباید و در طرف را نشان میدهد و به مفهوم آنست که در طرف دعوی یکدیگر را در معرض قطع اعضا جرح و امثال آن قرار دهند. این مفهوم لغوی در قوانین حقوقی جوامع بشری، اساساً دستگیر شده تری یافته و مثلاً در جوامع ماقبل سرما بهداری و قبایلی به شکل خونخواهی درآمده است. این سنت هنوز هم در برخی از جوامع عقب مانده کنونی کسبه بقایای زندگی قبایلی در آنها وجود دارد و دیده میشود که اگر شخصی از یک قبیله کشته شود، قبیله مقتول، تمام تلاش خود را بکار خواهد برد تا قاتل را بقتل برساند و حسن انتقامجویی "اولیای دم" یعنی خویشاوندان مقتول فرو نشیند. هم اکنون در بسیاری از قبایل عربی کشور ما یا خاور میانه موارد متعددی از قتل و گروگانگیری بر اساس "تاز" (بمعنی خونخواهی) رخ میدهد.

قوانین مجازات، بدون توجه به زمینه های اجتماعی وقوع جرم، و صرفاً مبتنی بر انتقامجویی فردی و قبایلی و با لاخره سپردن اجرای مجازات بدست شخصی که مورد جنایت یا جنحه قرار گرفته

(و یا خویشاوندان او)، محصول نظامهای اجتماعی عقب مانده پیشین است. در صورتیکه تکامل نیروهای تولیدی و رشد مناسب اجتماعی جرم را از صورت یک امر شخصی بصورت یک پدیده اجتماعی در آورده و این خود در زمینه حقوقی، یک تکامل فرهنگی در تاریخ بشری محسوب میگردد.

در جوامع کنونی، چه سرما بهداری و چه سوسیالیستی، به جرم بعنوان یک مساله اجتماعی مینگرند و هر یک بر اساس موازین خاص خویش تعیین و اجرای مجازات را بعهده جاسمعه میگذارند نه فرد یا خویشاوندان او. البته با این تفاوت که منظور از "جاسمعه" در منطق سرما بهداری، چیزی جز طبقه استثنائی و گروگان کم و صنف آن نیست. آنچه که در لايحه قصاص آمده، آشکارا یکسوی

لایحه قصاص دقیقاً ماهیت طبقاتی ارتجاعی را منعکس می کند و بنا بر همین ماهیت، تنها در خدمت طبقات استثنائی و گروبرفرد کارگران و زحمتکشان و همه مستعبدگان می باشد. در این لايحه، انواع تبعیض های ضد انقلابی بر اساس مردیای زن بودن، مسلمان یا غیرمسلمان بودن، ثروتمند یا فقیر بودن و... بوضوح بچشم می خورد.

دیگر از نمونه های بازگشت به عقب در رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد. به ماده ۵۳ از لايحه قصاص نگاه کنید که صریحاً میگوید:

"ولی دم (خویشاوندان مقتول) بعد از اذن والی مسلمان و نبودن محظور و فساد، میتوانند شخصاً قاتل را قصاص کنند. چنانچه میتوانند در اجرای قصاص وکیل بگیرند." توضیح اینکه ولی مقتول با موافقت فقیه و در صورتیکه ماسعی در کار نباشد میتواند خود شخصاً قاتل را قصاص نماید.

تصور کنید که با اجرای چنین قانونی چه "بانیشو" و قانون جنگلی میخواست حکمفرما شود، اگر با اصطلاح "والی مسلمان" همین "علما و فقها" میباشند (که هستند) و نمونه آنها خلیفای جلال و فهمی کرمانی هستند، بدون شک "اذن" اجرای قصاص را به "ولی دم" خواهد داد و هیچ محظور و مانعی که شاید مهمترین آن "بروی" اجتماعی و سیاسی رژیم است جلوی اجرای "حکم الهی" را نخواهد گرفت و مثلاً ما ده ۶۲ لايحه مزبور در حضور مردم اجرا خواهد شد:

"... در مقابل قطع دست راست با پدست راست جانی قطع شود و اگر جانی دست راست نداشته میتوان دست چپ او را قطع نمود و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد میتوان پای او را قطع کرد." (۱)

قانون معروف شرع که میگوید: "چشم در برابر چشم، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان" را اگر بخوانند، چرا میکنند، تصور کنید که چه عملیات وحشیانه ای میتواند بوقوع بپیوندد؟ و با اگر افراد بیخوار و هتد برای اجرای قصاص (و در واقع انتقام گرفتن) وکیل بگیرند لابد شغل جدیدی که جز "میرغضبی" و "جلادی" نیست دوباره در جاسمعه ما ظهور خواهد کرد و همه منظور که در اجرای قوانین دیگری، افرادی بعنوان "محلل" مشغول "کار" خواهند شد!

بقیه در صفحه ۱۵

درافشانی سخنگوی دولت!!

رژیم جمهوری اسلامی همچنانکه تمام مسائل را از دیده توده‌ها می‌پوشاند، یکبارهم نگفته که با هزینه میلیاردها تومان از خارج (کدام کشور؟) مواد سوختی وارد میکنند و البته بیشتر این مواد سوختی به تانکرها و ناوهای نقلیه جنگی اختصاص دارد، رژیم جمهوری اسلامی از گفتن این حقیقت و علت اینکه چرا قادر نیست کمترین از طریق با لاینگاه تهران سوخت داخلی را تامین نماید، هراس دارد، آنها از با نسیان جنگی هستند که برای توده‌های زحمتکش جز کشتار، قحطی، فلاکت و دریدری و آوارگی و... نصب دیگری نداشته‌است و بخاطر همین جنگ ارتجاعی می‌باید میلیاردها تومان برای خرید مواد سوختی از کشورهای خارجی که برای زحمتکشان ما مجهول هستند، خریداری نماید. سوختی که بندرت در اختیار خود زحمتکشان قرار نمیگیرد.

... رسیدگی به جنگ زدگان

نبوی مرتجع با وقاحت زیاد در "مسور د رسیدگی دولت به جنگ زدگان" پاسخ میدهد: "نقد دولت به جنگ زدگان اهمیت داده است که چیزی بنام بنیاد مومرجنگ زدگان اینجا دگرزده است... و هما تصور که میداند ۶ میلیارد تومان بودجه بنیاد جنگ زدگان است."

احتیاجی به اشاره مجدد به نوع "اهمیتی" که رژیم جمهوری اسلامی به جنگ زدگان آورده داده است نیست. هم میباید زحمتکشان ما به خوبی آگاهند که بخاطر همین "اهمیت" بود که سردمداران رژیم انواع تهمت‌ها و فحاشی‌ها و لقب‌ها را زانها جنگ زدگان کرده، آنها را به کلوله بسته، نمایندگانشان را دستگیر و زندانی کرده و در سرمای سخت زمستان و گرمای سوزان خوزستان و... در بدترین شرایط و زیر بارها و بدون غذا و بهداشت‌ها نشان کرده و... آنها را آواره‌ها با آنها و شهرها نموده است و... و اکنون نیز بخاطر همین "اهمیت" ۶ میلیارد تومان بوده سالهاست برای آوارگان جنگ زده تعیین کرده که بدون محاسبه خرج و هزینه‌های اداری و حقوق کارمندان این "بنیاد" جدیدالتاسیس - که اگر برای آوارگان کاری هم نکنند، عده‌ای از نورچشمی‌ها را به آب و نان خواهد رساند - باید صرف هزینه زندگی بیش از ۱/۸۰۰/۰۰۰ جنگ زده بشود. یعنی برای هر آواره مبلغ ۲۷۷ تومان در ماه اجیدال و بختی؟!!

همین چند نمونه برای افشای ماهیت و عملکرد دولتی که سخنگوی چنین درافشانی میکند، کافیست. این مرتجعین فرصت زیادی نخواهند داشت که بیش از این به توده فریبی و تحقیر زحمتکشان بیزاری و توطئه‌ها ختم توده‌ها بیاید و در راه سرخ و بیروزمند خویش به حساب این شیادی‌ها سرخواهد رسید.



مسئله عادی از دید "دولت انقلابی"!
بهزاد نبوی در مورد قرار داد یک میلیارد لیره‌ای (۱۷ میلیارد تومان) به ازادولتی - ۲۷ میلیارد تومان به ازادولتی) با کمپانی تالیوت انگلیسی که در جهت تحکیم سرمایه - داری وابسته و نیز کمک به حل بحران اقتصادی شرکت امپریالیستی انگلیسی بسته میشود (پیکار ۱۰۴) میگوید:

"ستادسیج اقتصادی هیأتی را مامور رسیدگی به این مذاکرات ایران ناسیونال با تالیوت، که نتیجه اش متعاقبا گفته میشود، و مصالحه هم‌خیلی غیرعادی نبوده است، بلکه چون حجم معامله زیاد است و مسئله ۵ ساله نیز عنوان شده بود، بخاطر همین، مورد توجه ستادسیج اقتصادی قرار گرفت."

آری! برای حفظ و تحکیم سرمایه‌داری وابسته عقد چنین قراردادهای غارتگرانه‌ای غیرعادی نیست. برای خلق آگاهان ما نیز این مسئله "خیلی غیرعادی نبوده است" چرا که آنها از رژیم کدبنا به ما هیت طبقه‌اش با جای رژیم‌ها جلادگذاشته، انتظار دیگری ندارند و همین جهت تنها یک راه در پیش پای خود قرار داده است و آنهم مبارزه بی‌امان علیه این رژیم خیانت پیشه در راه پیروزی انقلاب سرخ فردا است.

آری! برای رژیم جمهوری اسلامی امضای قرارداد دکلان با امپریالیسم انگلیس، معامله با کمپانی آلمانی کروب، بخشیدن میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان به امپریالیسم آمریکا، چپاول و دزدی ۵۶ میلیون دلار در جریان خرید اسلحه و ۱۰۰ مری کا ملا عادی است. چرا که بدون این غارتگری‌ها و چپاول‌ها اصلا چنین رژیم‌هایی نمی‌توانستند دلیل وجودی داشته باشند.

خرید سوخت از خارج!

در "سایه" جنگ ارتجاعی بین دورژیم مرتجع ایران و عراق کشور "نفث خیز" ما برای سوخت داخلی خود نیز محتاج کشورهای دیگر شده است. نبوی در این مورد میگوید: "همچنین خرید سوخت که خودش حدود ۲۰ میلیارد تومان بودجه می - خواست که به ۱۱ میلیارد فعلا بسته گردیدیم" (همانجا) و یا "ما باید از بندر عباس سوخت را برسانیم به ما زندران با خورمان... در گذشته، با لاینگاه تهران از طریق خط لوله کاروئیس شمال رانامین میگردولی الان یک کامیون با ایاد ریندر عباس راه بیفتد و به خراسان و ما زندران برود."

با گذشت ۸ ماه از جنگ ارتجاعی کنونی

در حاشیه مصاحبه اخیر بهزاد نبوی سخنگوی "مکتبی" دولت رجائی مرتجع
بدنیال اظهار نظر "فاضانه" (بزهاد نبوی سخنگوی دولت در هفته‌های گذشته که دلایل گرانگی و فحطی را وجود گروه‌های کمونیست و انقلابی ذکر کرده بود!!) نبوی در مصاحبه دیگری که اخیرا انجام داده است مطالبی بیان کرده که بسیار افشاگرانه میباشند:

پرداخت بدهی اشرف هرزه و القانیان
در بخشی از این مصاحبه، نبوی مرتجع در پاسخ سوال مربوط به پرداخت بدهی اشرف و القانیان و... بنحو حقیقت‌نویسی کوشش مینماید مردم زحمتکش ما را که از تاراج میلیاردها دلار از داراییهای موجود ایران در آمریکا زبان به اعتراض گشوده‌اند، فریب دهد، او میگوید: "یک عده از شرکتها می‌کنند که مثالی مثل اشرف و القانیان هم در آن سهامدار شدند ملی شده و مصداق شده است و تضمین پرداخت‌های بدهی - های اینها را هم با بنکهای ایرانی کرده اند که با بنکهای ایرانی نیز توسط شورای انقلاب ملی شده و تضمین با بنکهای ایرانی را هم با بنک مرکزی کرده است یعنی طبعاً اگر بدهی‌ها ملی پرداخت شده، در رابطه با شرکتها می‌است که ملی شده و در اختیار دولت بوده است و اگر سهامدارین شرکتها در گذشته اشرف و القانیان و امثالهم بوده است..." (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۱)

نبوی با این پاسخ ماهیت "ملی" شدن شرکتها و بنکهای غارتگر سرمایه‌داران ایرانی و خارجی توسط رژیم جمهوری اسلامی را به روشنی افشا میکند. این چگونه "ملی" شدن است که پرداخت بدهی‌های اشرف و القانیان‌ها به شرکت‌های امپریالیستی را از دسترنج زحمتکشان تضمین مینماید و دولت با اصطلاح "صد امپریالیستی" هم با بخت پرداخت آنها یک میلیارد دلار در بانک انگلیس سپرده میگذارد؟ این مرتجعین کمان میکنند به همین سادگی می‌توانند توده‌های زحمتکش ما را تحمیق نمایند؟! آری، چپاول میلیاردها دلار از درآمد ملی توسط اشرف‌ها و همیالکی‌های ارتجاعی اش کافسی نبوده و دولت جمهوری اسلامی بجای کوشش جهت پس گرفتن آن تروتهای بر باد رفته - که صد البته در ما هیت این رژیم نیست - بدهی‌های آن مرتجعین و هرزه‌ها را نیز برداخت میکنند ولی نوشت که بدهی پرداخت بختی - هر چند کوچک - از خواستهای کارگران و زحمتکشان میرسد یا به "ننه من غریب" بازی می‌افتد و یا باید از آن سلاح سرمایه‌داران سرکوب‌آنان میفرسند و اکثر اهداست بدان من همین سرکوب و کشتار مسود...

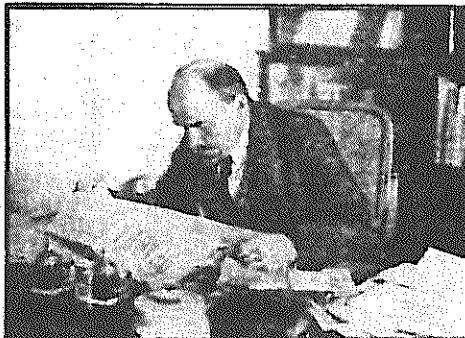
درباره مفهوم "پورژوازی دمکرات"

توده‌ها هراس دارد. و از همین روست، آن تما یلات
پایان نا پذیر لیبیرالها به دادن امتیاز و بسته
نظام کهنه، سازش با آن، و دفاع از بسیاری با سه
- های شیات نظم کهن، همه اینها موجب نا توانی
مطلق لیبیرالیزم، است عنصری آن، و تزلزلات
بی پایان آن میباشند.

دمکراتها نماینده توده‌های وسیع مردم
هستند. یک دمکرات از جنبش توده‌ها هراسی
نبوده، بلکه به آن ایمان دارد. در روسیه
دمکراتها توسط ترودویک‌ها و "نارودنیک‌های"
چپ، بطور کلی، شما بندگی میشوند. مارکسیستها
که آنها را دمکراتهای پورژوا مینامند، بهیچ -
وجه بمنظور "حمله" به آنها نبوده، بلکه به این
دلیل است که هیچگونه تقسیم مجدد زمین، و
هیچگونه تغییرات دمکراتیک در دولت برای از
میان بردن حاکمیت سرمایه، یعنی سیستم
پورژواشی، کافی نیست.

سیاست دمکراتهای کارگری روشن است. ما
تنها در مرحله دوم انتخابات، و فقط آنجا که
امکان پیدا شده باشد به همراه دمکراتها، لیبیرالها
را شکست دهیم. توافق‌هایی با لیبیرالها را
بر علیه راست‌ها می پذیریم. ما شانه به شانه
دمکراتها، تا هنگامیکه آنان به اصول دمکراتیک
خود وفا دارند، ایستادیم. اما ما خواهیم داد.

منتشره طبق متن پراودا پراودا، شماره ۷۵
مجموعه آثار، جلد ۱۸، ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۲



برجسب توهین آمیز "پورژوا" را به آن اضافه
نمکنند. " (یعنی پورژوا - دمکرات)

بسیار مشکل است تاوان بزرگتر از این را
از جانب "افراد تحصیل کرده‌ای که ادبیات
مارکسیستی را مطالعه میکنند، بتوان تصور
نمود. سئوالی که بنیاد مطرح میشود چنین است:
آیا (با راهی) حساب با گاه‌ها فرا در او دارند میکنند
که تظا هر بنا دانی کنند؟

ما از سال ۱۹۰۶ صدها هزاران بار توضیح
داده ایم که کاتدها دمکرات نیستند، بلکه
پورژوازی لیبیرال سلطنت طلب میباشند. در
بهار ۱۹۰۷، تصمیمات رسمی مارکسیست‌ها از
سراسر روسیه که برای هر فردی سی آکا آشناست،
این مسئله را تأکید کرده و با صدای بلند اعلام
داشتند که کاتدها یک حزب پورژوازی لیبیرال
سلطنت طلب هستند. دمکراسی آنان "عوا مغربی
است و بخشی از خرده پورژوازی آنها به نیروی
سنت (عادت کورکورانه و بیخبرانه رسمیات و
کهنه‌ها) و به این دلیل ساده که آنها توسط
لیبرالها فریب داده شده‌اند" (۱) بدستال آنان
روان هستند.

این ایده‌ها از آن زمان به بعد صدها هزاران
بار تکرار و تکرار شده‌اند. اما کاتدها،
آنچنان که گوئی هیچگونه اتفاقی نیفتاده است،
چنین اظهار میکنند که "عادت کرده اند که
فکر کنند ما رکیست‌ها آنها را دمکرات میدانند!
بنا شنوا تر از آنکه خودشان می‌خواهد بشنود، وجود
ندارد!

تفاوت لیبیرالها با محافظه کاران (باند های
سیاه) در این است که آنها بیان کننده منافع
پورژوازی هستند که به ترقی و سیستم قانونی
سازمان یافته، رعایت قانونیت، قانون
اساسی، و تضمین آزادی سیاسی تا درجه معینی
نیازمند است.

اما این پورژوازی ترقی خواه، بیخبر از
آنچه از ارتجاع میترسد، از دمکراسی و جنبش

چندی پیش، در یکی از شماره‌های پیکار،
در توصیف نیروهای دمکرات (خرده پورژوازی
دمکرات) در جامعه خودمان، از عبارت "پورژوا -
دمکرات" استفاده کردیم. این توصیف، در ذهن
بسیاری از رفقا و دوستان خواننده نشریه این
آبها مراهجا در کده گویا ما مجاهدین را نماینده
"پورژوازی" به معنای مصطلح آن میدانیم و
بدین ترتیب موضع خودمان را در برابر آنها
"عوض" کرده ایم. در این رابطه تا مه‌های زیادی
دریافت کردیم که خواهان توضیح بیشتر این
مفهوم و درگ ما از آن شدند.

ما همانطور که در پاسخ به نامه‌های پیکار
شماره ۱۵۱ نیز توضیح دادیم، اطلاق لفظ
پورژوا - دمکرات به یک نیروی انقلابی
دمکرات، بهیچوجه به معنای تحقیر و یا "حمله"
به آنها و یا بمعنای عوض شدن تحلیل ما نسبت
به ما هیت طبقاتی آنها نمی باشد. اطلاق
پورژوازی دمکرات به این نیروها، تعریف
دقیقی است که بطور روشن، جایگاه و طبقه‌تسی و
سیاسی این نیروها را در انقلاب ایران نمایان
میسازد. از یک سو با درکهای رویزیونیستی مرز -
بندی میکند که خرده پورژوازی را از ما هیست
پورژواشی آن تهی میکنند، و برای آن رسالتی
همانند رسالت پرولتاریا قائل هستند (تزاره
رشد غیر سرمایه داری رویزیونیست‌ها دقیقاً
از همین زاویه ضد مارکسیستی آغاز میشود)، و از
سوی دیگر درکهای چپ را بدور می اندازد که
خرده پورژوازی دمکرات را بلحاظ ما هیست
پورژواشی خود، در کنار پورژوازی لیبیرال
قرار میدهد، و خلعت دمکراتیک و انقلابی آنرا
نا دیده میمانگارد. و دلیل این امر ما هم، سیاست
لیبرالی آنها در برابر پورژوازی لیبیرالی -
دانند. این درک نیز دیدگاه صحیحی نسبت به
جایگاه واقعی خرده پورژوازی دمکرات، که
تزلزلات و گرایش آنها به پورژوازی لیبیرالی نیز
دقیقاً از همینجا قابل تحلیل است، ندارد.
در زیر ترجمه مقاله کوتاهی از لنین را که در
این مورد مینویسد مفید باشد، درج مینمایم که
مقاله قبل از انقلاب فوریه یعنی در سال ۱۹۱۲
نوشته شده است و بنابرین سرخوردن لنین به
خرده پورژوازی و لیبیرالها با توجه به این دوره
تاریخی قابل درک میباشند.

کاتدها و دمکراتها

سر مقاله رچ می نویسد: "ما بدان فکبر
عادت کرده ایم که ما رکیست‌ها، کاتدها را بعنوان
یک حزب دمکرات به رسمیت بشناسند، هر چند آنها

توضیحات:
۱- لنین به قطعاً، مکنگره پنجم (لندن)
حزب سوسیال دمکراتیک کارگری روسیه، تحت
عنوان "دیدگاه نسبت به حزب غیر پرولتری"
اشاره میکند. (مراجعه کنید به ج. ک. ا. ش. قطع -
نامه‌ها و مصوبات در اولین کنفرانس‌ها
و نشست‌های همگانی کمیته مرکزی، قسمت اول،
۱۹۵۴، ص ۱۹۴، چاپ روسی)

بقیه از صفحه ۱۲ لایحه
در پایان این قسمت از یادداشت‌های مربوط
به قصابی یا دیده‌ای نکتته مهم‌تر را کرده که این
قوانین برای فردی که شروت مند باشد نمیتواند
طور دیگری اجرا شود، یک شروت مند نمیتواند
"خونبها" (دیه) بپردازد، یا با پرداخت پول و
مال، فردی که مورد جنایت یا جنحه واقع شده و
خواستار رضای است را به "عفو" تشویق نماید. به
این ترتیب است که قانون دستبخت طبقات
ارتجایی، تمام خشونت خود را علیه زحمتکشان و
در جهت تسلط هر چه بیشتر بر آنان بکار میبرد.
کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست
و انقلابی این قوانین ارتجایی را همراه با
ساحبان و اجرا کنندگان آنها به زباله‌سده‌ان
تاریخ خواهند سیرد و بجای آن قانونی که خاص
خودشان یعنی خاص کارگران و زحمتکشان است (قانون
جمهوری دمکراتیک خلق) برقرار خواهند کرد.
جنبه‌های دیگر از لایحه ارتجایی قصابی را در شماره --
های آینده بحث خواهیم کرد. ☆ ☆ ☆



مبارزات دلیرانه کارگران بند زخمینی با گلوله و نارنجک پاسداران سرمایه بخون کشیده میشود

دراثر رگبار پاسداران ۸ کارگر مجروح شده‌اند .

بیش از ۹ تن از کارگران نیز دستگیری شدند .
روز ۶۰/۲/۷۷ حدود ۱۵۰ نفر از کارگران
پیمانی بند زخمینی در محل ایستگاه سریندر
تجمع کرده و ضمن خودداری از رفتن بسرکار از
سایر کارگران میخواهند تا به اعتصاب آنها
بپیوندند . این کارگران روز قبل نمایندگان
نشان را برای بیان خواسته‌هایشان فرستاده بودند .
ولی نمایندگان توسط کمیته بند زخمینی سرور
زندانی شده بودند . بنا بر این خواسته‌های
کارگران در این روز عبارت بودند از :

۱- آزادی نماینده زندانیان ، ۲- انحلال
کمیته تعاونی اسلامی که از طرف دولت منصوب
گشته و بجای پیمانکار سابق به استخفاف و خشنابانه
کارگران میبرد ، ۳- ایجاد شورای واقعی
کارگران ، ۴- افشاء قرارداد کمیته تعاونی "و"
کشتیرانی ها ، ۵- تهیه وسایل ایمنی مانند
آمیولانس ، دستکش ، کلاه و ... ۶- عدم دخالت
کمیته وسپا در امور کارگری .

بدینال این اجتماع پاسداران سرمایه مطابق معمول
به محل آمده و بانسانه روی اسلحه‌هایشان به سمت
کارگران به تهدید و ارباب میبردند . اما
کارگران نه تنها مرعوب نشدند بلکه به اعتراض
و پرخاش پرداخته و نشان دادند که هیچ ترسی از

کارفرما و مدیران دولتی میتوانستند کارگران را
بعد از مدت ۶ ماه اخراج و به اصطلاح مجدداً استخدام
موقت نمایند . بعنوان نمونه میتوان از اخراج این
دسته از کارگران در بروج منطقه ، کارخانه
نا سونال و کارخانه ارج نام برد .

برای مقابله با این توطئه‌های ضد کارگری رژیم
جمهوری اسلامی کارگران با یستی در نظر داشته باشند که :

۱- از آنجا که بیکاری شتری است که در خانه هر
کارگری میخواهد ، میبایست همه کارگران ، چه
دا شمی و چه موقتی ، برای استخدام کارگران
موقتی متحداً مبارزه نمایند و از اخراج و بیکاری
شدن آنها جلوگیری کنند .

۲- مبارزه برای استخدام کارگران موقت یک
کارخانه ، همتا می با یست در ارتباط با کارخانه
های مجاور و با کارگران هم رشته صنعتی باشد
کارگران در این مبارزه ، هر چه متحدتر باشند
سریعتر میتوانستند رژیم را وادار به عقب نشینی
و قبول خواسته‌هاشان بکنند .

۳- کارگران دا شمی استخدامی و کارگران موقتی
با اتحاد دودمی با یستی خواهان ۴۰ ساعت کار
و ۲ روز تعطیل در هفته باشند ، تا در عین حال
امکان استخدام تعداد بیشتری از کارگران بیکار بوجود آید .

۴- در کارخانه‌هایی که اخراج کارگران موقت
انجام میشود ، کارگران موقت آن کارخانه‌ها
می با یستی مسائل خود را با سایر کارگران در
میان گذارند و آنها را به پشتیبانی از خود
دعوت کنند . متقابلاً کارگران دائم میبایست
با اقدامات یکپارچه ، به کمک کارگران موقت
بر خیزند و توطئه‌های رژیم جمهوری
اسلامی به سرانجام نرسد .

۵- سرانجام تمام راه‌ها ، به ایجاد تشکیلات
واقعی کارگری ختم میشود . در هر کارخانه کارگران
با یستی برای ایجاد شوراهای واقعی کارگری
که بهترین مانع اخراج کارگران است بکوشند .
تنها با شرط وجود تشکیلات است که سرمایه داران
و رژیم حامی آنها ، وادار به عقب نشینی خواهند شد .

بقیه از صفحه ۳ قوطنه ...

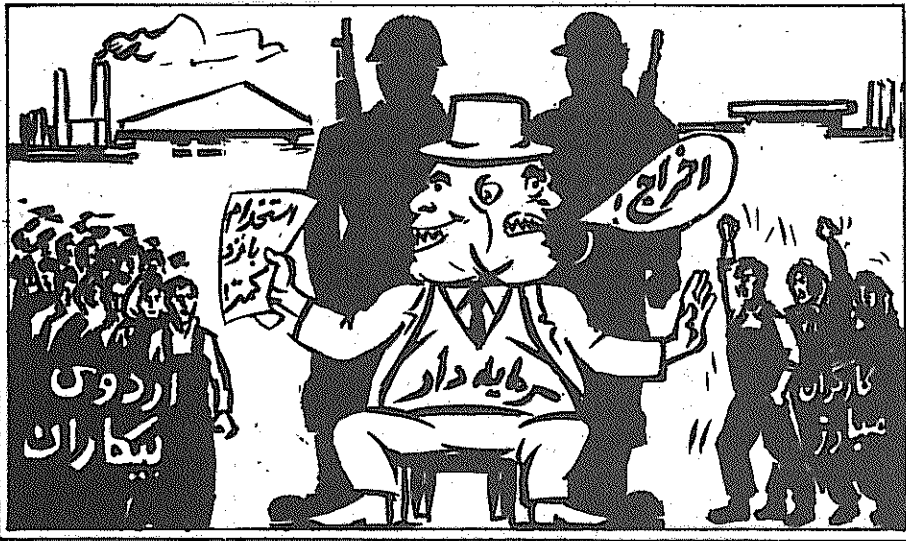
شیوه مذکور ، همان شیوه به کار گرفتن موقتی
کارگران است . در گذشته نیز سرمایه داران با
استفاده از بیکاری موجود در سطح جامعه ، به
استخدام مدهای از کارگران نمی پرداختند و
آنها را به حالت استخدام موقت نگاه میداشتند ،
و پس از دوره موقت آنها را اخراج میکردند و
دوباره کارگر موقت میکردند . این شیوه
کارگری ، از راه‌های همه رژیم‌های سرمایه
داری است تا بیشتر از حاصل کار روزمندی کارگران
جیب‌های خود را پر کنند . سرمایه داران با استفاده
از این شیوه ، رتجای ضد کارگری ، بخشی از همان
حقوق اولیه و ابتدائی کارگران را نیز به جیب
میزنند . طبقه سرمایه دار رژیم‌های آنها ، از
این کار به هدفهای زیر دست می یابند :

۱- سرمایه داران هر زمانی که احتیاج به کارگر
نداشته باشند ، بدون باز خرید دوران اشتغال
شعاع مورد نظر از کارگران را اخراج میکنند .
۲- سرمایه داران با اخراج این عده از کارگران
موقت ، به مقابله با اعتراضات و مبارزات بحق
و عادلانه کارگران برخاسته و بر سر هر مبارزه ای
که کارگران میکنند ، و همه کارگران در آن شرکت
دارند ، گوشه میکشند : " در صورت با فشاری روی
این خواسته‌ها ، از استخدام خبری نیست و اخراج
میشود " و بدین وسیله کارگران موقت را در برابر
خواسته‌هایشان و همگامی در شرکت هر چه فعال تر
در مبارزه تحت فشار قرار میدهند . و در واقع
تقسیم کارگران به کارگر استخدامی و کارگر
موقتی و ترس اخراج ، جلوی اتحاد دو مبارزه
مشکل کارگران را میگیرند .

۳- حق بیمه ، حق خواروبار ، مرخصی در سال و
بسیاری مزایای دیگر که به کارگر استفاده می تعلق
میکبرد ، به کارگران موقت پرداخت نمیشود و از
این بابت هم سرمایه داران بخشی از دستمزدها
کارگران را به جیب میزنند .

۴- سرمایه داران با به کار گرفتن بخشی از
کارگران بصورت موقت همواره بین کارگران
استخدامی و کارگران موقت اختلاف می اندازند
آنها کارگران موقت را به رخ کارگران
استخدامی ، میکشند و متقابلاً کارگران
تهدید به اخراج میکنند ، که مورد اول ، یعنی
به رخ کشیدن کارگران موقت به کارگران
استخدامی ، باعث ایجاد تفرقه و اختلاف در بین
کارگران میشود .

هم اکنون در تمام کارخانه‌ها از استخدام
رسمی طفره میروند . اگر در گذشته سرمایه داران
می با یستی بعد از گذشت ۳ ماه در مورد کارگران
موقتی آنها را استخدام میکردند ، اما اکنون



برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



این مزدوران سرما به ندرت رند، بدین ترتیب با سداران دست از پا درازتر بر میگرددند و مدتی بعد فرما نده سپاه سداران برای صحبت بمیان کارگران آمده و آن‌ها میخواستند که برای بیان خواسته‌هایشان نماینده انتخاب کنند. کارگران ضمن افشای دستگیری نمایندگان قبلیشان توسط کمیته مجدداً نماینده را به همراه فرمانده پاداران میفرستند.

نمایندگان ساعت ۲/۵ بعد از ظهر مراجعه کرده و میگویند که «چو آب آنها در مقابل خواست‌های بحق ما این بود که "همین است که هست میخواستید کارگران را بکشید"»

این مسئله موجب خشم کارگران گردید بطوریکه تصمیم میگیرند فردای آنروز به همراه خانواده‌های خود بطرف شهر را هیما می کنند.

روز بعد نماز نیکه کارگران اعتراضی برای جلب حمایت بقیه کارگران به اسکله میروند بعلت بدست آوردن مزدور رژیم مواج می شوند.

بحران عمیق اقتصادی جامعه و بروز بیشتر کارگران و زحمتکش را به فقر و فلاکت میکشاند افزایش سرمایه و رفیقتها و گسترش اخراج و بیکاری از جمله عواملی هستند که موجب با شین آمدن سریع سطح زندگی طبقه کارگر میشوند. از اینرو و با توجه به نرخ بالای تورم دستمزدها نیز چیسز کارگران تا غل دیگر کفایت تا مین حداقل معاش خود را نوا ده شان را نمیدهند. بدین لحاظ است که تا هدا و جگیری و گسترش مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد (به صورت مزد رسمی وجه در اشکال سود ویژه، عیدی و...) میباشیم. بنا بر این از آنجا نیکه مبارزه کارگران حول افزایش دستمزد اهمیت ویژه ای میباشد. از این پس سعی خواهیم کرد تا جلوه‌های مختلف این مبارزات را برای درک عینی تریا فتن از این مسئله، اشکالی دهیم و در رابطه با آنها صحت تحلیل و شعارهای سازمان را (که در مقابلات جدا گانه ای مطرح شده و میشوند)، مورد تا کید قرار دهیم.

۱- اغصاب در کارخانه مینو:

بدنبال مبارزات کارگران این کارخانه طی سال گذشته و افت نسبی آن در ماههای اخیر، اخیراً هدا تا از جگیری مبارزات کارگران حول مسئله افزایش دستمزد (به شکل غیر مستقیم) میباشیم. بدین ترتیب که کارگران از اوائل سال جدید خواهان دریا فته ۷۰٪ و زوج اما فسه تولید خود بودند. هیئت مدیره کارخانه تحت فشار کارگران ابتدا با پرداخت ۱۵٪ و روزا فسه تولید موافقت مینماید ولی بعداً این بهانه که کارخانه در سال ۵۷ کار میگرد و نسبت به آن سال اضا فته تولید نداشتند، در صدد عدم پرداخت این قسمت از حق کارگران (که در واقع بخشی از

پاداران سرما بدون هیچ مقدمه ای به روی کارگران مبارزاتش میکشاند و همچنین تا رنجگی را بمیان آنان برتاب می کنند. در نتیجه این جنایت بیشتر ما نه ۸۰ کارگر زحمتکش زخمی و به بیمارستان منتقل میشوند. ۲۱۰ نفر دیگر نیز دستگیر و زندانی میگردند. کارگران که از این یورش وحشیانه خشم آمده بودند، به سر بندر مراجعه کرده و به ما ختمان شهرداری میروند شهر را را با مشت و لگد از آنجا برده بطرف منازل بلوکی خود میبرند و در یکی از خانه های کارگران زندانی مینماید و قاطعانه خواستار آزادی همکاران خود و افشای این جنایت می شوند. مردم از همه طرف دور کارگران جمع شده و از آنها حمایت میکنند.

صبح فردای آنروز فرمانده پاداران نزد کارگران می آید. کارگران خشمگین او را نیز تنبیه کرده و کتک را شهردار زندانی میکنند ولی بعد از چندی برای بهانه ندادن به پاداران، به شعار "مرگ پاداران" این مزدور آزاد میکنند.

بعد از ظهر آنروز کارگران برای رساندن فریاد اعتراض خود به گوش مردم، دست بسیک را هیما می مینندند که مورد حمایت شده و

بخصوص جنگزدگان قرا زگریفته وعده ای نیز به صفوف راهپیمان میپیوندند. شعارهای راهپیمان عبارت بودند از: "کارگران سوسیالیزم را بیدار کنید"، "پاداران، پاداران می سرمایه دار"، "شورا، شورا، سنگرزحمتکش"، "اینست آزادی ما کلوله بر سینه ما" و... سپس در بار کارگران قطعه نامه ای در قسمتی از این قطعه نامه میاید که: "مردم زحمتکش سربندر، ما تنها شما را مرجع قانونی میشناسیم و میدادیم که عدالت تنها بدست کارگران و زحمتکشان برقرار خواهد شد. از شما میخواستیم که از خواسته های بحق ما دفاع کرده و جنایت وحشیانه رژیم را محکوم نمائید." سرانجام راهپیمان در محل زندانی شدن شهردار رخا تمه میباشد. این حرکت با افشای موفقیت آمیز جنایت رژیم میتواند جو پلیسی و اختناق سربندر را بشکند.

شب هنگام پاداران با استفاده از تاریکی شب به خانه های کارگران یورش میبرند. آنجا ابتدا شهردار را از اساخته و سپس حدود ۷ نفر از کارگران را دستگیر و زندانی میکنند.

مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد

دستمزد آنهاست که سرمایه داران برای فریب کارگران بدین صورت پرداخت میکنند (برآمدن بمحض اشکالی این هدف هیئت مدیره، موج اعتراض کارگران با لاف و دروغ قسمت "ویفر" و در روزی از اعتصاب کوتاه مدتی به وقوع پیوست مدیریت نیز که اوضاع را نا مطلوب دیدند تا روز ۶۰/۲/۱۵ از نمایندگان کارگران مهلت میخواهد. اما چون در اینروز مدیریت مل کارخانه وسختگویی مدیریت به کارخانه نمیاید، زمزمه های اعتصاب در میان کارگران قوت میگیرد و صبح روز شنبه ۶۰/۲/۱۲، موج اعتصاب سراسری کارخانه را فرا گرفته و بجز یکی دو قسمت بقیه کارخانه به اعتصاب میپیوندند. مدیریت مل کارخانه برای خنثی کردن اعتصاب به قسمتهای مختلف رفتن و با سخنرانی و تهدید قمشکستن اراده کارگران را مینماید. اما تیرش به سنگ خورده و اغلب قسمتها استوار در مقابل بلش ایستاده و حق خود را طلب مینماید. تا اینکه عصر آنروز سراسر اجسام هیئت مدیره و اداریه عقب نشینی شده و اطلاعیه ای مبنی بر پرداخت ۱۵ روز اضا فته تولید در تاریخ ۶۰/۲/۲۶ را مادمینماید. همانطور که گفتیم این مبارزه که نقطه عطفی در مبارزات کارگران مینماید، با عتبالافتن روحیه مبارزاتی آنها گردید که در حدود ستا وردی محسوب میشود.

۲- کارخانه لاتا (قزوین):

حدود ۳ ماه است که کارگران این کارخانه

دست به کم کاری زده اند. خواست کارگران اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود تا بدینوسیله دستمزدها نیز با افزایش دهند. لیکن مزدوران سرمایه به بهانه جنگ و اینکه طرح فوق مینایست بعد از جنگ بصورت سراسری اجرا شود کارگران را سردوخته اند. این در خالصت که سرپرستان کارخانه که وظیفه ای جز کار ریشتراز کارگران کشیدن و سرکوب مبارزاتشان ندارند از مزایای عمده تر بیشتری برخوردارند. (مثلاً در از ۶۰۰ تومان راندمان برای سرپرستها، کارگران ۷۰ الی ۱۵۰ تومان میگیرند)

۳- کارخانه پایر:

مبارزات کارگران این کارخانه نه جهت افزایش دستمزد با اعتراض به پرداخت مبالغه گزاف اضا فته حقوق به تعدادی از کارمندان نور چشمی، آغاز گردید و سراسر انجام در اثر فشار کارگران مدیریت دولتی و سندیکی ای فدکارگری کارخانه تصمیم گرفتند تا مبلغی معادل ۴۰٪ و دستمزد کارگران بتساوی به کارگران راندمان بپردازند. این عقب نشینی مسئولان در ضمن با هدف انحراف بقیه در صفحه ۲۶

روش طبقه کارگر نسبت به دمکراسی بورژوازی

روش برخورد طبقه کارگر آگاه نسبت به

"دموکراسی بورژوازی" چیست؟ شناخت ماهیت "دموکراسی بورژوازی" و چگونگی "دموکراسی بورژوازی" با سخوتی به سؤال را بسیار آسان می نماید: در انقلاب دمکراتیک، در مبارزه برای دست - یابی به دمکراسی که هم اکنون در کشور ما با مبارزه ضد امپریالیستی پیوند خورده است، طبقه کارگر از تمام نیروهای که در این مبارزه حیاتی برای دستیابی به جمهوری دمکراتیک خلق، همگام با او قدم برمی دارند حمایت میکند، چرا که بدون این همراهی و حمایت تصور پیروزی نیز غیر ممکن است. دستیابی به جمهوری دمکراتیک خلق، یک گام مهم برای طبقه کارگر در راه رسیدن به سوسیالیسم است، گامی که باید طی شود. در این راه طبقه کارگر و خرده بورژوازی دمکرات دوشا دوش هم می جنگند، چرا که منافع مشترکی درنا بسودی سلطه امپریالیسم، در هم کوبیدن سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق دارند.

سنا، بر این روش روشن است که پرولتاریا از هر اپوزیسیون (مخالفتی) حمایت نمی کند، بلکه ابتدا این سؤال را مطرح می نماید: ماهیت طبقاتی این اپوزیسیون چیست؟ مبارزه وی چه ارتباطی با انقلاب کارگران و زحمتکشان دارد؟ آیا موافق و در جهت این انقلاب حرکت می کند یا در جهت مخالف آن قدم برمی دارد؟ با چنین روش برخورد صحیح، مسئولان مناسبات طبقه کارگر را با دیگر طبقات در انقلاب دمکراتیک و روس برخورد طبقه کارگر نسبت به "دمکراسی بورژوازی" تنظیم نمود.

طبقه کارگر و "دموکراسی بورژوازی":

پرولتاریای آگاه سنا شناخت ماهیت دمکراسی بورژوازی، سنا طبقاتی بودن "دموکراسی بورژوازی" را افشاء میکند و اجازه نمی دهد که بورژوازی با اصول "دموکراسی" دروغین خود زحمتکشان را جلب نماید و آنها را به مسلح سرمایه داری ببرد. در واقع: "لیبرالیها بدینچشم دمکراسی بورژوازی، بلکه چشم حسانت بورژوازی بندمکراسی هستند... بدین ترتیب حسانت اردمکراسی بورژوازی معنای چیرگی و انقراض سنا دمکراسی لیبرالیها است".

پرولتاریا منافع ای را از کارگران بوسه - لیسی) هم اکنون در کشور ما و سرب در برابر سلطه کبوسی، و بعد از انقراض ماهیت ارجحی دمکراسی

مقاله آموزشی

بحثی پیرامون دموکراسی

(قسمت آخر)

نخست: برای پرورش سنا بی توده های طبقه کارگر و شکل هر چه بیشتر آنها در زمانهای مختلف خودشان، از همین زاویه است که کمیونیسستها از کوچکترین امکان تشکیل اجتماعات، تشکیل سندیکاها و... در چنا رجوب فواتین بورژوازی استفاده میکنند، اما هدف این استفاده فقط و فقط به منظور شد آگاهی و مشکل کردن طبقه کارگر و به عبارت دیگر آگاه کردن آن برای هدف نهایی یعنی انقلاب کارگری میباشد.

دوم: کمیونیسستها با استفاده از هر روزنه ای در فواتین بورژوازی سعی میکنند فریب و ریاکاری دمکراسی بورژوازی را به کارگران و زحمتکشان نشان دهند و با بر ملا کردن این واقعیت که دمکراسی بورژوازی، چیزی جز دیکتاتوری پوشیده و ریاکاری را نه بر علیه کارگران و زحمتکشان نیست توهمن آگاهی را نسبت به تبلیغات توخالی بورژوازی در تجربه خودشان بر طرف سازند. از همین روست که هنگامیکه توده های کارگر هموزی به ما هیت - واقعی مجلس (پارلمان) بورژوازی نبرده اند و سادگی و از روی نا آگاهی جسم امیدیدان اندوخته شده، کمیونیسستها با شرکت در آن (پارلمان) سعی میکنند در عمل بد توده ها نشان دهند که پارلمان جز برای سرگرم کردن بوده است و سنا رسته نیست و سربری و آزادی مورد ادعای بورژوازی فقط در حرف بوده و هیچگاه در عمل شامل کارگران و زحمتکشان نمی گردد. بدین ترتیب بهره گیری از کوچکترین روزنه و امکانات در دمکراسی بورژوازی برای طبقه کارگر و سنا بندگانه آگاهان یعنی کمیونیسستها مقوله ای نا کتیکسی است و در خدمت اسرازی آن یعنی نا بسودی مائین دولتی بورژوازی و اسفرا ردمکراسی کارگری میباشد.

سنا بر این هر گونه ای جسم دو خن، دمکراسی کامذا به بورژوازی، هر گونه بهره گیری از دمکراسی بورژوازی که در خدمت افشاء آن نباشد، بلکه در تاید و بیست سنا بی از آن صورت کیسرد، جز فریب طبقه کارگر نخواهد بود. برای هر کارگر آگاه، استفاده از دمکراسی بورژوازی هیچگاه به معنای حمایت از بورژوازی نخواهد بود و سنا روست و بیست سنا هسد که سنا دمکراسی بورژوازی ندارد و به سنا کسکی بلکه از زاویه دفاع و حمایت از حاکمیت بورژوازی مستگیر (به این نسله بعدا خواهد رسید)

البته خرده بورژوازی که سنا سنا گیری خود همیشه جسم به دمکراسی بورژوازی دوخته است، خیلی

کاذب بورژوازی با برجستگی بیشتری در مقابل طبقه کارگر آگاه قرار گرفته است. جنبش انقلابی زحمتکشان مبین ما اکنون نا بودی سرمایه داری و بیسترا، که عامل سما می نفرو فلاکت توده ها است، طلب میکند. امواج جنبش کارگران و زحمتکشان که از تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی، به جان آمده اند، هر روز بیشتر گسترش یافته و حیوات سرمایه داری وابسته را مسورد تهدید جدی قرار میدهد. در چنین شرایطی بورژوازی لیبرال ارجحی از کم و وجتاح حزب از سوی دیگر میکوشند تا توده های زحمتکشان را بدینال خود روان سازند و با انقلاب راد ر زنجیر منافع خود به سنا بندگانه جال و وظیفه کمیونیسستها به سنا به سنا بندگان آگاه طبقه کارگر چیست؟ افشای ماهیت ارجحی هر دو بخش از بورژوازی سنا سنا بندن ماهیت "دموکراسی" بورژوازی لیبرال ریاکاری رونرا خواندن توده های زحمتکشان به راه انقلاب دمکراتیک و رسیدن امپریالیستی، یعنی سنا راهی که سربورژوازی کارگران و زحمتکشان را نا سنا بند میکند. سنا زمان ما در کتا سنا سنا سنا سنا، برای تحقق این امر مقدس بیگنا رمیکند. سنا زمان ما علم عم قنار و حسیا نه حکومت بورژوازی، به بردن آگاهی در میان کارگران و زحمتکشان می برد و از جهرد دشمنان توده را در هر لحاظی به آنا ن بیست سنا بند. چرا که ایما ن دارد، راه سربورژوازی انقلاب از آگاهی کارگران زحمتکشان، میکذرد. چرا که ایما ن دارد، بدون طبقه کارگر آگاه، سنا زمان با سنا بند و مشکل، سنا ای نا بودی سرمایه داری سنا توانده سنا بند.

آیا طبقه کارگر از دمکراسی بورژوازی

استفاده می کند؟ ما ر کسیم - لیستیم علم انقلاب طبقه کارگر با تحلیل جامع نظام سرمایه داری، هر گونه توهمن از راه املاج و سنا سنا بند دولتی بورژوازی به دستکاه دولت سوسالیستی ردوده است و سنا بند، سنا سنا سنا بودی سرمایه داری بحزبان سنا سنا سنا دولتی آن که سنا سنا سنا سرمایه است امکان نا باید سنا بند. اما این اصل سنا سنا سنا به هیچ وجه بدان معنا نیست که طبقه کارگر از امکانات بسیار محدود و جزئی دمکراسی بورژوازی استفاده نمی کند. این استفاده و جزئی سنا سنا سنا است؟ کمیونیسستها یعنی سنا بندگان آگاه طبقه کارگر از دور و زاویه سنا سنا استفاده ای را مسورد نوجده را میدهد.



سریخ فریب رباکاری و وعده‌های فریبکارانه لیبرالیسم بورژوازی را میخورد و به امید دست یافتن به مطالبات خود در همان مجامع و منا سبات بورژوازی بدنیا ل بورژوازی روا ن میکردد.

طبقه کارگر و دمکراتیسم نایبگیر:

دربخشهای پیشین بیان کردیم که خرده - بورژوازی دمکرات در راه انقلاب فدا مینویالیستی و دمکراتیک دوشادوش طبقه کارگر است. و نیز خواهان پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک است. اما مسئله به همینجا خاتمه نمی پذیرد. جمهوری دمکراتیک خلق برای طبقه کارگر امکان گذار از آن را نه به سوسیالیسم است.

اما دهقانان در جمهوری دمکراتیک خلق به زمین، ابزار آزادی که تمام آرزوهای آنان را تشکیل میدهد میروند. بنا بر این "می باید تمام طبقات عمیق موجود میان دهقانان و کارگران روسیه (و در اینجا ایران) این تمایز محونا شدنی در چهار چوب جامعه سرمایه داری این تمایز محونا شدنی در چهار چوب سلطه با زار را بروشنی بازشناسیم. نباید نقاط تلاقی و منافع آنان را در حال حاضر را بروشنی بساز شناسیم. باید هر یک از این دو طبقه را متحمس سازیم. نیروهای راستگرا استکام بخشیم. آگامی سیاسی اش را ریشه و طبقه مشترک هر دو را تعریف کنیم. (۳) هرگاه این تمایز سیاسی در نظر گرفته نشود، مرکز نمیتوان از وضعیت موجود نیروهای طبقاتی در عرصه جامعه و نقش و جایگاه آنان در انقلاب، ارزیابی صحیحی به عمل آورد و در نتیجه تعیین استراتژی و تاکتیک صحیح برای دست یافتن به پیروزی انقلاب غیر ممکن میگردد.

با درک جایگاه هر یک از طبقات در انقلاب دمکراتیک و دامنه و درجه دمکراتیسم آنان به خوبی مفهوم میگردد که برای تریای جمهوری دمکراتیک خلق، میباید کلیه اقشار و طبقات خلقی و دمکرات در کنار یکدیگر بچنگند. اما شرط پیروزی در این مبارزه آن است که پیگیرترین نیرو رهبری را بعهده گیرد. چرا که در غیر این صورت با افتادن رهبری بدست نیروهای متزلزل و ناپیگیر، انقلاب دمکراتیک فدا میریالیستی به پیروزی نخواهد رسید. این حکم تاریخ است.

کسب هژمونی و رهبری پیگیرترین نیرو چگونه تحقق می پذیرد؟

بنا شکل طبقاتی مستقل پرولتاریا، حمایت تنها دمکراتهای واقعا پیگیر (پرولتاریا) از دمکراتهای ناپیگیر. اما حمایت پرولتاریا

(۳) - با شویم و منشویسم در انقلاب دمکراتیک

از دمکراتهای ناپیگیر، پشتیبانی بورژوا - ما با نه نیست. از دیدگاه بورژوازی، حمایت نیست یعنی "برسمیت شناختن طرف متقابل و معنسی واقعی آن، این است که هر دو طرف بطور "سیاست - مدارانه" یکدیگر را برسمیت شناخته و از خطاهای هم چشم پوشی نمایند. اما پرولتاریا - انقلابی چنین عمل نمی کند. طبقه کارگر آگاه تا آنجا از خرده بورژوازی دفاع نمیکند که انقلابی، دمکرات و ستیزه جوست. اما آنجا که سازشکار است، پرولتاریا او را افشا میکند. چرا که طبقه کارگر هیچگونه آرزوی "اشتی با سرمایه - داری" را در سر ندارد.

"قطب یک دلال خرده بورژوا میتواند هژمونی را بصورت یک سازش، یک برسمیت شناختن متقابل و یا بعنوان شرایط توافق در خسرف تصور کند. از دیدگاه پرولتری هژمونی در نبرد با کسی است که از همه فعا لانه تر بچنگد. که هیچ فرصتی را برای وارد آوردن ضربه به دشمن از دست ندهد. که همیشه گفته را با عمل منطبق کند و نتیجتا رهبرای دژولوزیک نیروهای دمکرات باشد. و هر نوع دشمنی نیم بند را انتقاد نماید. (۳)

انتقاد از هرگونه دشمنی نیم بند، حمایت از هرگونه مبارزه انقلابی بر علیه ارتجاع حاکم، این است سیاست انقلابی طبقه کارگر در مقابل دمکراتیسم ناپیگیر خرده بورژوازی. این است تنها راه کسب هژمونی طبقه کارگر و پیروزی انقلاب دمکراتیک.

شرایط کنونی جامعه ما نیز حقا نیت این حکم در خان لنین را به اثبات میرساند: هم - اکنون مجاهدین خلق، نمیتوان برجسته ترین نماینده دمکراتیسم خرده بورژوازی، راه سازش با بورژوازی لیبرال را در پیش گرفته اند. این انقلابیون با حمایت آشکار و ضمنی - خود از بورژوا لیبرالها، در حقیقت در چشم نهاده وسیع زحمتکشان خاک می پاشند و توده ها را از انقلاب منحرف میکنند. هرگاه چنین سیاستی گذاشته یا بد، به انقلاب صدمات جدی وارد خواهد شد و منافع کارگران و زحمتکشان زینهای مهمی خواهد دید. حال در چنین شرایطی سیاست طبقه کارگر آگاه و کمونیستها که نمایندگانشند، مبارزه سرسختانه با این سیاست بغایت انحرافی "مجا هدین خلق" و در عین حال حمایت از هرگونه مبارزه انقلابی آنان بر علیه ارتجاع حاکم، میباید. هر نیروی کمونیست که چنین سیاستی را رها کند، به "منافع لحظه ای" توافق های مقطعی با این دمکراتهای انقلابی بچسبند و خاطر حفظ این "منافع"، ضررهای بی حد چینی سیاستی را تا دیده بگیرد، آنها را بتا در راه تسلیم هژمونی انقلاب دمکراتیک به بورژوازی و شکست انقلاب کام زده است.

(۳) - در باره جنبش مستقل کارگری در آمریکا
دمکراتیک - لنین

به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- چرا طبقه کارگر از ره "اپوزیسیون" حمایت نمی کند؟
- ۲- برخورد طبقه کارگر به دمکراتیسم کسب بورژوازی چگونه است؟
- ۳- طبقه کارگر با دمکراتیسم ناپیگیر برخورد بورژوازی چگونه برخورد میکند؟ مشخصات این برخورد را شرح دهید و راه آن را با کسب رهبری پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک بحث کنید.

رویز یونیسم مدرن و دموکراسی

برخورد رویز یونیسم به دمکراسی بر پایه "جد کردن اقتصاد از سیاست" بنا شده است. بر اساس این تز انحرافی است که رویز یونیستها "دمکراسی" را از زیر بنای اقتصادی آن جدا می - سازند و بر این پایه نظریات خا شنانه "شش طبقه" را طرح می نمایند. حول این محاورات که رویز یونیستها رنگارنگ به تبلیغ نظریات انحرافی خود می پروازند و اپورتونیت - و از ازمادای پارلمانتاریسم و لیبرالیسم به مجیز گوئی سرکوبگری و عملکردهای فاشیستی روی می آورند. تا بدین سخن در وهله اول عجیب و متنقض بنظر برسد اما بررسی بر خورده رویز یونیستها به مقوله "دمکراسی" این مسئله را روشن می سازد.

رویز یونیستها ی خروشچنی مسئله "دموکراسی":

اولین تردستی که رویز یونیستها به دست می زنند نظریات بورژوازی خود را به جای ما رکسیسم قالب نمایند، مخدوش کننردن مفهوم دوران است. رویز یونیستها در مفهوم لنینی دوران دست میبرند و چنین تبلیغ می - نمایند که گویا در دوران کنونی سرمایه داری که مراحل آخر عمر خود را طی میکند، با توجه به قوت گرفتن سوسیالیسم، پرولتاریا میتواند بورژوازی را از راههای مسالمت آمیز و با استفاده از تجربه های دمکراسی بورژوازی به زیر کشد و نظام سوسیالیستی را برقرار سازد.

رویز یونیستها میگویند: "طبقه کارگر باید کرده آوردن دهقانان زحمتکش، روشنفکران و تمام قشرهای میهن پرست بگرد خویش و بنا وارد نمودن ضربه ای قطعی به عناصر اپورتونیت که قادر نیستند از سیاست سازش با سرمایه داران و ما لکین بزرگ ارضی دست بکشند، میتوانند نیروهای ارتجاعی و ضد خلق را شکست دهد و اکثریت محکمی در پارلمان بدست آورد" و "تحصیل اکثریت در پارلمان و تغییر پارلمان به ارگان قدرت توده ای، همرا با یک جنبش انقلابی نیرومند در کشور، به معنای شکستن دستگاه نظامی و بوروکراتیک بورژوازی و به معنی ایجاد رژیم جدید دولت سوسیالیستی و پرولتاریائی است که دارای شکل پارلمانسی

←

میباشد (گزارش خروشچف به کنگره ۲۰)
 در اینجا با چند تحریف اساسی روبرو هستیم:
 اولین و مهمترین تحریف رویزیونیستی در این نظریات، مسخ کردن مفهوم لنینی "دوران" است. لنین در برخورد به عصر امپریالیسم تا کید میکند که: "رو ساخت سیاسی ای که این اقتصاد جدید - سرما به داری انحصاری (امپریالیسم - سرما به داری انحصاری است) را در بر می - گیرد، عبارت است از چرخش از دمکراسی به ارتجاع سیاسی" (وما در این باره به بیشتر بنسخن گفته ایم). اما رویزیونیستها با مطلق "دمکراسی بورژوازی" در عصر امپریالیسم را که چیزی جز روستا و سیاست سیاسی اقتصاد امپریالیستی نمی تواند باشد، از پایه های اقتصاد آن جدا نموده و به عنوان "بازار دمکراتیک" که به کار انقلاب کارگری می آید، توصیف می نمایند.

دوم آنکه رویزیونیستها ی خروشچفی علاوه بر آن بیش ما هیت دمکراسی بورژوازی، پساً را فراتر گذا رده و دمکراسی کارگری را نیز منطبق با "دمکراسی پارلمانی بورژوازی" میکنند. بدینگونه رویزیونیستها اعلام میدارند که داغان کردن "ما شین دولتی بورژوازی" برای طبقه کارگر ضرورتی ندارد. بلکه پرولتاریا میتواند این ماشین را تصرف نموده و از طریق آن دمکراسی کارگری را مستقر سازد.
 سوم آنکه رویزیونیستها با مطرح نمودن انقلاب ممالمت آمیز از طریق استفاده از "دمکراسی بورژوازی" در واقع انقلاب قهرآمیز طبقه کارگر را نفی می نمایند و به این وسیله بورژوازی را از زیر ضربات انقلاب کارگری خارج نموده و چاگری نسبت به سرما به داریان را به کمال میرسانند.

رویزیونیستها ی خروشچفی از تحریف مفهوم لنینی دوران و جدا نمودن سیاست از اقتصاد، نتایج دیگری نیز بدست می آورند و تزهای خا شنا نه دیگری را نیز که عمدتاً در رابطه با انقلابات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای تحت سلطه امپریالیسم است، مطرح میبازند. این نظریات انحرافی در بنده بندی "راه رشد غیر سرما به داری" عرضه گشته است. این تز ارتجاعی - امپریالیستی بر پایه امکان رشد آزاد و مستقل سرما به داری در کشورهای امپریالیسم استوار است. تنها می آموزشهای لنین بهمان میدانید که رشد آزاد و مستقل سرما به داری در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم استوار است. اما رویزیونیستها به مسخ این آموزشها دست میزنند و چنین تبلیغ میکنند که در جوامع تحت سلطه امپریالیسم اقتصاد تحت رهبری بورژوا دمکراتیکها میتواند در مسیر رشد آزاد و مستقل سرما به داری و حتی به سوی "سوسیالیسم سمت گیری کند!"
 دامنه تحریفات ارتجاعی رویزیونیستها در آموزشهای لنینی به نقش طبقات در دورانیها

مختلف تاریخی نیز کشیده میشود. رویزیونیست ها در عصر امپریالیسم، در دوران پسویدگسی سرما به داری و به پایان رسیدن نقش انقلابی بورژوازی، به بنی رهبری طبقه کارگر در انقلابات "بورژوا دمکراتیک" میپردازند و در رهبری نیروهای سازشکار رونا پیگیری بورژوازی را جایگزین آن می نمایند.

لنین در مقاله "بزرگترین دروغین" شیوه برخورد ما رگسیتی به نقش طبقات در دورانیها ی تاریخی را چنین بیان میکند:
 "مانیتو و انیمیدانیم که جنبش های مختلف تاریخی در یک عصر معین تاریخی با چه سرعتی و با چه درجه ای از موفقیت تکامل می یابد، اما می توانیم بدانیم و میدانیم که کدام طبقه در این با آن عصر قرار گرفته، محتوای عمده و راستای اصلی تکامل آن را و مشخصات عمده وضعیت تاریخی آن عصر و غیره را تعیین میکنند. تنها برای این پایه، یعنی در درجه اول با بحساب آوردن ویژگیهای مشخصه بنیادین "عصرهای" مختلف و (ونسه اتفاقات متفرقه در تاریخ کشورهای معین) است که میتوانیم تا کتیک هایمان را به درستی توسعه دهیم، تنها شناخت ویژگیهای اساسی یک عصر معین، میتوانیم بنیاد درک ویژگیهای خاص این با آن کشور قرار گیرد!"
 بر پایه چنین روش برخوردی است که لنینیسم با آغاز دوران امپریالیسم، خاتمه نقش مترقی بورژوازی را همراه با پسویدگسی اقتصادی آن اعلام میدارد و با تحلیل مشخص اقتصادی - اجتماعی، نشان میدهد که طبقه دوران ساز عصر امپریالیسم پرولتاریا است، تنها طبقه ای که رهبری آن بر انقلابات این دوران میتواند نداشته من پیروزی انقلاب باشد.

اما رویزیونیستها با تحریف مفهوم دوران، این حکم لنینی را نیز نفی میکنند و رهبری "بورژوا دمکراتیک" را جایگزین نقش رهبری پرولتاریا می نمایند. البته با ید در اینجا اشاره نمائیم که رویزیونیستها برای بهمافتن این نظریات ارتجاعی از تزاریف و زونه و بی پایه ای چون "ردوگا سوسیالیسم به مثابه طبقه کارگر" که "استفاده میکنند و در حقیقت با یک چشم بندی، خا شنا نه، جای طبقه کارگر در کشور را با سوسیال امپریالیسم شوروی معاوضه می نمایند. با این ترتیب تز ارتجاعی "راه رشد غیر سرما به داری" پوشی برای تماللات انقیاد طلبانه امپریالیسم شوروی میگردد.

در نظریه "راه رشد غیر سرما به داری"، لزوم تأمین رهبری طبقه کارگر و برقراری "دمکراسی نوین" یعنی "جمهوری دمکراتیک خلق" که کامی است در راه رسیدن به سوسیالیسم، نفی میشود و چنین وانمود میگردد که گویا دستپا بی "دمکراسی اقتصادی" یعنی "هگمانی شدن"، "باز بردن" و "عمومی شدن ثروت و مالکیت و برقراری سوسیالیسم در جوامع تحت سلطه

امپریالیسم بدون وجود و برقراری "دمکراسی خلقی" رهبری طبقه کارگر، امکان پذیر میباشد. نقطه اتکا رویزیونیستها در این نظریات انحرافی، رشد آزاد و مستقل نیروهای مولده در تحت رهبری نیروهای "دمکرات" است. از نقطه نظر ما رگسیم در اینجا، این پرسش مطرح میگردد که: رشد نیروهای مولده تحت رهبری و هدایت چه سیاستی صورت میگردد؟ رهبری کدام طبقه میتواند در عصر امپریالیسم این رشد را جدا از سلطه امپریالیسم تأمین نماید؟ تمامی بحثهای پیشین پاسخ این پرسشها را به ما آموخت. تحقق رشد مستقل نیروهای مولده و دستگیری بسوی سوسیالیسم، جز با تأبوی سرما به داری و بسته امکان ندارد و رهبری چنین سیاستی را تنها پیگیریترین نیروی ضد سرما به داری، یعنی طبقه کارگر میتواند تدبیر کند.

اما رویزیونیستها که ذات سیاست شان تحریف ما رگسیم لنینیسم بهمان صورت است که برای بورژوازی پذیرفتنی باشد، این امکان را در تحت رهبری نیروهای "بورژوا - دمکرات" نیز مطرح میسازند و تبلیغ میکنند تا راه را برای بقای سلطه بورژوازی هموار سازند.

جدا کردن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی:

رویزیونیستها با پیروی از تز انحرافی "جدا شی اقتصاد از سیاست" و تکیه بر اصطلاح "رشد نیروهای مولده"، مبارزه برای نابودی ممالیات سرما به داری و بسته و سلطه امپریالیسم را از مبارزه برای دمکراسی جدا میسازند. رویزیونیستها بر این واقعیت پره می اندازند که راه استقرار "دمکراسی اقتصادی" از طریق برقراری "دمکراسی سیاسی واقعی" میگردد. رشد مستقل نیروهای مولده و دستگیری به سوی سوسیالیسم تنها آن زمان میسر خواهد شد که رهبری سیاست طبقه ای که خواهان چنین ممالیاتی میباشد بتواند پیاده نمودن آن را در برابر اقتصاد اعمال کرده. ابتدا کارگران و زحمتکشان میباید طبقات ارتجاعی را سرنگون سازند، ماشین دولت سرما به داری و بسته را داغان کنند، دمکراسی شورایی خلقی را برپا دارند و آنگاه اقتصاد مستقل و قطع دست امپریالیسم میتواند صورت واقعیت بخشد. این است تنها مسیر ممکن. اما راه رویزیونیسم، راه خدمت به بورژوازی است و رویزیونیستها در این مسیر آقدر به پیش میآزند که به دست و پا "مبارزات ضد امپریالیستی، دولت انقلابی" که با مطلق تحت رهبری "خرده بورژوازی دمکرات" حرکت میکند، جواز سرکوب انقلاب نوده ها را صادر میکنند و مداح حرکات فاشیستی، حاکمیت می شوند. این سیاست خا شنا نه ای است که رویزیونیستها در تمام اینگونه جوامع (مصر، عراق، سوریه و...) به پیش برده اند و هم اکنون رویزیونیستها ی وطنی (حزب توده و اکثریتی هسا)

مشغول بپا ده کردن آن میباشد: تبلیغ سازش طبقاتی، گشاییدن جنبش دمکراتیک و فساد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان به مسلح سرما به داری.

”دمکراسی عام“: تهی کردن محتوای طبقاتی دمکراسی:

رویزونیستهای میهنپرستانه دمکراسی بورژوازی را که در تجربه طبقه کارگر بر ملا شده، بیپوشا ننهادند و آنرا آرایش کنند. آنان طبقاتی بودن دمکراسی را میپوشا ننهادند و ادعا میکنند که میتوان ”دمکراسی خالص“ یا ”دمکراسی عام“ وجود داده شده است.

لنین در این باره میگوید: ”اگر فکر سلیم و تاریخی را مورد تمسخر قرار ندهیم، آنگاه روشن است که تا زمانیکه طبقات گوناگون وجود دارند، نمی توان از ”دمکراسی خالص“ سخن به میان آورد. بلکه فقط میتوان از دمکراسی طبقاتی سخن گفت. (انقلاب پرولتری و کاتولیکسی مرتد - لنین)

آری به گفته این رهبر کبیر طبقه کارگر، برای هر ما رکیست مسئله میتوان ند فقط به این شکل مطرح شود که دمکراسی برای چه طبقه ای؟ اما رویزونیستها که هدفی به جز جاکبری بورژوازی ندارند مضمون طبقاتی دمکراسی بورژوازی را آرایش میدهند و وی آن را میپوشا میکنند. آنان که بیش از هر چیز از اعمال قهر و وحشت دارند، ادعا میکنند که ما همیشه طرفدار دموکراسی هستیم، اما نمی گویند کدام دمکراسی و دمکراسی برای چه طبقه ای؟ ما قبلا دیدیم که رویزونیستها (از جمله خروشف) چگونه بسا پوشاندن ماهیت سرکوبگرانه دمکراسی

بورژوازی، کارگران و زحمتکشان را دعوت می کنند که بجای بیکار بردن زور و قهر انقلابی، از طریق شرکت در پارلمان قدرت را بدست گیرند. نمونه دیگر چنین زیاکاری رذیلانه ای را میتوان در ترز ”دمکراسی تمام خلقی“ خروشف دید. در گذشته رویزونیستی خروشف هنگامی که بر حزب و دولت شوروی سلطه پیدا کردند برای اینکه اندیشه دیکتاتوری پرولتاریا را از ذهن طبقه کارگر خارج کنند و حاکمیت بورژوازی جدید شوروی را بر حزب و دولت آن بیپوشا کنند، مدعی شدند که چون به اصطلاح تضاد طبقاتی وجود ندارد و شوروی به دمکراسی کارگری نیست و دمکراسی تمام خلق جایگزین آن میگردد. در صورتیکه دمکراسی کارگری عالی ترین و دمکراتیک ترین نوع دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان است و تا زه برخلاف ادعای آنان با از بین رفتن طبقات و گذار به جامعه کمونیستی دولت و دمکراسی زوال مییابد و ضرورت خویش

را از دست میدهد. اما ادعای رویزونیستهای خروشفی نه بخاطر محو شدن تضاد طبقاتی - امزی که فقط در کمونیسم امکان پذیر است - بلکه برای پوشاندن و بزرگ کردن سلطه بورژوازی شوروی و از بین رفتن دمکراسی کارگری بسا دیکتاتوری پرولتاریا میباشد.

رویزونیستهای خائض سه جهانی و دمکراسی:

رویزونیستهای ورشکسته جهانی بسا عمده کردن خطر سوسیال امپریالیسم شوروی، به تبلیغ اتحاد با امپریالیستهای ”جهان دوم“ و امپریالیسم آمریکا می پردازند. سیاستی که از این لجنزار تغذیه میکند، بدان جا میرسد که این رویزونیستها به حمایت از بورژوازی خود، به دفاع از لیبرالیسم میان پوسیده بورژوازی برمیگزینند و این لیبرالیسم را ”دمکراسی انقلابی“ قلمداد میکنند. دفاع حزب ورشکسته رنجبران از بازرگان ها و بنی مدرها، انعکاس چنین سیاست ارتجاعی است. رویزونیستهای سه جهانی با حرکت از چنین دیدگاهی، خواهان برقراری ”دمکراسی بورژوازی“ برهبری بورژوازی لیبرالها میباشد. دولتی که بتواتر در پیوستگی با امپریالیسم آمریکا، خطر سوسیال امپریالیسم شوروی را دفع کند! این است ماهیت اهداف خائضانه رویزونیستهای سه جهانی که در قالب شعارهای ”فدا شداید“ و ”دمکرات ما با نه“ عرضه میگردد. این است مضمون مطالبات ”دمکراتیک“ این رویزونیستهای مرتد.

آنچه که همچون خط مستقیمی در این نظریات انحرافی نمودار است، جدا نمودن مبارزه برای دمکراسی از مبارزه ضد امپریالیسم است. خط مشی ای که انقلاب دمکراتیک را تا حد خواستها و منافع ارتجاعی بورژوازی لیبرال تقلیل میدهد، خط مشی ای که منطبق بر ذات سیاست رویزونیسم است: تقلیل انقلاب تا حد خواستهای بورژوازی.

نتیجه گیری می کنیم:

- ۱- رویزونیسم مدرن ”دمکراسی“ را از پایه های اقتصادی آن جدا میسازد.
- ۲- رویزونیسم مدرن مبارزه بسرای دمکراسی را از مبارزه ضد امپریالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه ضد سرمایه داری جدا میکند.
- ۳- در نتیجه رویزونیسم مدرن به تطهیر ”دمکراسی بورژوازی“ و مداحی سرکوبگری بورژوازی میپردازد.
- ۴- رویزونیستها برای پوشاندن ماهیت واقعی دمکراسی بورژوازی، محتوای طبقاتی دمکراسی را مخفی میدارند و از ”دمکراسی عام“ و ”دمکراسی خالص“ دم میزنند.

به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- چرا رویزونیستهای مدرن خروشفی بسا

تخریب مفهوم لنینی دوران میزنند؟ ارتباط این تخریفات را با برخورد رویزونیستی به دمکراسی بحث نمائید.

۲- چگونه رویزونیستها مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دمکراسی جدا میکنند؟ چرا این سیاست را در پیش میگیرند؟

۳- مختصات اساسی برخورد رویزونیستهای مدرن به مقوله دمکراسی چیست؟

۴- وجه مشترک میان سیاست و برخورد رویزونیستهای مدرن خروشفی و سه جهانی در برخورد به مسئله ”دمکراسی“ چیست؟ چگونه و چگونه؟

منابع مطالعه:

برای مطالعه عمیق تر در زمینه ”دمکراسی“ و دمکراسیسم طبقاتی مختلف میتوانند به منابع بسع زیر مراجعه نمائید:

۱- ”انقلاب پرولتری و کاتولیکسی مرتد“ بخش های ۳ و ۴، شامل مباحث: چگونه کاتولیکسی مارکس را به یک لیبرال متعاری تبدیل کرده است، دمکراسی بورژوازی و دمکراسی پرولتری و آیا بین استشمارکننده و استشمارشونده می توانند بری وجود داشته باشد؟

۲- ”دولت و انقلاب“ فصل اول - فصل سوم - فصل چهارم (مباحث ۶ و ۷): پیش گفتار سال ۱۸۹۱ برای کتاب ”جنگ داخلی“ مارکس و گفتار انگلس در باره فاشیسم آلمانی و دمکراسی، فصل پنجم (مباحث ۲ و ۳) طرح مسئله توسط مارکس و گذار از سرما به داری به کمونیسم.

۳- ”چهار مقاله در باره پرولتاریا، بورژوازی و انقلاب دمکراتیک“ - لنین از انتشارات سلطان زاده - شماره ۱ مقاله پرولتاریا و دهقانان

۴- ”بلشویسم و منشویسم در انقلاب دمکراتیک“ لنین مقاله (ترودونیک ها و دمکراسی کارگری) (پایان)

تصحیح و پیوش:

در بیکار شماره ۱۰۴ صفحه ۹ خبری تحت عنوان ”رژیم بیکاری از انقلابیون کرد را در بندر عباس اعدام کرد“ داشتیم که از ”بیکار“ نقل شده بود که در شماره ۲ این نشریه، اانتساب قرداد اعدام شده به کولمه و انقلابی بودن وی تکذیب شده بود بدینوسیله ضمن پیوش از خوانندگان بیکار با رد بیکار از نقای نشریه ”بیکار“ و سایر هوا داران موکدا میخواستیم که در انتشار و بیکار ارسال اخباری از این دست برای درج در بیکار دقت و تحقیق کافی ممدول دارند.

در بیکار ۱۰۴، اساسی کارگران بیکار شهید در پیوش با ساداران به تصحیح کارگران بیکار در سال ۵۸ به اشتباه آمده است. دو کارگر ذکر شده به حبس های طولانی مدت محکوم شده اند که به اشتباه اساسی آنها را به عنوان اعدای آورده ایم

نامه خانواده های زندانیان انقلابی در مورد :

پورش و حشپانه پاسداران به زنان انقلابی زندانی

هم میهنان مبارزان!

روزه ۵ شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ طبق معمول به ملاقات فرزندان دربندمان رفتیم. از مسئولین زندان اوین ملاقات خواستیم که با مخالفت آنها روبرو شدیم. بعد از اینکه این دروآن در زدیم، بالاخره موفق شدیم یکی از مادران را برای ملاقات فرزندش بداخل زندان بفرستیم. بعد از اینکه ملاقات کرد و بیرون آمد، بما گفت که هفته پیش (روز ۱۲ اردیبهشت) مسئولین زندان اسامی چهارتن از فرزندان ما را از لیست گو میخوانند که این افراد هرچه زودتر به دفتر زندان بروند، ما فرزندان ما که از نقشه پلید آنها آگاه شده بودیم ز رفتن خودداری نمیکند و به همین دلیل رئیس گروه ضربت با خشم وارد بند عمومی زنان میشود و خطاب به فرزندان ما میگوید: "یا این چها رفتی بیدیا بیدیا اینکه بدگریه تان خواهم انداخت". بچه ها همگی با هم بلند میشوند و اجازه نمیدهند که ۴ نفر را پاسداران با خود ببرند. پاسداران که از این اعتراض ناراحت

شده بودند، میروند و ۴ نفر از مزدوران خود را به بند عمومی زنان می آورند و به جان فرزندان ما می افتند و حسابی آنها را میزنند. بطوریکه دو نفر متشنج میشوند، یک نفر به خونریزی میافتد و بقیه تمام بدنشان کبود میشود. و پاسداران هم ۴ نفر را به زور با خود میبرند که تا کنون از سر نوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

هموطنان مبارزان!

امروز فرزندان ما تحت سخت ترین شرایط بسر می برند. شگنجه هنوز ادامه دارد. فرزندان ما که جز حقیقت چیزی نمی گویند هر روز و هر لحظه مورد ضرب و شتم مسئولین زندان هستند. ما از تما می هموطنان مبارز میخواهیم که نسبت به این خبر عکس العمل نشان بدهند و از ما و فرزندان دربندمان که در زندانهای رژیم مغربلوی را شکست ایم حمایت کنند.

با تشکر فراوان: عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی

رونوشت به روزنامه های مجاهد، کار، پیکار

ملاحظات کوتاه

توبدم، بمیر و بدم!

میدانیم که این رژیم بر اساس ماهیت سرما به دارانش راهی جز رفتن به سوی وابستگی هر چه بیشتر به امپریالیسم ندارد. ما از "بخت بد" این سرنوشت ناگزیر، در جامعه انقلابی ماچدان بی درد سر هم نیست و باید بارنگ و لعاب و شعارهای ندا میریالیستی و "فحش و بدویرا" به شرق و غرب و غره و مهمتراز همه سرکوب کمونیستها و انقلابیون آنرا بپوشاند. این حقیقت را کمونیستها و انقلابیون از همان فردای قیام بهمین گفتند و فریاد کردند و حالا روز بروز در جریان عمل این حقیقت برتوده ها روشن تر میشود.

در حالیکه رژیم اینقدر "گرد و خاک ضد امپریالیستی" راه میاندازد اقتصاد کشور را بر خلاف آنچه که توده های انقلاب کننده انتظار داشتند، روز بروز بیشتر بدان وابستگی به امپریالیسم در می غلطاند.

از قضا بای خریدار سلحه و کتدم و خیلی چیزهای دیگر که بگذریم و با از موضوع ۱۱ میلیارد دلار بولهای ایران که به با تکیهای خارجی تقدیم شد صرف نظر کنیم این قضیه ۱ میلیارد دلار استرالیایی برای مونتازا و تومسیل بیگان که معادل (۱۷ میلیارد تومان - ۱۷۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان!) میشود بدجوری مج رژیم را باز کرده است.

اول آقای بهشتی جا سوسان انگلیسی را که اینقدر سرور صد روی آنها شده بود ازاد کرد البته این قضیه از اول، مثل چاه حاج میرزا آقاسی اگر آبی برای مردم نداشت برای حزب جمهوری خیلی نان سیاسی داشت ولی بهر حال بهشتی و شرکا آنها را "ول" کردند تا بتوانند قرار دادی با انگلیس ها ببندند که اگر شاه هم زنده بود پیش این آقایان "ایوالله" میا وردو "لنگ میاید اخت" در حیص و بیص بستن همین قرار داد با انگلیسها سفیر انگلیس باها نمی رفتنجا نی ملاقاتی داشت. هاشمی، "برای خالی نبودن عریضه" گله کرده بود که موضع شما در جریان گروگان گیری آمریکا شی خوب نبود ولی سفیر رو با هفت انگلیس با تکی که "بنظر کردن عاقل اندر سفیه" شبا هت داشته میگوید: "آنها گذشته است، فکر آینده با شید" (عین خبر تلویزیون) بدین ترتیب است که امپریالیستها در حالیکه دست رژیم به سویشان در از است و کوششان فحش می شنود به زبان حال، همان چیزی را به سر مایه داران ایرانی حاکم میکنند که استاد آهنگری به شاکرد "تق تقوی خود می گفت: میگویند شاکرد آهنگری در کوره میدمد و میگوید "غرولند" میگرد و نصیحت آهنگر به جانی نمیرسد نا گرد گفت اگر میخواهی در کوره بدمم با بسند غرولند مرا گوش کنی" "اوستا" که منافع خود را میخواست گفت "توبدم بمیر و بدم!"



مردم زحمتکش ما جاسوس نیستند!

کارگران، زحمتکشان و هم میهنان انقلابی

اوگیری فزاینده مبارزات توده ها که در گوشه و کنار میهن ما بصورت های مختلف از راه بیماشی ها، بحث های افشاگرانه خیابانی، تحمن ها، ... تا تظاهرات و اعتصابات کارگری و ... بروز می یابد، رژیم جمهوری اسلامی را آنچنان بوحشت انداخته که در کنار سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام کمونیست ها و دیگر انقلابیون، به انواع توطئه ها و دسیسه های دیگر نیز دست میزند تا بخال خود با مواج خروشان مبارزات توده ها مقابل نماید. در اجرای همین سیاست ضد مردمی، اخیرا اطلاعاتی از سوی "دادگاه" تخلفات جرائم زمان جنگ "انتشار یافته که در آن سردمداران رژیم بخا طرنا توانی و درماندگی خود در برابر طوفان خشم توده ها، کوش کرده اند تا بدیا فریب مردم زحمتکش آنها را به جا سوسی علیه کمونیست ها و انقلابیون وادارند، در این اطلاعیه آمده است:

شایعه پراکنی و آفات به مسئولین مملکت و تضعیف نظام جمهوری اسلامی علاوه بر جرائم سنگین، کارنامه های نشان لغو و نام آنها از جدول اسامی رانندگان متعهد تهران خارج خواهد شد (اطلاعات - ۱۷ اردیبهشت)

هم میهنان زحمتکش!

رژیم جمهوری اسلامی که در اثر مبارزات گسترده و بحق توده های زحمتکش و انقلابی ادا ما کمیت ارتجاعی و استعمارچیان و لگرنه زحمتکشان را در خطر می بیند با صدور چنین اطلاعیه ها و وضع "قوانین" سرکوبگرانه که "قوانین" سایه زمان رژیم منحوس بللوی را در یادها زنده میکند، مذبحا ته تلاش میکند با تهدید و رعب شما را به جا سوسی علیه بیک های انقلاب و در واقع فرزندان کمونیست و انقلابی خودتان که در راه آزادی و استقلال و بخا طرهائی زحمتکشان از زیرستم سرمایه داری و امپریا - لیسیم به مبارزه برخاسته اند وادار کرده و شما را به خیرجین های بی اجر و مواجب جهت حفظ نظام بوسیده کنونی تبدیل سازد - با پشتیبانی از نیروهای انقلابی و کمونیست و مغربی چهره های جا سوس مزدوران رژیم توطئه های جمهوری اسلامی را علیه انقلاب رها می بخش توده های زحمتکش خنثی ساخته و به پاشیده شدن بنذر آگاهی و انقلاب دردل توده های زحمتکش یاری رسانید!



"حزب توده": درخت را می بیند، جنگل را نمی بیند!

روزنامه "لوموند" از نظر خائنین حزب توده کی معتبر می شود؟! *

برکمی پوشیده نیست که سلاحهای که رژیم ارتجاعی صدام حسین در جنگ ارتجاعی کنونی بکار میبرد، عمدتاً ساخته شوروی است که در گذشته بر طبق قراردادهای دفاعی فیما بین عراق و شوروی وظایف فرا هنگامیکه از نظر سوسیال امپریالیستهای روس، دولت مرتجع عراق یک "دولت ضد امپریالیستی" بود، (و بدین ترتیب هنوز هم هست) با آن کشور فروخته شده است، و لوسی خائنین حزب توده برای حق بجانب جلوه دادن دولت شوروی و انجام "ما موریت" خود به مثابه کارگزاران صدیق سوسیال امپریالیسم روس، به توجیه معاملات سوداگرانه تسلیماتی روسها و رژیمهای ارتجاعی همچون عراق پرداخته و بیوزنه برای نزدیک تر ساختن خود به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغ برای اربابان خود، از آغاز جنگ تا کنون، فروش سلاح از سوی شوروی به عراق را تکذیب کرده است.

حزب توده که چند ماه پیش ما را بخاطر استفاده از خبر مندرج در روزنامه لوموند (بنتقل از سخنگوی کمپانی هواپیماسازی داسو) در مورد کمکهای تجهیزاتی دولت فرانسه به دولتست جمهوری اسلامی ایران مورد حمله قرار میداد که کویا در دام دروغ با مصطلح "امپریالیسم خبری" افتاده و از "وضع آنها" رژیم جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده ایم، اینک که منافع شوروی مطرح است یادش میروید که لوموند هم از جمله موسساتی است که در "امپریالیسم خبری" مورد نظر خائنین توده ای می کشد و در شماره ۵۱۰ - "نامه مردم" (۶۰/۲/۲۲) مینویسد: "روزنامه لوموند، چاپ پاریس، بنقل از صدام حسین مینویسد: "عراق در جنگ با ایران بعطت تحریم اقتصادی شوروی، در مضیقه تجهیزاتی نظامی قرار گرفته است و به همین دلیل با میانجیگری دولتهای ثالث از مصر درخواست کمک تسلیماتی نموده است." (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)

در مورد صحت و سقم این خبر، ما اطلاع درستی نداریم، اما بفرص صحت و درستی آن، عدم فروش

اسلحه شوروی به رژیم عراق در زمان جنگ گذر میتوانند بنا بر ملاحظات سیاسی و زجمله نزدیکی با رژیم مرتجع ایران صورت گرفته باشد، دلیل دشمنی روسها با رژیم ارتجاعی عراق نیست چرا که در همان اطلاعات روز ۲۰ اردیبهشت و در صفحه اول آن خبری چاپ شده است که صدام البته چنان توده ای ها قادر به دیدن آن نبودند!



روزنامه اطلاعات، منبع خبر را "منابع رسمی شوروی" و بنقل از خبرگزاری فرانسه اعلام کرده است.

آری! خائنین رویزونیست حزب توده برای دفاع از منافع سوسیال امپریالیستهای شوروی و بیعت با نوکران صدیق بورژوازی آن قسمت از "حقیقت" را که در خدمت اهداف خائنین است، با تدبیر بیندولی خریدارین اهمیت را که حاکی از آمخای قرار داد مهم نفتی بین سوسیال امپریالیست های روس بخاطر جیب اول منافع ملیتی زحمتکشان عراق با رژیم ارتجاعی صدام حسین بنا به منافع طبقاتی و اهداف حکومت ارتجاعی- این میباید، آنگاه ها نه و عمداً نادیده میگیرند.

آری! برای رویزونیستها آنچه که تعیین کننده است حرکت از سیاستهای روز جهت پاسخگویی به اهداف خائنینان در خدمت سوسیال بورژوازی میباید شونده همین جهت این خائنین سادگی میتوانند جنگل را نادیده بگیرند و ما درخت را ببینند!

ملاحظات کوتاه

کمونیسم: "عزرائیل" سرمایه داران

اینکه سرمایه داران اسرائیل از کمونیسم دستبردارند، هیچ بی جهت نیست، آنها با مدعیان - نان خلی نیز است و صدانند همین کارگران که به اجبار زهر زدنکی را بجان میخرند و برای سرمایه داران تیدو عمل باری آورت، اکثر زیر پرچم کمونیسم درآیند نه تنها دیگران نیستند استعمارآنان نمیدهند بلکه نندند گورستانهایی وسیع برای سرمایه داران فراهم میآورند، گیند کمانی مثل بازارگان و معین قرونینی مدرو و همگیا لگی های حزبشان نیست بد کمونیستها قیفا از دستجات.

ایشوروزها دعوائی در مجلس در گرفت، ضمن فرسودا کرد که چرا در سلوویون نیلیدی را ج بد مسا زده دهقانان علیهار با بان رسیدار نشان داده شده و در آن بوی سما دطیقای وانگسار کمونیستی میاید! این انصاف برای حزبینیا تلخ آمده که چرا بد آنها نیت طرفداری از بارزده زحمتکشان زده شده است، حزبینیا همین دروا که نمک ما شناسی کرده و حزب همگیا بد ها بی را نگاه ندانند بود ما و اکی و امریکائی و غیره جواسند ملاحظه نویسی کدا را بی دعوا، جز مرا خنده و دزدی بر سر تا حساب اموال زحمتکشان چیزی نمی نیند

از یکطرف بد معنی فر "حق" میدادند بگردید: (من فقط) با منا هدهه فیلم با ما بشنا مدای که ظاهراً طرفداری از طبقه محروم ولی بنجد آن نروسیج نلسه نما دطیقای ما رکیم و خک نشو و نیسای ما رکیمستی در ارتکار مردم مسلمان بوده است هداری به مسئولین داد داد ما "وار طوطی، دیگر کرد حزبینیا "حق" میدادند که در بیان ادا در داد و سلوویون بگوید: "با عقاید ما اندولویوزی ورنگسته (۱) ما رکیمیم جگر بر برای جامعه اسلامی ما خطری نشود و نخواهد بود." آخر شردود بد سر ما بد ا رندو ما بدای بیخس در سر، در سبها اندولویوزی رها بی بیس تلفد که زکرا در سبکی - العمل نشان دهند و وحی کد کرا را بد بیس گیرند. ملاحظه نویسی را از اطلاع ارا من دعوا (انقلاب اسلامی ۲۲ اردیبهشت) بیستادق شده خاطرش زیند و آنرا شنگه بیتر بیس هر دولسرف "بر حسب دستور نام، اختلاف با راکنا و کدا آمد" و لا قبل از خصم آقای مهدی صبور در درما حسن زندانهای یعنی همان کار بکند و در ده سال بسا و ر قتی سا و آگاهانم شده اند اسراکت سگاز در ۲۰۱۵ استفاده کنند مگر بد استند و بد بکشی و شردود حساب اتمام سلوویون بویا بود مال و ارا من با حسن رسدانی چندتا جفا می دادند

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

درباره روشنفکران و جنبش کمونیستی

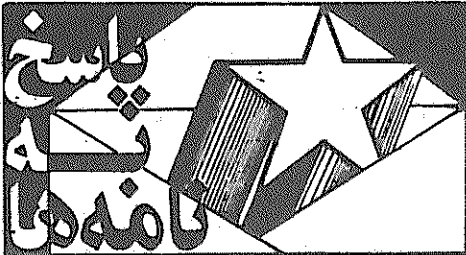
رفیق خسرو از ما هشرطی نامه‌ای به نقد مقاله روشنفکران و جنبش کمونیستی برداشته است و گفته است "اگرچه مقاله از محتوای بسیار انقلابی برخوردار است، اما انحراف کوچکی دارد و این انحراف عبارت از آن است که گفته شده پرولتاریا "نمی‌تواند بخودی خود بدون مساعدت روشنفکران بورژوا و خرده بورژواکسه موضع طبقاتی خود را بنفع موضع اوتراک گفتمان به این اقدام تاریخی (انقلاب اجتماعی) موفق شود" (پیکار ۱۰۲). رفیق در توضیح علت انحرافی بودن این نظر ضمن توضیحاتی پیرامون ما تریالیسم تاریخی و فلسفی ایراد داشته است که پرولتاریا بدون برخورداری از عنصر آگاه نیز می‌تواند به خودی خود به سویالیسم برسد و در اثبات نظرش میگوید هما نظر که سرما به داری بدون وجود ایدئولوژی منسجم و روشنفکران انقلابی بورژوازی نیز به خودی خود برفتند اما لیسیم غلبه نمود، پرولتاریا نیز بطور غیربیزی به سویالیسم عمل خواهد کرد، ولو آنکه تئوری سویالیستی بنیاد داشته باشد.

رفیق! پرولتاریا هرگز بدون مجهز بودن به ایدئولوژی سویالیستی نمیتواند به سویالیسم برسد و بسبقول لنین نهفت پرولتاریائی بدون وجود تئوری سویالیستی حداکثر یک نهفت تریبیونیستی بورژواشی خواهد بود. مقایسه‌ای که بین انقلاب بورژواشی و سویالیستی نموده‌ای نیز نادرست است و اتفاقاً در همین مسئله با یکدیگر اختلاف دارند. یعنی اگرچه در یک جا معفت‌والی روابط سرمایه‌داری از دل رشد بخودی خود بدون وجود آگاهی و ایدئولوژی بورژواشی نیز می‌تواند ندرشدنما بدو حتی غلبه یابد (نظیراً انگلستان) و گرفتن قدرت بسپاسی توسط بورژوازی ضرورتاً شرط لازم استقرار مناسبات سرمایه‌داری نیست، اما بخودی خود وجود نخواهد آمد. لازمه استقرار مناسبات سویالیستی کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا است و پرولتاریا بدون وجود آگاهی سویالیستی هرگز نخواهد توانست انقلاب اجتماعی بر راه انداخته و قدرت سیاسی را تصرف نماید و پرولتاریا نیز به خودی خود هرگز به آگاهی سویالیستی دست نخواهد یافت. نظریه‌ای که رفیق تو از آن دفاع نموده‌ای یک نظریه اگونومیستی است. برای اطلاع بیشتر می‌توانی به کتاب "چه‌باید کرد" لنین مراجعه کنی.

پیروزی‌ها!

درباره گزارشات توده‌ای

عده‌ای از رفقا پرسیده اند که چرا در "پیکار" از گزارشات توده‌ای فی‌المثل وضع کوره‌پز -



خانه‌ها، نمونه‌های خوب فعالیت تبلیغی رفقا و... اشری نیست.

درباره هر رفقا یا بدبگوئیم "ریتران" گزارش توده‌ای و گزارش فعالیت توده‌ای جزء مهمی از مطالب یک نشریه تبلیغی - سیاسی است و آنرا زنده میکند. متأسفانه از یکطرف بدلیل عدم هدایت از بالا و عدم برخورد فعال رفقا از پایین تاکنون چنین مطالبی تهیه نشده و در دسترس تحریریه قرار نگرفته است و از همین روجای این معذور نشریه خالی است. بنابر این از کلیه رفقا می‌خواهیم تا با یک برخورد فعال و پیکرانه، از وضع زندگی کارگران و زحمتکشان و فعالیت خودشان در کارخانه‌ها مطلع توده‌ای گزارشات و حتی مطالبه‌هایی تهیه نموده و مرتباً برای ما ارسال دارند.

نامه‌ای از یک مادر هوادار
به رفیق مادر محمود صمدی

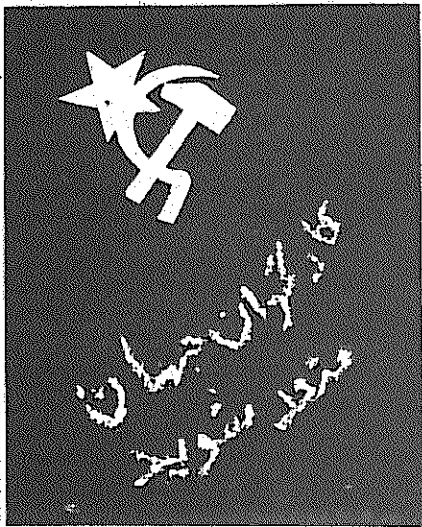
شهادت فرزند پیکارگرمان را به کارگران جهان و ما دران هم‌زمنی چون توشتریک می‌گوییم. خواهرگرایی من مادر سه پیکاری هستم اگرچه از نزدیک شما را نمی‌شناسم ولی محمود را فرزند خود میدانم خواهی که گرامی و وظیفه ما ما دران که یک عمر در فقر و بدبختی زندگی کرده‌ایم این است که فرزندان کمونیستی چون محمودها را برای مبارزه با فقر و بدبختی پرورش دهیم و آنان را تقسیم جنبش کارگری ایران و جهان کنیم و خودمان دوش بدوش آنها مبارزه را ادامه دهیم. تا بتوانیم جامعه‌ای بدون طبقه برقرار کنیم.

با درودهای کمونیستی ز - ۲۹ ساله

هدیه‌ای از زندان شهربانی رشت

تا ببلوی ضمیمه توسط یک رفیق هوادار در زندان تهیه شده و به سا زمان تقدیم گردید با رجه از رویان سر و آرام و نوشته از زورق سیکا ر تهیه شده است که در مجموع نشانه شور و عشق رفقا به سا زمان و آرمان پرولتاریا میباشد.

ضمن تشکر از هدیه ارزشمند رفیق، دستش را به گرمی می‌فشاریم و با درودهای گرم رفیقانسه پیروزی رفیق و کلیه کمونیستهای دربند را در امر مبارزه در زندان آرزو می‌ندیم.



۲۰۴۰۰ آرشیوار

این رفیق نامه‌ای ارسال کرده است و در آن به برخی مسائل شخصی خود اشاره نموده و از سا زمان در اینباره رهنمود خواسته است. درباره‌ی این رفیق با بدبگوئیم که اینگونه مسائل را با ایدئولوژی شکلیاتی که در رابطه با آن قرارداری در میان یگداری و از آن کمال باسخ مسائلت زاری افت کنی.

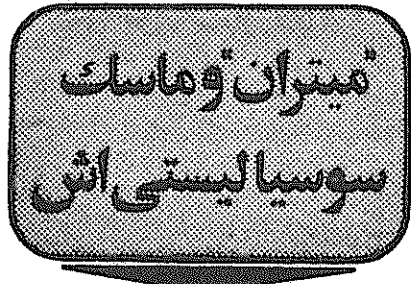
اما نکته مهمی که در این نامه و بسیاری از نامه‌های مشابه آن به چشم می‌خورد، اینست که بسیاری از مطالب آنها شخصی بوده و نه مسائل کلی جنسی و نه مسئله محوری و عمده است و عمدتاً درجه‌ای راجوب ضروریات و حواشی شخصی و خانوادگی است. طبیعتاً برخورد به مسائل شخصی و خانوادگی رفقا ضروری است و جزئی از تربیت کمونیستی رفقا به حساب می‌آید، اما مسئله اصلی درک این مسئله است که در اولاً صفحه باسخ به نام ما، در خدمت با سخگویی به اصلترین سوالات، ابهامات و انتقادات سیاسی - ایدئولوژیک قرار دارد نه آنکه باسخگویی مسائل شخصی این یا آن رفیق و یا دوست باشد. نامی مسائل شخصی رفقا اصولاً باید در رابطه با ارگانهای مربوط به خودشان حل گردد و نه توسط هیئت تحریریه و ستون باسخ به نام ما.

از اینرو از کلیه رفقا، هواداران که برای ما نامه مینویسند، خواهشمندیم که نامه‌هایی که جنبه عامدانه و حواشی مسئله مهمی باشد، برای ما بفرستند و مسائل شخصی و خانوادگی را با ما در میان نرسانند.

پیروزی‌ها!

رفیق دیپلمه بیکار، با آغا چاری

این رفیق نامه‌ای پیرامون ارسال کرده است که در آن پیشنه‌های را در مورد نحوه فعالیت رفقای خارج از کشور و ضرورت برپایی مستمر حرکتیهای شعری نظیر اعتصاب، سخن، تظاهرات و تبلیغات بقیه در صفحه ۲۵



اخبار
و مسائل
جهانی

درفرانسه "فرانسوا میتران" رهبر حزب سوسیالیست در انتخابات پیروز گردید. آنچه در این انتخابات به یاری او شفافیت بحران اقتصادی و وجود یک میلیون و هفتصد هزار بیکار از یک سو و تغییر تناسبات برای دهندگان در آخرین روزهای انتخابات فرانسه بود. به این معنا که "ژاک شیراک" رهبر گلیستها در دور اول انتخابات در مقابل "دستن" صف آرا شدی کردولی در دور دوم برخلاف انتخابات ۱۹۷۴ به اختلاف با "ژیسکار" دست "دستن" نزد و فقط با تاخیر زیاد چنین مطرح کرد: "من خودم به او (ژیسکار) رای میدهم ولی گمانیکه به من در دور اول رای داده اند در این مورد میتوانند به وجدان نشان مرا جعه کنند". این موضعگیری نتیجه ای جز شکسته شدن آرا "شیراک" و اختصاص رای بخش مهمی از طرفداران "شیراک" به "میتران" نداشت. علاوه عده کثیری از دو میلیون رای دهنده که در دور اول شرکت ننمودند رای خود را برای "میتران" به صندوق ریختند.

میتران با پشتوانه بخشی از سرمایه های امپریالیستی فرانسه، محافل صهیونیستی، بخش قابل توجهی از قشرهای متوسط و توده کثیری از زحمتکشها و کارگران که نسبت به برنامهمیتران متوهم میباشند به ریاست جمهوری انتخاب گردید. اگرچه بخشی از بورژوازی فرانسه محافل صهیونیستی و بطور کلی اقشار رفرمدر انطباق با منافع طبقاتی خود به میتران رای دادند ولیکن کارگران و توده زحمتکش فرانسوی نه به لحاظ انطباق منافع بلکه به لحاظ ناگامی طبقاتی و توهم خودوفاش روریزیونیسیم و فریمیم میتران را برگزیدند. میتران بهیچوجه پاسدار منافع کارگران و زحمتکشها نیست میتران خدمتگزار سرمایه امپریالیستی میباشد. برای اینکه این مسئله روشنتر گردد به گذشته او و برخی از مواضع او نظری کوتاه می اندازیم.

میتران از پیروان انترناسیونال دوم میباشد. انترناسیونال دوم که توسط یکی از بنیان گذاران مارکسیسم، انگلس در ۱۸۸۹ به وجود آمد، پس از غلبه پورتونیستها و روریزیونیسنها راه انحطاط و سقوط را پیش گرفت و کاملاً به منجانب خیانت درگتتید، اینان در جنگ امپریالیستی اول بدافع از جنگ تجار و زگران و بورژوازی برخاسته و به "سوسیال شوینیست" تبدیل گردیدند و نلین دقیقاً در باره چنین خائنینی بود که گفت: "این افراد دشمنان طبقاتی ما هستند و به بورژوازی گرویده اند (وظایف پرولتاریا در انقلاب ما) آری میتران فرزند

خلف این خائنین به سوسیالیسم میباشد. میتران نه سوسیالیست، بلکه سوسیال امپریالیست میباشد که در انتخابات فرانسه آئینه تمام نمای خیانت و ماهیت اوست. در ۵۵ - ۱۹۵۴ در کا بینیسیم پیرو مندس فرانس و وزیر کشور امپریالیسم فرانسه شد. در ۱۹۵۶ در همکاری با گیموله (نخست وزیر وقت) و در همدستی با انگلیس و اسرائیل در جنگ کانال سوئز علیه مصر عبدالنا مرشکرت فعال داشت. همین آقای میتران بود که در زمان جنگ استقلال الجزایر با استقلال الجزایر بیشتر مخالفت کرده و دستور کشتار خلق الجزایر صادر میکند. همین آقای میتران بود که در فروردین ۱۳۵۷ از قرار داد امپریالیستی کمپ دیوید که میان رژیم سادات و اسرائیل بر علیه فلسطین و توده های زحمتکش عرب بسته شد حمایت کرد. آری کسی که شوردهما پتها امپریالیستها و صهیونیستها بوده و میباشند هرگز نمیتوانند سوسیالیست یا ضد صهیونیست باشند. بی سبب نیست که "بگین" صهیونیست نخست وزیر اسرائیل پس از پیروزی میتران خواستار دیدار رفوری با وی شد و مطرح کرد: دوران تاریک روابط رژیم اسرائیل با فرانسه پایان گرفته است و میتران یک دوست واقعی برای اسرائیل است (کپها ۲۱/۲۰/۶۰)

چرا که میتران از دیربها موموضع خود را در قبال جنبش فلسطین روشن ساخته است. او بیوسه مطرح کرده است که طرفدار دولت صهیونیستی و تروریستی اسرائیل است. او همیشه همکاری امپریالیستی خود را در چهار رچوب بین الملل سوسیالیست "در کنار حزب کارگران اسرائیل به رهبری گلداما بر صهیونیست ادا داده است. وی سبب نیست که آقای میتران پیمناسن امپریالیستی ناتورا قبول دارو مقامات ناتو، دربارها و چنین میگویند: "فرانسه تحت رهبری میتران همچنان یک عضو فاداریمما آتلانتیک شمالی (ناتو) خواهدماند". (همانجا)

بدین ترتیب روشن میگردد که چرا حقیقتاً میتران نه "سوسیالیست" بلکه امپریالیستی میباشد که ما سک سوسیالیسم دارو او اگر نماینده بلافضل و مستقیم بخشهای از سرمایه مالسی فرانسه نمی باشد لیکن حامی و مدافع کل نظام امپریالیستی حاکم بوده و تمام گفتار و کردار او در جهت تحکیم و بقای سرمایه داری امپریالیستی

لیستی میباشد. توده های زحمتکش که بر اساس توهم و ناآگاهی خود به میتران رای دادند در خوا هندیافت که همان استعمار وستم وحشیانه ای که در دوره ریاست جمهوری ژیسکار دستن منحل میگرددند در دوره میتران نیز همچنان باقی خواهدماند. اینک میتران اصلاحاتی در چهارچوب نظام حاکمانه داده مرعیه بی نیست. بحران اوج گیرنده سرمایه داری فرانسه، تشدید نا رضایتی ها و مبارزات طبقه کارگری طلبدنا چنین اصلاحات امپریالیستی توسط فریبکارانی چون میتران صورت بگیرد. آری میتران آلتر-نا تیبو جدید سرمایه داری فرانسه است و توسط این سرمایه داری انتخابات گردید تا به مدت هفت سال آتی آنرا نمایندگی کند.

بقیه از صفحه ۲۴ پاسخ به سوال
گوناگون مطرح نموده و به رفقای خارج از کشور انتقاد نموده است که چرا صرفاً در رابطه با موارد مشخصی مثلاً در مقابل تظاهرات سلطنت طلبان و نظایر آن دست به این حرکت های تعرضی میزنند و این مسئله را بصورت مستمر، چه در رابطه با دفاع از نیروهای انقلابی در ایران، چه در رابطه با زندانیان سیاسی، شگنجه و... انجام نمیدهند.

رفیق! ضمن تشکر از پیشنهادات تو، نامه ات را برای رفقای خارج از کشور ارسال کردیم تا مورد توجه قرار دهند. پیروزی های!

● رفیق ب - ن
در رابطه با موضوعی که مطرح کرده بودی ضروری است هر چه سریعتر کلیه اطلاعات خویش را طی یک گزارش برای ما بفرستی و در ضمن چگونگی امکان تماس گرفتن با خودت را نیز برابما مشخص کنی تا در صورت لزوم در اولیسن فرمت با تو تماس بگیریم. پیروزی های!

● رفیق طی نامه پرشور و انقلابی که نوشته ای مسئله تشکیلاتی خودت را مطرح نمودی که از جانب برخی رفقای دیگر نیز مطرح شده است. ما ضمن استقبال و تشکر از نامه پرشورت به اطلاع تو میرسانیم که نامه تو به مرکزیت ما زمان ارسال شده است و مرکزیت با این مسئله تشکیلاتی فراتر از فرد تو (که بی شک شامل حال مسئله تو نیز خواهد بود) برخورد خواهد کرد. پیروزی های!

سایر نامه های رسیده

اسماعیل از کرمانشاه - ت هوادا رگومله - یکی از آوارگان جنگ هوادا رگومله - ب، و از بهبهان - دیپلمه بیگانه - ب، آغا جباری - اهواز - فالج از ما شهر مهدی - امفروم - ما از امفهان رضا از امفهان - ن، ک - ۳۷، ۴ - چهار تبرادر و خواهر از یک روستای آمل - بچا - ع از دزفول ام - آذر - الف، فا، زکرج - ما زیا از لالی - بخش کارگری شیراز - غ، ر از دزفول - سلول خوش کفا - جعفر - ع از هسته انقلاب - واحد مودن هسته ف کمیته ترجمه - ف - کمیته خوزستان،

سالگرد تولد رفیق
هوشی مین



۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت): تولد یکمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین رهبر انقلابی حزب کمونیست و خلق ویتنام، را گرامی می‌داریم.

"جمهوری اسلامی" وارث
خلف "رژیم شاه"

توده‌های زحمتکش خلقی ایران خوب به یاد دارند که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه شاهان در جهت ادامه چپاول امپریالیستهای جهانخواه روتختیف بحران‌های اقتصادی جوامع امپریالیستی و "نجات" شرکتی انحصاری در حال ورشکستگی، از قبول یفارت رفته نفاست میلیاردها تومان به دولتهای امپریالیستی وام میداد دنیا اقدام به خرید سهام شرکتی انحصاری و بزرگ مینمود. قراردادهای کلان رژیم شاه شاهان با کمپانی کرایسلر (جهت خرید قطعات ساخته شده بیگان - که در زمان فعلی نیز رژیم جمهوری اسلامی قراردادها را میلیاردها دلار به همین منظور با امپریالیسم انگلیس امضا میکنند - بیگار ۱۰۴) و خرید بخشی از سهام شرکت کروپ آلمان غربی از آن جمله بود.

اکنون رژیم جمهوری اسلامی که برای تحکیم و گسترش سرمایه داری وابسته به همان راه می‌رود که رژیم‌های ناپوشیده شاه جلاد میرفت، مشغول بستن قراردادهای مشابه با شرکت کروپ و دیگر کمپانی‌های بزرگ امپریالیستی می‌باشد. "دکتر نوربخش معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری آریا پس از علنی و نتایج سفر اخیرش به آلمان فدرال را تشریح کرد و گفت: این سفر به منظور شرکت در مجمع سالانه کمپانی دویچه با بنک که ایران سهام دار آن است صورت گرفت. دکتر نوربخش خاطر نشان ساخت در این سفر با مقامات کمپانی کروپ نیز مذاکره

بقیه در صفحه ۲۲

یادداشت‌های
سیاسی
هفتگانه

این نمایشات سیاسی و شوهای تلویزیونی، اهداف پلید خویش را در سرکوب انقلاب، تحمیق توده‌ها و حفظ موجودیت خود، به شمر برساند. او از یکسوی نشان دادن رویزونیست‌ها در کنار خویش و بحث وجدل با آنها، میکوشد تا آنها را نمایندگانی واقعی طبقه کارگر و رکنیست‌های واقعی جا بزند و از این طریق ذهن توده‌ها را نسبت به ما رکنیسم - لنینیسم و نیروهای واقعی کمونیست، مخدوش سازد و متقابلاً نوکران خود را در درون جنبش کارگری که تنها لباس مارکسیسم را به تن کرده‌اند، یعنی حزب توده و "اکثریتی‌ها" تطهیر نماید. نوکرانی که کارنامه خبیثت‌یگری از آنها (حزب توده) به انقلاب و جنبش کارگری، سالهاست که صفحات سیا هی از خود بجای گذاشته و دیگری (اکثریت) جدیداً به کاروان خیانت و ارتداد دیبوسته است. اینان در "بحث آزاد"، تنها تلاششان مخدوش کردن مرزهای انقلاب و ضد-انقلاب و تطهیر سرمایه ست جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود و این همان چیزی است که رژیم جمهوری اسلامی را کاملاً خشنود خواهد کرد. رژیم جمهوری اسلامی که تا دیروز با کودنی خاص خود از وجود چنین "دوستان" وفاداری در جامعه غافل بود و فریادهای خیانت‌آنها را به انقلاب ناطیده می‌گرفت، اکنون بهوش آمده و به اهمیت چنین ابزارها و غروسک‌های در صحنه سیاست ایران پی برده است.

بدون شک اگر رژیم جمهوری اسلامی، جس می‌کرد که این "بحث آزاد" حتی کوچکترین خدشای بسراسر اس حاکمیت و نظام او وارد می‌آورد و یا آنکه این بحث در نتیجه خود کمترین سئوالی را در مژدها هیت رژیم جمهوری اسلامی وسپاست - های آن تاکنون، در ذهن توده‌ها ایجاد می - نماید، هرگز به چنین حرکتی تن در نمی‌داد. بی‌شک این نیست که او برای برگزاری این نمایش فریبکارانه، چنین عناصری را دست چین کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی هر اس دارد که یک نیروی انقلابی در این مباحثه شرکت جوید و این هر اس او منطقی است. او هنوز تجربه همگان افشاگریهای محدود رهبران خیانتکار فاعلی فدائیان اکثریت، زمانیکه هنوز یک نیروی انقلابی بود، در بحث با بنی صدر، از یاد ندیده است. او میداند که ورود نیروهای راستین

بقیه در صفحه ۲۶

بحث آزاد رژیم
نمایش فریب و
تحمیق توده‌ها

سیاست جدید، "جماق و نان شیرینی" رژیم جمهوری اسلامی، "شمره" جدید خویش را در دعوت نیروهای معین و حساب شده‌ای به بحث آزاد را دیو تلویزیونی، نشان داد. این "بحث آزاد" قرار است روز یکشنبه و دوشنبه همین هفته به "نمایش" گذاشته شود. لیکن از هم‌اکنون میتوان، سرنوشت و نتیجه‌های این "بحث" را، که حداً علای اعطای "آزادی" رژیم را نشان میدهد، حدس زد. آنچه که ما را به این "نتیجه" رهنمون می‌سازد، ترکیب نیروهای شرکت‌کننده در بحث است. میزبان این مجلس گرم! رژیم جمهوری اسلامی و بطور خاص رادیو - تلویزیون وابسته به آن است که کارنامه درخشان "خویش را در ایفای نقش تحمیق توده‌ها و مسموم کردن ذهن آنها و تحریف حقایق و واقعیات سیاسی جا مغانیزان، به اندازة کافی نشان داده است. شرکت‌کنندگان در "مجلس بحث" سردمداران "مکتبی" رژیم، به علاوه مدافعین آتشین مزاج رژیم جمهوری اسلامی، بویژه رویزونیست‌های خاش توده‌ای و "اکثریت" می‌باشند.

در بحث‌های ایدئولوژیک، حزب توده بدون شک همچون گذشته از جنبه‌های بنیادین مشترک اسلام و مارکسیسم سخن خواهد گفت و بدین ترتیب با رقیبای مکتبی خود به "وحدت" خواهد رسید و مجلس به گرمی و خوشی تمام خواهد شد. در بحث سیاسی، همه آنها در دفاع از مبانی رژیم جمهوری اسلامی گوی سبقت را از یکدیگر خواهند بود، در عین حال که برپا به توافق بنیادین خود در دفاع از رژیم سرمایه داری حاکم، بحث‌های دانشی بی‌امون چگونگی حفظ مناسبات سرمایه داری موجود و چگونگی غلبه بر بحران عمیق حاکم بر آن، به جنگ و ستیز لفظی خواهند پرداخت. اما آنچه که از هم‌اکنون نتیجه آن روشن است، این است که در پایان این "بحث آزاد" هیچ "چیزی" مورد تعرض و حمله واقعی قرار نخواهد گرفت، مگر منافع واقعی انقلاب، طبقه کارگر، مارکسیسم لنینیسم و نیروهای انقلابی!

و به بیان معکوس، آنچه‌ی که در جریان بحث و سرانجام آن، در معرض هیچگونه تعرض و خدشای قرار نخواهد گرفت، ضد انقلاب، سرمایه داری حاکم و رژیم‌نمایان و بالاخره متحدین و نوکران طبقه به‌گوش آنها یعنی رویزونیست‌ها خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی، مزورانه میکوشد تا با

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست